

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فارسی (۳)

رشته های ریاضی و فیزیک - علوم تجربی - ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی

پایه دوازدهم

دوره دوم متوسطه

بهمن ماه ۱۳۹۸



جهان را بلندی و پستی تویی

ندانم چه ای، هر چه هستی تویی



"میراث فرهنگی هر ملتی، ادبیات آن ملت است."

نکات مهم فارسی (۳) : پایه دوازدهم

طراح: خانم تیموری

دبیر دبیرستان های شهرستان کوهدشت



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
درس اول: شکر نعمت	۴
درس دوم: مست و هوشیار	۱۱
درس سوم: آزادی / دفتر زمانه	۱۶
درس پنجم: دماوندیه	۱۹
درس ششم: نی نامه	۲۳
درس هفتم: در حقیقت عشق	۲۷
درس هشتم: از پاریز تا پاریس	۳۰
درس نهم: کویر	۳۴
درس دهم: فصل شکوفایی	۳۹
درس یازدهم: آن شب عزیز	۴۳
درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش	۴۸
درس سیزدهم: خوان هشتم	۵۵
درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ	۶۲
درس شانزدهم: کباب غاز	۶۹
درس هفدهم: خنده تو	۷۳
درس هجدهم: عشق جاودانی	۷۵



بسمه تعالی

درس اول: شکر نعمت

«شکر نعمت» از دیباچه گلستان سعدی جزء ادب تعلیمی است.

گلستان سعدی ۸ باب دارد. در سال ۶۵۶ ه. ق نوشته شد.

دیباچه گلستان سعدی، بهترین نمونه "تحمیدیه" در ادب فارسی است.

نثر: مسجع و آهنگین

مضمون درس "شکر نعمت": حمد و ستایش خداوند و مدح پیامبر(ص).

گنج حکمت: گمان: کلیله و دمنه ترجمه نصرالله منشی.

قلمرو زبانی:

- ۱) معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.
۱. هر نفسی که فرو می رود، ممد حیات است.
۲. شفیع مطاع نبی کریم // قسیم جسیم نسیم و سیم
۳. پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر ببرد.
۴. اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاد.
۵. صفوت آدمیان و تتمه دور زمان * * یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.
۶. یکی از صاحب دلان در بحر مکاشفت مستغرق شده.
۷. عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده - واصفان حلیه ی جمالش
- ۲) برای هر کدام از واژگان متن «واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب» می توان یک «هم آوا» ذکر کرد. آن را همراه با معنی بیان کنید.
- ۳) نوع حذف را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید.
- ۱) بنده همان به که ز تقصیر خویش // عذر به درگاه خدای آورد
- ۲) همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار // شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری
- ۳) گه از دیوار سنگ آمد گه از در / گهم سرپنجه خونین شد گهی سر
- ۴) فروغ رای تو مصباح راه های مخوف / عنان عزم تو مفتاح ملک های حصین
- ۵) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.



(۴) با توجه به عبارات زیر به سوال ها پاسخ دهید.

(۱) «منتّ خدای را، عزّوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت».

(۲) هر نفسی که فرو می رود، ممد حیات است و چون بر می آید مُفْرَح ذاتّ.

الف) واژه ای را بیابید که «هم آوای» آن وجود داشته باشد.

ب) نوع حذف را مشخص کنید.

پ) در عبارات فوق، کلمات سجّع را بیابید. (قلمرو ادبی)

ث) متن فوق، یادآور کدام آرایه ادبی است؟ (قلمرو ادبی)

برخی واژگان «هم آوا» (جهت دانش افزایی)

خوار = کم ارزش و کوچک // خار = تیغ گل یا خاشاک

سد = دیواری برای جمع کردن آب // صد = عددی در ریاضی

ثری = خاک و زمین // سرا = خانه

خاست = بلند شد // خواست = میل، آرزو، طلب

ثواب = پاداش اخروی // صواب = درست

غازی = جنگجو // قاضی = قضاوت کننده

عَلَم = پرچم // اَلَم = درد و رنج

غریب = بیگانه // قریب = نزدیک

نواحی = ناحیه ها // نواهی = نهی شده ها

آری = بله // عاری = بدون چیز

عرض = پهنا // ارض = زمین // ارز = پول خارجی

عاجل: تند و سریع / آجل: آینده

نصر = پیروزی // نسر = کرکس

نثر = نوشته ای که شعر نیست

غزا = جنگ // قضا = تقدیر الهی // غذا = خوردنی

سیف = شمشیر // صیف = تابستان

عمارت = آبادانی // امارت = فرمان رویی



حیات = زندگی // حیاط = زمین با حد و حدود، حصار

اساس = بنیاد و پایه // اثاث = لوازم خانه

خان = سرور، رئیس // خوان = سفره

منسوب: نسبت داده شده / منصوب: به شغلی گماشته شده /

سبا: نام شهری / صبا: بادی از مشرق

صواب: راست و درست / ثواب: پاداش. مزد

ثنا: ستایش // سنا: روشنی

۵) نوع «را» را در عبارت زیر مشخص کنید.

الف) «منت خدای را، عزوجل که طاعتش موجب قربت است.» را بنویسید.

ب) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.

پ) فرآش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده.

ت) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز // کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

ث) از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟

ج) گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را.

۶) نوع «واو» را در مصرع دوم مشخص کنید. کرم بین و لطف خداوندگار // گنه بنده کرده و او شرم سار

۶) با توجه به بیت: «ابر و مه و باد و خورشید و فلک در کارند // تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری»

به سوال ها پاسخ دهید.

الف) نوع «واو» در هر دو مصرع را مشخص کنید. در مصرع اول، عطف است. در مصرع دوم، ربط است.

ب) «واو» در مصرع دوم، ربط است.

پ) نوع جمله (ساده / مرکب) را مشخص کنید. با توجه به حرف پیوند ساز «تا»، جمله، از نوع جمله مرکب است.

۸) با توجه به معنی داده شده، معادل مناسب را انتخاب کنید.

الف	ب
الف) حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن	مراقبت
ب) روی گردانی از چیزی، روی گردانی، انصراف	مکاشفت
پ) بازگشت به سوی خدا	اعراض
ت) بی بردن به حقایق	انسیاط
ث) نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق	انابت



۹) واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف همه از (بهر / بحر) تو سرگشته و فرمانبردار

ب) طاعتش موجب (قربت / غربت) است و به شکر اندرش مزید نعمت.

پ) نتوان (شبهه / شبیح) تو گفتن که تو در وهم نیایی

ت) هر گاه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دست (انابت / عنابت) به امید اجابت به درگاه حق جلّ و علا بردارد.

۱۰) با توجه به بیت: «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی // نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی»، نقش «م» در «توأم» را بنویسید.

۱۱) «ضمیرهای پیوسته» را در موارد زیر بیابید و نقش هر یک را بنویسید.

الف) بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

ب) ای بی نشان محض نشان از که جویمت؟ // گم گشت در تو هر دو جهان از که جویمت؟

پ) هرگز نقش تو از لوح دل و جان نرود // هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود

قلمرو ادبی:

۱۲) با توجه به عبارات زیر به سوالات پاسخ دهید؟

«عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که «ما عبدناکَ حَقَّ عِبَادَتِکَ» و واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که

«مَاعَرَفْنَاکَ حَقَّ مَعْرِفَتِکَ». باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده»

الف) عباراتی که زیرشان خط کشیده شده است؛ چه آرایه ای دارند؟

ب) کدام بخش متن، آرایه تضمین دارد؟

پ) بین دو کلمه «رسیده و کشیده» آرایه وجود دارد.

ت) با توجه به عبارت بالا، نوع حذف را مشخص کنید.

۱۳) مفهوم مشترک «واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب» و بیت «هیچ نقاشی نمی بیند که نقشی بر کند // وان که دید از

حیرتش کلک از بنان افکنده ای» را بنویسید.

۱۴) جناس همسان، را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف) «از دست و زبان که برآید // کز عهده شکرش به درآید؟»

۱۵) با توجه به عبارات زیر به پرسش ها پاسخ دهید:

«از دست و زبان که برآید // کز عهده شکرش به در آید . اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِ الشُّكُورِ»



الف) مجاز را در بیت فوق بیابید.

ب) عبارت عربی، کدام آرایه را فرایاد می آورد؟

۱۶) در عبارت «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرو درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته. بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست رفت» به سوالات پاسخ دهید؟

الف) قسمت های مشخص شده چه آرایه های مشترکی دارند؟

ب) کنایه متن را ذکر کنید.

پ) متن فوق چند «اضافه تشبیهی» دارد؟

۱۷) در بیت «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز // کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» کلمات مشخص شده، نماد هستند؟

۱۸) با توجه به ابیات به سوالات پاسخ دهید:

الف) «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز // کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»

ب) «این مدعیان در طلبش بی خبراند // کانرا که خبر شد خبری باز نیامد»

۱) در بیت «الف»، در عبارت «ای مرغ سحر» کدام آرایه بر زیبایی کلام افزوده است؟

۲) در بیت دوم، مقصود از «خبری باز نیامد» به کدام حدیث تلمیح دارد؟

۳) در بیت نخست، مقصود «آواز نیامدن» و «خبری باز نیامد» چه آرایه مشترکی دارند؟

۱۹) آرایه های بیت زیر را بنویسید.

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیان؟ // چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟

قلمرو فکری:

۲۰) با توجه به متن زیر به سوالات پاسخ دهید.

«یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده؛ آن گه که از این معاملت باز آمد، یکی از یاران به طریق انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟ گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را، چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت»

الف) منظور از «صاحب دلان» چه کسانی هستند؟ ب) «دامن از دست رفتن» کنایه از چیست؟

پ) منظور از «سر به جیب مراقبت فرو بردن» چیست؟ ت) منظور از «بوستان» چیست؟

ث) آرایه جیب مراقبت و بحر مکاشفت را بنویسید. (قلمرو ادبی)

۲۱) مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.



(الف) « این مدعیان در طلبش بی خبرانند // کانرا که خبر شد خبری باز نیامد»
 (ب) « هر کرا اسرار کار آموختند // مهر کردند و دهانش دوختند»
 (پ) لاف تقرّب مزین به حضرت جانان / زان که خموش اند بندگان مقرب
 (ت) عاشقان کشتگان معشوقند // بر نیاید ز کشتگان آواز
 (ث) عارفان که جام حق نوشیده اند // رازها دانسته و پوشیده اند
 (ج) مهر خاموشی است بر عنان این سر بسته راز // نیست با گوش و زبان کاری بیان عشق را
 (چ) محرم این هوش جز بی هوش نیست // مر زبان را مشتری جز گوش نیست
 (۲۲) با توجه به بیت: «گر کسی وصف او ز من پرسد // بی دل از بی نشان چه جوید باز» به سوالات پاسخ دهید.
 (الف) مفهوم بیت را بنویسید.

(ب) منظور از واژگان «بی دل» و «بی نشان» را بنویسید.

(پ) نوع جمله (ساده / غیر ساده) را مشخص کنید. (قلمرو زبانی)

قرابت معنایی بیت فوق:

(الف) در قیاس در ننگجی و به وصف در نیایی // متحیرم در اوصاف جمال و روی و زینت
 (۲۳) با توجه به بیت: «شفیع مَطاع نبی کریم // نسیم نسیم نسیم و نسیم» جدول زیر را کامل کنید.

معنا	واژه معادل
(الف) دارای نشان پیامبری
(ب) خوش بو
(پ) خوش اندام
(ت) اطاعت شده

(۲۴) عبارات زیر را به نثر روان امروزی برگردانید.

۱. منت خدای را عز و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت
۲. اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاد.
۳. عصاره ی تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.
۴. پرده ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه ی روزی به خطای منگر نبرد.
۵. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگفته



۶. تخم خرمايي به تربيتش نخل باسق گشته.

۷. هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است و چون بر می آید مفرح ذات .

۸. بازش بخواند باز اعراض کند.

۹. دایه ی ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پرورد.

۱۰. هر نفسی که فرو می رود ممد حیات است.

۱۱. یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

۱۲. در خبر است از صفوت آدمیان.

۱۳. اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاد.

۱۴. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف.

۱۵. صفوت آدمیان و تتمه ی دور زمان.

۱۶. به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه ی اصحاب را چون برسیدم ، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

۲۵) با توجه به عبارت « وظیفه ی روزی به خطای منکر نبرد » :

الف. عبارت به کدام صفت خداوند اشاره دارد؟
ب. منظور از « وظیفه ی روزی » چیست؟

۲۶) عبارت « پرده ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.» بر کدام صفت پروردگار تأکید دارد؟

۲۷) در بیت « بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به در گاه خدای آورد» منظور از « تقصیر » چیست؟

۲۸) در بیت زیر مراد از « مرغ سحر » و « پروانه » چیست؟

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد.

بیت فوق با ابیات زیر قرابت مفهومی دارد.

۱. هر که را اسرار حق آموختند / مهر کردند و دهانش دوختند

۲. چه قصه بود ندانم دلا فسانه عشق؟ / که هر که گوش به آن کرد، از زبان افتاد

۳. نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است / هرگز نشنیدم ز پروانه صدایی

۲۹) مفهوم مشترک چهار بین فوق را بنویسید.

۳۰) در عبارت زیر سعدی به کدام صفات خداوند اشاره می کند؟

خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده، پرده ی ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.



- ۳۱) در عبارت « فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده.» مقصود از « فرش زمردین » چیست؟
- ۳۲) منظور از « درخت گل » در عبارت زیر چیست؟
- گفت: « به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه ی اصحاب را »
- ۳۳) با توجه به بیت زیر، به سوال ها پاسخ دهید.
- چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟
- الف) مفهوم بیت را بنویسید.
- ب) منظور از «تو» کیست؟
- بیت فوق با بیت زیر قرابت معنایی دارد.
- «دست در دامن مردان زن و اندیشه مدار / هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش»

- ۳۴) مفهوم عبارات و ابیات زیر را بنویسید.
- الف) از دست و زبان که بر آید / کز عهده شکرش به در آید.
- ب) واصفان حلیه جمالش به تقصیر عبادت معترف که : ما عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ :
- پ) عاشقان کشتگان معشوقند / بر نیاید ز کشتگان آواز.
- ت) این مدعیان در طلبش بی خبران اند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد.
- ۳۵) معنی و مفهوم عبارت «عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که ما: عبدناک حقّ عبادتک» را بنویسید.
- ۳۶) مفهوم عبارت زیر را بنویسید.
- «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده».

درس دوم: مست و هوشیار

«مست و هوشیار» از دیوان اشعار پروین اعتصامی در قالب قطعه، و جز ادب تعلیمی است. چنین شیوه گفت و گویی را در ادب پارسی؛ مناظره می گویند. لحن: روایی - داستانی و همچنین لحن محتسب محکم است و مست هوشیارانه و طنزآمیز است.

شعرخوانی: در مکتب حقایق: حافظ

قلمرو زبانی

۱. معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.



۲. گفت: «از بهر گرامت، جامه ات بیرون کنم»

۳. گفت باید حد زند هشیار مردم

۴. در حق ما، هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست.

۵. گفت: نزدیک است والی را سرای

۶. محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت

۷. گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

۸. بی کلاهی عار نیست.

۹. گفت: کار شرع کار درهم و دینار

(۲) فعل های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

«گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم // گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

(۳) در کدام گزینه فعل «نیست» از نظر معنایی با بقیه متفاوت است؟

(۱) من نیست شدم نیست شدم مایه هستی است // این نیست به هستی ابد کم نفروشم

(۲) گفت: نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم // گفت: والی از کجا در خانه خمار نیست؟

(۳) هزار یک کاندر نهاد او هنراست // نگار خوب همانا که نیست در ارتنگ

(۴) ز دانش به اندر جهان هیچ نیست // تن مرده و جان نادان یکی است

(۴) کاربرد معنایی «شد» را در هر یک از ابیات زیر، بررسی کنید.

(الف) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز // آن سوخته را جان شد و آواز نیامد

(ب) این مدعیان در طلبش بی خبرانند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

(پ) گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی / گفت: «ای بیهوده گو حرف کم و بسیار نیست!»

(ت) خرامان بشد سوی آب روان // چنان چون شده باز جوید روان

(۵) در مصراع «گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم // گفت: والی از کجا در خانه خمار

نیست» کلمه «والی» در مصراع نخست و دوم چه نقش دستوری دارد؟

سوال ۶) در مصراع «گفت: تا داروغه را گویم، در مسجد بخواب // گفت: مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست» کلمه «مسجد» در

مصراع نخست و دوم چه نقش دستوری دارد؟

(۷) شکل نوشتاری کدام واژه، اشتباه است؟ گفت: «مسجد خابگاه مردم بدکار نیست»

(۸) در ابیات زیر نوع «را» را مشخص کنید.



۱. گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم» (را) در (والی را سرای) چه نوع «را» یی است؟
۲. گفت: «تا داروغه را گوئیم، در مسجد بخواب / گفت: «مسجد خوابگاه مردم بدکار نیست»
- ۹) در بیت «گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را // گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست» نقش دستوری «هشیار مردم»: «مست»: «هشیاری»: «هشیار»: است.
- ۱۰) در بیت «گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست» نقش دستوری «کار» را بنویسید.
- ۱۱) نوع حذف را در بیت «گفت: از بهر غرامت، جامه ات بیرون کنم / گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست» مشخص کنید.

۱۲) الف) در ابیات زیر، نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

الف) «گفت: مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی / گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»

ب) گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»

۱۳) با توجه به بیت: «گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه / گفت: «در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست» به سوالات زیر پاسخ دهید.

الف) نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

ب) نقش «ت» در مصرع اول را بنویسید.

۱۴) در کدام گزینه «فعل» به «قرینه معنوی» حذف شده است؟

۱) فکری ای هموطنان در ره آزادی خویش // بنمایید که هر کس نکند، مثل من است

۲) چنان که در نظری در صفت نمی آیی // منت چه وصف بگویم تو خود در آینه بین

۳) دمی آب خوردن پس از بدسگال // به از عمر هفتاد و هشتاد سال

۴) خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد // ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است

۱۵) در مصرع: «گفت می باید تو را تا خانه قاضی برَم» نوع فعل «برَم» را بنویسید؟

۱۶) با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

گفت: «از بهر غرامت، جامه ات بیرون کنم / گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست»

الف) نقش واژگان مشخص شده، را به ترتیب بنویسید.

ب) نوع حذف را مشخص کنید. کدام نقش جمله محذوف است؟

قلمرو ادبی:

۱۷) متن درس «مست و هوشیار»، از نظر بیان (جد/طنز) با این سروده حافظ چه وجه اشتراکی دارد؟

«با محتسم عیب مگوئید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است»



۱۸) در ابیات زیر آرایه «ایهام» را بیابید.

۱. گفت: «می باید تو را تا خانه قاضی برم / گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»

۲. گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را // گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست

۱۹) در بیت «گفت: باید حد زند هشیار مردم، مست را // گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست» زیر آرایه های موجود را بیابید و توضیح دهید؟

۲۰) در مصراع «گفت: در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست» بی کلاهی کنایه از چیست؟ ۵/۰

۲۱) ابیات زیر را از نظر آرایه های ادبی کنایه، تضاد و حسن تعلیل و تکرار بررسی کنید.

الف) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» / گفت: «هشیار بیار، اینجا کسی هشیار نیست!»

ب) گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می روی» / گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره، هموار نیست»

۲۲) کنایه را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود / در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی:

ب) خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد / آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی:

پ) محتسب مستی به ره دید و گریانش گرفت / مست گفت ای دوست، این پیراهن است افسار نیست.

قلمرو فکری

۲۳) بیت: گفت: «دیناری بده پنهان خود را وارهان» / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست» به کدام موضوع

اجتماعی اشاره دارد؟

۲۴) بیت زیر به کدام جنبه فرهنگی گذشته اشاره دارد؟

گفت: «آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه» / گفت: «در سر عقل باید، بی کلاهی عار نیست»

۲۵) مفهوم هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» / گفت: «هشیار بیار، اینجا کسی هشیار نیست!»

ب) گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم» / گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

پ) گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان» / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»

۲۶) معنی ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.



الف) گفت: «مستی زان سبب افتان و خیزان می روی» / گفت: «جرم راه رفتن نیست ره هموار نیست»
 ب) گفت: «از بهر غرامت، جامه ات بیرون کنم» / گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست»
 پ) گفت: «باید حد زند هشیار مردم، مست را» / گفت: «هشیار بیار، اینجا کسی هشیار نیست!»
 ۲۷) منظور از «حرف کم و بسیار» در مصراع دوم بیت زیر چیست؟
 گفت: «می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی» / گفت: «ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست!»
 ۲۸) در هر یک از بیت های زیر، بر چه مفهومی تأکید شده است؟
 گفت: «آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه» / گفت: «در سر عقل باید بی کلاهی عار نیست»
 ۲۹) در هر یک از موارد زیر نقش هسته گروه های اسمی مشخص شده را بنویسید.

۱. این مدعیان در طلبش بی خیراند
 ۲. گفت: مسجد، خوابگاه مردم بدکار نیست.
 ۳. مفهوم مشترک ابیات زیر را بیان کنید.
 - الف) گفت مست: «ای محتسب، بگذار و رو / از برهنه کی توان بردن گرو؟»
 - ب) گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان / گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»
- شعر خوانی: در مکتب حقایق

در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

قلمرو زبانی

- ۳۱) با توجه به ابیات زیر به سوال ها پاسخ دهید.
- ۱) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
 - ۲) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی
- الف) نقش واژگان مشخص شده ابیات را به ترتیب بنویسید.
 ب) نوع «واو» در بیت نخست را مشخص کنید. ربط (پیوند)
 پ) ابیات را به لحاظ جمله مرکب و ساده بودن بررسی کنید.
- قرابت معنایی: دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
۱. تا نگردي بی خبر از جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان
 ۲. هوای عشق او داری، هوای خویشان بگذار / خیالش نقش می بندی رها کن دل ز جان بگذر
- ۳۲) مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

۱. ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی *** تا راهرو نباشی کی راهبر شوی



۲. در مکتب حقایق پیش ادیب عشق *** هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

۳. دست از مس وجود چو مردان ره بشوی *** تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

۴. خواب و خورت ز مرتبه ی خویش دور کرد *** آنکه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی.

۵. گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد *** بالله کز آفتاب فلک خوب تر شوی

۶. یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر *** کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

۷. از پای تا سرت همه نور خدا شود *** در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی

۸. وجه خدا اگر شودت منظر نظر *** زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

۹. بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود *** در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی

۱۰. گر در سرت هوای وصال است حافظا *** باید که خاک در گه اهل هنر شوی

۳۳. نقش ضمیر «ت» را در ابیات زیر مشخص کنید.

۱. خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد // آن گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی

۲. گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد // بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی

۳. وجه خدا اگر شودت منظر نظر / زین پس شکی نماند که صاحب نظر شوی

درس سوم: آزادی - دفتر زمانه

آزادی: از دیوان اشعار ابوالقاسم عارف قزوینی // قالب: غزل اجتماعی // نوع ادبی: ادب پایداری // مضمون شعر آزادی: اشاره به سلطه گری بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه اشاره دارد و همچنین تاکید بر میهن دوستی و جانفشانی در راه وطن.

دفتر زمانه: دیوان اشعار، فرخی یزدی / نوع ادبی: ادب پایداری / قالب: غزل اجتماعی.

گنج حکمت: خاکریز: روایت سنگر سازان ۲، عیسی سلمانی لطف آبادی.

قلمرو زبانی

۱. معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

(الف) ز اشک ویران گنش آن خانه که بیت الحزن است.

(ب) مسلک مرغ گرفتار قفس، همچو من است.



پ) خیر از من به رفیقی که به طرف چمن است.

۲. نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

الف) «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت»

ب) جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از وطن است

۳. در مصراع «سلک مرغ گرفتار قفس، همچو من است». نوع وابسته وابسته را مشخص کنید.

۴. در ابیات زیر کدام ارکان جمله حذف شده، آن را بیابید و نوع حذف را مشخص کنید؟

الف) «جامه ای کو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»

ب) «فکری ای هم وطنان، در ره آزادی خویش / بنمایید که هر کس نکند، مثل من است»

۵. در بیت زیر، «نهاد» را مشخص کنید؟ «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامه را محترم نداشت»

۶. در مصراع «ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است»

۷. در بیت زیر کدام ارکان جمله حذف شده، آن را بیابید و نوع حذف را مشخص کنید؟

«جامه ای کو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»

۸. در بیت زیر «نهاد» را مشخص کنید؟ «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامه را محترم نداشت»

۹. نوع «واو» را در بیت «جامه ای جامه ای کو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»

را بیان کنید.

قلمرو ادبی

۱۰. آرایه شاخص بیت زیر را بیان کنید.

آن کسی را که در این ملک سلیمان کردیم / ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

۱۱. در بیت زیر، دو مورد کنایه وجود دارد، آنها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید؟

«جامه ای کو نشود غرقه به خون بهر وطن / بدر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»

۱۲. در بیت «هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت»

الف) مجاز را بیابید مفهوم آنرا بنویسید؟ ۱) ب) در بیت بالا دو آرایه ادبی دیگر نیز پیدا کنید؟

۱۳. آرایه های بیت: «دست از مس وجود چو مردان ره بشوی *** تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی»

۱۴. با توجه به بیت زیر به پرسش ها پاسخ دهید؟



«با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت»
الف) جام تهی بودن کنایه از است.

ب) در بیت بالا آرایه جناس را بیابید و نوع آن را بنویسید؟

پ) نوع «را» را مشخص کنید. (قلمرو زبانی)

ت) نوع واو را مشخص کنید.

ث) نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

۱۵. با توجه به بیت: «گر در سرت هوای وصال است حافظا // باید که خاک در گه اهل هنر شوی» به سوالات پاسخ دهید.

الف) منظور از «اهل هنر» چه کسانی هستند؟

ب) مجاز را در بیت بیابید.

پ) خاک در گه شدن:

ت) مفهوم بیت فوق را بنویسید.

۱۶) با توجه به بیت: «نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است // مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است.» به سوالات پاسخ دهید.

الف: واژه «مرغ» در کدام مصرع، مفهوم مجازی و در کدام یک معنای حقیقی دارد؟

ب: منظور از «مرغ اسیر» کیست؟

پ) نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

قلمرو فکری

۱۷. معنا و مفهوم بیت «در دفتر زمانه فتد نامش از قلم // هر ملتی که مردک صاحب قلم نداشت» را به نثر روان در آورید.

۱۸. مفهوم بیت زیر را بنویسید؟ «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم / هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت»

۱۹. بیت زیر به چه چیزی اشاره دارد؟ «خانه ای کو شود از دست اجانب آباد / زاشک ویران کنش آن خانه که بیت
الجزن است»

۲۰. شاعر در بیت زیر علت غمگین نبودن خود را در چه می داند؟

«هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم و بیش و کم نداشت»

۲۱. در بیت «نالۀ مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار وطن همچو من است»
منظور از «مرغ اسیر» کیست؟

۲۲. مقصود از «مردم صاحب قلم» در بیت زیر چیست؟



«در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر دفتری که مردم صاحب قلم نداشت»

۲۳. فرخی یزدی در بیت زیر خود را با کدام ویژگی ها معرفی می کند؟

«انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی ، موافق ثابت قدم نداشت» ۱/۵

درس چهارم: ادبیات آزاد

درس پنجم: دماوندیه

شاعر: محمدتقی بهار

قالب: قصیده

دماوند: نماد آزادی خواهان جامعه و آگاهان خاموش جامعه است.

نوع ادبی: ادب پایداری.

مضمون اصلی شعر: دعوت به اعتراض و قیام نسبت به خفقان و استبداد حاکم بر اجتماع رژیم شاهنشاهی.

روان خوانی: جاسوسی که الاغ بود! از "قصه شیرین فرهاد" احمد عربلو

قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) سریر ملک عطا داد کردگار تو را // به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد

ب) دردناک است که در دام شغال افتد شیر/ یا که محتاج فرومایه شود، مرد کریم

پ) تو قلب فسرده زمینی *** کافور بر آن ضماد کردند

ت) با شیر سپهر بسته پیمان *** با اختر سعد کرده پیوند

ث) خر سلانه سلانه راه می آید *** از گردش قرن ها پس افکنند

ج) زین بی خردان سفله بستان

چ) از سیم به سر یکی گله خود *** سرد و سیه و خموش و آوند

ح) بر کش ز سر این سپید معجز *** بخروش چوشرزه شیر ارغند

۲. واژه صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.



الف) بخروش چو شرزه شیر (ارقند/ ارغند) ب) (سریر/ صریر) ملک عطا داد کردگار تو را

پ) کافور بر آن (ضماد/ ظماد) کردند ت) بر کش ز سر این سپید (معجر/ معجر)

۳. در بیت های زیر، ترکیب های اضافی را مشخص کنید.

الف) تو مشت درشت روزگاری / از گردش قرن ها پس افکند

ب) زین بی خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند

۴. با توجه به ابیات زیر به سوال ها پاسخ دهید.

۱) چون گشت زمین ز جور گردون / سرد و سیه و خاموش و آوند

۲) ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند

الف) نقش کلمات مشخص شده را بنویسید

ب) ترکیب اضافی و وصفی را در هر دو بیت مشخص کنید.

پ) نوع «واو» را در مصرع دوم بیت اول مشخص کنید.

ت) ابیات را به لحاظ شیوه بلاغی و عادی بررسی کنید.

۵. نقش واژه های زیر را بنویسید. «مؤمن خدا! ما که باشیم که شما را سرکار بگذاریم.»

۶. نقش ضمیر «ت» را در بیت زیر بنویسید.

تا چشم بشر نیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل بند

۷. عبارات زیر را بخوانید و به سوال ها پاسخ دهید.

«حاج احمد آقا، دشمن (عن قریب/ عن غریب) است که / به به! دو تا پهلوان احمد! .. / این لگد آخری که احمد رضا

خان، به الاغ زد، (فغانی/ فغانی) بود.»

نقش واژه های مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

قلمرو ادبی

۸. در بیت های زیر، استعاره ها را مشخص کنید.

الف) پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان شنو یکی پند

ب) از سیم به سر یکی کله خود / ز آهن به میان یکی کمر بند

پ) تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضماد کردند

۹. بیت: «بر کن زین این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم بر کند» را به لحاظ ادبی بررسی کنید؛ سپس معنی آن را بیان کنید.

۱۰. بارزترین آرایه ادبی ابیات زیر را بنویسید.



الف) تو قلب فسرده زمینی / از درد ورم نموده یک چند (حسن تعلیل)

ب) تا چشم بشر نیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل بند (حسن تعلیل)

پ) تا وارهی از دم ستوران / وین مردم نحس دیومانند (موقوف المعانی با بیت بعدی)

با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند (حسن تعلیل)

۱۱. شعر های «دماوندیه» و «مست و هوشیار» را از نظر قالب مقایسه کنید.

۱۲. با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

* بکش ز سر این سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند

الف) مجاز بیت را مشخص کنید.

ب) ترکیب وصفی و اضافی بیت را مشخص کنید.

پ) کنایه های بیت را بیان کنید.

ت) معنی بیت را بنویسید.

ث) مخاطب شاعر در این بیت کیست؟

ج) مفهوم بیت را بنویسید.

چ) کدام واژه ها، نماد هستند؟ کبود اورند: نماد قدرت / سپید معجر: نماد ضعف

۱۳. ابیات زیر را در هر سه قلمرو بررسی کنید.

الف) با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند

ب) گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت به جانت سوگند

۱۴. «مجاز» را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف: با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند

ب: ای مادر سرسپید، بشنو / این پند سیاه بخت فرزند

۱۵. آرایه ایهام را در ابیت زیر بررسی کنید.

الف: تا وارهی از دم ستوران / وین مردم نحس دیومانند

ب: تو قلب فسرده زمینی // از درد ورم نموده یک چند

پ: شو منفجر ای دل زمانه // وان آتش خود بنهفته میسند

ت: خامش منشین، سخن همی گوی / افسرده مباش، خوش همی خند

ث: پنهان مکن آتش درون را / زین سوخته جان، شنو یکی پند

ج: گر آتش دل نهفته داری // سوزد جانت، به جانت سوگند



۱۶. روان خوانی: چند مورد از آرایه های مهم روان خوانی جاسوسی که الاغ بود!

از دیوار راست بالا رفتن: کنایه از کار دشوار کردن *** روی حرف کسی حرف نزدن: کنایه از مطیع اوامر کسی بودن و احترام گذاشتن به کسی *** کاجی به از هیچی: ضرب المثلی که کنایه از هر چیز کم و ناقص بهتر از هیچ است. با یک کاسه ماست از آب دریاچه دوغ درست کردن: ضرب المثل و کنایه از کار غیر ممکن و بسیار سخت.

دنبال نخود سیاه فرستادن کسی: از سر باز کردن کسی به بهانه ارجاع به کاری بیهوده *** سرکار گذاشتن: به کار بیهوده مشغول داشتن کسی *** کار دست کسی دادن: کنایه از باعث اذیت و گرفتاری کسی بودن *** چهار نعل دویدن: کنایه از با سرعت دویدن *** چیزی را بر باد دادن: کنایه از نیست و نابود کردن چیزی *** شاخ در آوردن: کنایه از تعجب کردن زیاد / دل توی دل کسی نبودن: کنایه از آشفته بودن و اضطراب داشتن.

قلمرو فکری

۱۷. مقصود شاعر از «دماوند» و «سوخته جان» در شعر دماوندیه چیست؟

۱۸. معنی و مفهوم و آرایه های بیت زیر را بنویسید.

* بفکن ز پی این اساس تزویر / بگسل ز پی این نژاد و پیوند

۱۹. در شعر دماوندیه، علت سرودن بیت «نی نی تو نه مشت درشت روزگاری / ای کوه نی ام ز گفته خرسند» توسط شاعر چیست:

۲۰. معنی بیت «تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر، چهر دل بند» را بنویسید.

۲۱. مفهوم مشترک سروده های زیر را بنویسید.

الف: شو منفجر ای دل زمانه / وان آتش خود نهفته میسند

ب: دلا خموشی چرا؟ / چو خم نجوشی چرا؟ / برون شد از پرده راز، تو پرده پوشی چرا؟

۲۲. الف) در بیت زیر شاعر از دماوند چه می خواهد؟ ب: منظور از دماوند در قصیده «دماوندیه» چه کسانی هستند؟

بر کش ز سر این سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند

۲۳- در بیت «خامش منشین، سخن همی گوی / افسرده مباش، خوش همی خند» منظور از «افسرده مباش» چیست؟

۲۴. مفهوم ابیات زیر را بیان کنید.

الف) بگرای چو اژدهای گرز / بخروش چو شرز شیر ارغند

ب) گر آتش دل نهفته داری / سوزد جانت، به جانت سوگند

پ) زین بی خردان سفله بستان / داد دل مردم خردمند



درس ششم: نی نامه

نی نامه، از کتاب مثنوی معنوی / اثر: مولانا جلال الدین بلخی / قالب: مثنوی / نوع ادبی: غنایی / ماجرای جدایی انسان از مبدأ هستی و عالم ملکوت نی: استعاره از مولانا و نماد هر انسان آشنا به حقیقت عالم معنا / نیستان: استعاره از عالم معنا.
گنج حکمت: آفتاب جمال حق: فیه ما فیه مولوی

قلمرو زبانی

۱- هر یک از لغات مشخص شده زیر را معنی کنید

الف) در نفیرم مرد و زن نالیده اند (ب) تن زجان و جان زتن مستور نیست

پ) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق ** * همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

ت) هر کسی از ظن خود شد یاد من ** * جفت بد حالان و خوش حالان شدم

۲. بیت زیر را با توجه به موارد «الف» و «ب» بررسی کنید.

سرّ من از ناله من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست

الف) کارکرد «را» را بنویسید.

ب) نقش دستوری قسمت مشخص شده را بیان کنید.

۳. با توجه به بیت « هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر بی روزی است، روزش دیر شد.»؛ «بی روزی» و «دیر شدن روز» به ترتیب به چه معناست؟

۴. معنای واژه «دستور» را در بیت های زیر مشخص کنید.

۱. چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه شیون باد و نه سور(وزیر)

۲. گر ایدونک دستور باشد کنون / بگوید سخن پیش تو رهنمون(اجازه و رخصت)

۵. هر یک از توضیحات زیر معادل کدام واژه یا اصطلاح است؟

الف) پاره گوستی که از درازا بریده شده باشد: (ب) میل قلب است به دیدار معشوق:

۶. با توجه به ابیات زیر، قسمت های مشخص شده را معنی کنید.

الف) مکر او معکوس و او سرزیر شد / روزگارش برد و روزش دیر شد

ب) بی گاه شد بی گاه شد، خورشید اندر چاه شد / خورشید جان عاشقان در خلوت الله شد



۷. با توجه به بیت: «نی حریف هر که از یاری برید پرده‌هایش پرده‌های ما درید» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف) نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

ب) نوع حذف را در بیت فوق مشخص کنید.

قلمرو ادبی:

ابیات زیر آرایه اسلوب معادله دارند.

- ۱) دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست // جای چشم، ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است
- ۲) عیب پاکان زود بر مردم هویدا می‌شود // موی اندر شیر خالص زود پیدا می‌شود
- ۳) پرده شرم است مانع در میان ما و دوست // شمع را فانوس از پروانه می‌سازد جدا
- ۴) محرم این هوش جز بی هوش نیست // مر زبان را مشتری جز گوش نیست
- ۵) پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما // آینه کی برهم خورد از زشتی تمثال‌ها
- ۶) ای دوست دزد حاجب و درمان نمی‌شود // گرگ سیه روز سگ چوپان نمی‌شود
- ۷) آدمی پیر که شد حرص جوان می‌گردد // خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد
- ۸) اظهار عجز پیش ستمگر ز ابلهی است // اشک کباب موجب طغیان آتش است
- ۹) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را // دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
- ۱۰) بی‌کمالی‌های انسان از سخن پیدا شود // پسته بی مغز چون لب و کند رسوا شود
- ۱۱) عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را // سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را
- ۱۲) سعدی از سرزنش غیر نترسد هیئات // غرقه در نیل چه اندیشه کند باران را
- ۱۳) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان // چه باک از موج بحر آن را که دارد باشد نوح کشتیبان
- ۱۴) دل من نه مرد آن است که با غمش بر آید // مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی
- ۱۵) تا رنج تحمل نکنی گنج نبینی // تا شب نرود، صبح پدیدار نباشد
- ۱۶) ز عشق نا تمام ما جمال یار مستغنی است // به آب و رنگ و خال و خط چه حاجت روی زیبا را
- ۱۷) چشم عاشق نتوان بست که معشوق نبیند // پای بلبل نتوان بست که بر گل نسراید
- ۱۸) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر // همیشه آتش سوزنده اشتها دارد



- ۱۹• شانه می آید به کار زلف در آشفستگی // آشنایان را در ایام پریشانی پیرس
- ۲۰• الف) هر که جز ماهی ، ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است، روزش دیر شد
- ۲۱• مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه خاموش، بلبل را به گفتار آورد
- ۸• بارزترین آرایه ادبی ابیات زیر را بنویسید.
- الف: سرّ من از ناله من دور نیست // لیک چشم و گوش را آن نور نیست
- ب: همچو نی زهری و تریاقی که دید؟ // همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
- پ: محرم این هوش جز بی هوش نیست // مر، زبان را مشتری جز گوش نیست
- ۹• آرایه های ادبی بیت «کز نیستان تا مرا بریده اند» در نفیرم مرد و زن نالیده اند» را بیان کنید.
- ۱۰• آرایه های ادبی بیت «آتش است این بانگِ نای و نیست باد» هر که این آتش ندارد نیست باد» را بیان کنید.
- ۱۱• معنی بیت: «آتش عشق است کاندر نی فتاد» جوشش عشق است کاندر می فتاد» را بیان کنید.
- ۱۲• مفهوم بیت را بنویسید.
- ۱۳• آرایه های ادبی بیت فوق را بنویسید.
- بیت فوق با ابیات زیر قرابت معنایی دارد:
- ۱• مبین جز مهر عشق از کل ذرات // که در عشق است عقل عاقلان مات
- ۲• از خمستان جرعه ای بر خاک ریخت // جنبشی در آدم و حوا نهاد
- ۱۴• بیت های زیر را از نظر کاربرد آرایه جناس تام (همسان) بررسی کنید.
- الف) آتش است این بانگِ نای و نیست باد // هر که این آتش ندارد نیست باد
- ب) نی، حریف هر که از یاری برید / پرده هایش، پرده های ما درید (پرده اول: آواز و نغمه / پرده دوم: اسرار، راز)
- ۱۵• در بیت « کز نیستان تا مرا بریده اند / از نفیرم مرد و زن نالیده اند» استعاره را مشخص کرده و توضیح دهید
- ۱۶• آرایه های بیت: «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق // تا بگویم شرح درد اشتیاق» را مشخص کنید.

قلمرو فکری

- ۱۷• مقصود مولوی، از «نی» و «نیستان» چیست؟
- ۱۸• با توجه به ابیات زیر به سؤالات پاسخ دهید:
- « هر که جز ماهی ز آبش سیر شد // هر بی روزی است، روزش دیر شد



در نیابد حال پخته هیچ خام // پس سخن کوتاه باید، والسلام»

الف. منظور از «ماهی» چیست؟ ب. مصراع اول بیت دوم به چه معنا است؟

۱۹. معنی و مفهوم بیت «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» را بنویسید.

بیت فوق با ابیات زیر، قرابت معنایی دارد:

۱. ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم // باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست

۲. جنبش جمله سوی اصل خود است // چون یکی، اصل جمل، عدد است

۳. هم به اصل خود رود این خط و خال // دائما در آب کی ماند خیال

۴. ما ز دریایم و دریا می رویم // ما ز بالایم و بالا می رویم

۵. دل، قطره ای ز شبنم دریای عشق اوست // کز راه دیده باز به دریا همی رود

۲۰. مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

۱. در ره عشق نشد کس به یقین محرم راز / هر کسی بر حسب فکر گمانی دارد.

۲. هر کسی از ظنّ خود شد یار من / از درون من نشد اسرار من

مفهوم مشترک هر دو بیت فوق، بیگانگی / محدودیت درک بشری است.

۱. زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست

۲. روزها گر رفت گور و باک نیست / تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست

۲۱. جدول زیر را با توجه به مفاهیم ابیات درس کامل کنید.

مفهوم	بیت
دشوار و پر خطر بودن راه عشق	الف: نی حدیث راه پرخون می کند / قصه های عشق مجنون می کند
آشکار بودن راز عشق / محدودیت درک بشری / انعکاس درون در بیرون	ب: تن ز جان و جان ز تن مستوری نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست
اشتیاق پایان ناپذیر عاشق	پ: هر که جز ماهی ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است، روزش دیر شد
فراگیر بودن عشق / حیات و حرکت موجودات از عشق	ت: آتش عشق است کاندنر نی فتاد / جوشش عشق است کاندنر می فتاد

۲۲. با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید: نی حریف هر که از یاری برید / پرده هایش، پرده های ما درید.

الف: واژه ی «حریف» در مصراع اول به چه معنی به کار رفته است؟

ب: مفهوم کنایی «پرده دریدن» را بنویسید.



۲۳. با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید:

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش حالان شدم.

الف. منظور مولانا از «اصل خویش» چیست؟ ب. در بیت دوم منظور از «خوش حالان» چیست؟

بیت: «سرّ من از ناله من دور نیست لیک چشم و گوش را آن نور نیست» با

بیت: «تا نگریدی آشنا زاین پرده رمزی نشنوی // گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش» قرابت مفهومی دارد»

۲۴. معنی و مفهوم بیت «تن ز جان و جان، ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست» را بنویسید.

درس هفتم: در حقیقت عشق

"در حقیقت عشق" (فی حقیقه العشق): شهاب الدین سهروردی / نوع ادبی: ادب غنایی.

"سودای عشق": تمهیدات عین القضاة / نوع ادبی: ادب غنایی

شعرخوانی: صبح ستاره باران: مثل درخت در شب باران، محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) ای عزیز، به خدا رسیدن فرض است.

ب) مَمَات بی عشق می یاب.

پ) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مَأُوا نکند

ت) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد

ث) تو عاشق و مَحَبّ مایی و ما معشوق و حَبیب توایم

۲. در متن زیر، در صورت وجود اشتباه املائی، آن را اصلاح کنید.

«پس عشق از بحر این معنی، فرض راه آمد. کار طالب آن است که در خود جز عشق نطلبد.»

۳. با توجه به بیت: «وین (نعمه/ نغمه) مَحَبّت، بعد از من و تو ماند / تا در زمانه باقی است آواز باد و باران»

به سوال ها پاسخ دهید.

الف) واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

ب) نقش واژه های مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

پ) ترکیب وصفی و اضافی را مشخص کنید.



ت) نوع «واو» را بیان کنید.

۴. در عبارت زیر واژه ای را بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

الف) حیات از عشق می شناس و ممت بی عشق می یاب.

۵. عبارت زیر را بخوانید و به سوال ها پاسخ دهید.

(بدان که از جمله نام های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال».)

الف) نوع حذف را مشخص کنید.

ب) واژه های سجع را بیابید.

چند نمونه سجع

- همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال.

- عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایق شده، و تخم خرمایی به تربیت او نخل باسق گشته.

- باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

- ملک بی دین باطل است و دین بی ملک ضایع.

۶. معادل معنایی واژه «شیدایی» در کدام بیت آمده است؟ مشخص کنید

الف) در عالم پیر، هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

ب) گفتمی تبه روزگاران مهری نشسته / گفتم « بیرون نمی توان کرد حتی به روزگاران

۷. نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید

الف: محبّت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.

ب: من او را باهوش یافتم.

پ: در عشق قدم نهادن، کسی را مسلم شود.

ت: مردم همه، او را عاشق می پنداشتند.

۸. با توجه به بیت زیر، به سوال ها پاسخ دهید.

چو از شمعی رسد پروانه را نور // در آید پر زنان پروانه از دور.

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

ب: نوع «را» مشخص نمایید.

۹. با توجه به بیت زیر به سوال ها پاسخ دهید.

در عالم پیر، هر کجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

ب: معاد معنایی واژه «شیدایی» را بیان کنید.



قلمرو ادبی

۱۰. کنایه عبارت زیر را بنویسید. «در عشق قدم نهادن کسی راست که با خود نباشد و ترک خود کند.»

۱۱. در بیت زیر قسمت های مشخص شده چه آرایه ای دارند؟

آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل لبخند گاه گاهت ، صبح ستاره باران

۱۲. برای آرایه های «تشبیه و کنایه و جناس» از ابیات و عبارات زیر نمونه هایی را مشخص کنید:

الف) از جمله نام های حُسن یکی «جمال» است و یکی «کمال»

ب) به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد .

پ) در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند

۱۳. واژه های مشخص شده در متن زیر، چه آرایه ای دارند؟ «عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده

روی ننماید.»

قلمرو فکری

۱۴. ارتباط معنایی گزینه های زیر را بیان کنید.

الف) عشق هر کسی را به خود راه ندهد و به همه جایی مأوا نکند و به هر دیده روی ننماید.

ب) صبر بر داغ دل سوخته باید چون شمع / لایق صحبت بزم تو شدن آسان نیست

۱۵. معنی و مفهوم عبارت: «هر که عاشق نیست، خودبین و پرکین باشد، و خودرای بود. عاشقی بی خودی و بی راهی است.» را بنویسید.

۱۶. عبارات و اشعار زیر را به نثر روان بنویسید .

الف) در عشق کسی قدم نهاد کیش جان نیست با جان بودن به عشق درسامان نیست

ب) در عالم پیر، هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است

۱۷. درک و دریافت خود را از عبارت های زیر بنویسید.

الف) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید .

۱۸. مفهوم مشترک ابیات و عبارات زیر را بنویسید.

۱. در عشق کسی قدم نهاد کیش جان نیست * باجان بودن به عشق در سامان نیست

۲. در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند

۳. دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق یابی و زر شوی

۴. تا نگریدی بی خبر ز جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان

۵. هوای عشق او داری، هوای خویشتن بگذار / خیالش نقش می بندی، رها کن دل ز جان بگذر

۶. من که هر آنچه داشتم اول ره گذاشتم // حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو



(توجه: تعداد زیاد ابیات جهت بررسی مفهوم مشترک، صرفاً جهت آشنایی دانش آموزان با موارد بیشتر است.)

۱۹. با توجه به عبارات زیر به سوالات پاسخ دهید.

«ای عزیز، پروانه، قوت از عشق آتش خورد، بی آتش قرار ندارد و در آتش وجود ندارد تا آنگاه که آتش عشق او را چنان گرداند که همه جهان آتش بیند؛ چون به آتش رسد، خود را بر میان زند. خود نداند فرقی کردن میان آتش و غیر آتش، چرا؟ زیرا که عشق، همه خود آتش است.»

الف) پروانه نماد چیست؟ ب) نویسنده عشق را با چه چیزی مقایسه کرده است؟

۲۰. مفهوم مشترک گزینه های زیر را بیان کنید.

الف) وجود عاشق از عشق است؛ بی عشق چگونه زندگانی کند؟ حیات از عشق می شناس و ممات بی عشق می یاب.

ب) بی عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ / یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است.

۲۱. مفهوم مشترک گزینه های زیر را بیان کنید.

الف) می تواند حلقه بر در زد حریم حُسن را / در رگ جان، هر که را چون ذلف، پیچ و تاب است.

ب) به حسن - که مطلوب همه است - دشوار می توان رسیدن؛ زیرا که وصول به حُسن ممکن نشود؛ الا به واسطه عشق.

۲۲. مفهوم مشترک دو گزینه زیر را بنویسید.

الف) عشق مستغنی است از تدبیر عقل حيله گر / شیر کی سازد عصای خود دم روباه را

ب) «سودای عشق از زیر کی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همه عقل ها افزون آید.»

درس هشتم: از پاریز تا پاریس

"از پاریز تا پاریس" محمد ابراهیم باستانی پاریزی، نوع ادبی: ادب سیر و سفر (سفر و زندگی).

گنج حکمت: سه مَرکب زندگی: تذکره الأولیا عطار نیشابوری.

قلمرو زبانی

۱. واژه های مشخص شده را معنی کنید.

الف) همه می دانیم که دولت مستعجل بود.

ب) چون ابروی معشوق با طاق و رواق است

پ) به قول بیرجندی ها در این شهر یک «سرپری» زدیم.

ت) هنوز طاق ضربی دروازه های آن باقی است.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

ث) چه استیبعادی دارد که روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم.

ج) جزیره های کوچک و بزرگ، مثل وصله های رنگارنگ بر طیلسان آبی مدیترانه دوخته شده بود.

چ) از بیم عقرب جرّاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ ها پناه ببرد.

ح) علاوه بر آن، یک «پارانوما» در اینجا ساخته شده که از شاهکارهای هنری است.

۲. با توجه به معنی واژه ها؛ کدام واژه ها از نظر املايي نادرست هستند؟

طاق ضربی و سقف خمیده - مار قاشیه بسیار خطرناک - کاذبه و جاکاغذی - هواله و سند - اتراق و توقف - تحریر و نوشتن - استبحاد و بعید - تبق و سینی - مغان و موبدان - نمط و طریق.

۳. واژه «طاق» در هر بیت، به چه معناست؟

الف) طاق پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف / بر نمط عشق اگر پای نهی طاق نه

ب) نهاده به طاق اندرون تخت زر / نشانده به هر پایه ای در گهر

پ) چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است / چون روی پری رویان با رنگ و نگار است.

ت) هنوز طاق ضربی دروازه های آن باقی است.

۴. در بیت: «خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان // این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند» نقش ضمیر پیوسته «ش»، را بنویسید.

۵. در ترکیبات زیر هسته و نوع وابسته وابسته را مشخص نمایید.

۱. قدرت قلم نویسنده

۲. یک چمن داغ

۳. صد کاروان شتر

۴. غایت القصوای مقصود خود

۵. کلاس ششم ابتدایی

۶. قدرت قلم این نویسنده

۷. بن مایه اشعار شاعران کلاسیک

۸. یک تپه یادگاری بزرگ

۹. دو جلد کتاب

۱۰. دریای تصورات تاریخی

۱۱. سی و پنج فرسنگ راه

۱۲. مهد دموکراسی عالم



۱۳. جلد دوم کتاب بینوایان ویکتور هوگو

۱۴. منظره جنگ و اترلو

۱۵. هفت تا کتاب

۱۶. گيرایی سخن او

۱۷. اسیر این جهان

۱۸. محوطه میدان شهر

۱۹. دانش آموز پایه دوازدهم

۲۰. یادآوری خاطره دلپذیر (دلپذیر: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۲۱. برنامه کدام سفر: (کدام: وابسته وابسته، از نوع صفت مضاف الیه)

۲۲. ادبیات ملل مختلف جهان: (مختلف: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / جهان: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۲۳. کتاب تاریخ ایران و جهان: (ایران: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه / جهان: معطوف به ایران: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۲۴. دانش آموز فوق العاده باهوش (فوق العاده: وابسته وابسته از نوع قید صفت)

(توجه: تعداد زیاد موارد فوق، صرفاً جهت آشنایی بیشتر دانش آموزان با مقوله «وابسته وابسته» است.)

۶. روابط واژگان زیر را بیان کنید.

الف) تحریر و ثبت ب) قریب و غریب پ) طیلسان و ردا

۷. نقش دستوری واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) رم ، پایتخت ایتالیا ، شهری است قدیمی

ب) در کنار بروکسل، کوه و تپه هایی وجود دارد که «واترلو» خوانده می شود.

پ) نقل است از او (ابراهیم ادهم) پرسیدند که روزگار چگونه می گذرانی؟ گفت: «سه مرکب دارم؛ بازبسته»

ت) خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند

قلمرو ادبی

۸. مجاز را در موارد زیر بیابید و معنای مجازی هر یک را بنویسید.

الف) آیین طریق از نفس پیر مغان یافت // آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند

ب) یک روز دنیایی به روم چشم داشت.

پ) متوجه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.

۹. موارد زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان - درس نهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

الف) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می زد. (دنيا: مجاز از مردم دنیا - چشم داشتن: کنایه از انتظار و امید داشتن - چشم زدن: کنایه از ترسیدن و واهمه داشتن (حساب بردن نیز هست))

ب) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند // کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟ (کی: پادشاه / کی: چه وقت : جناس همسان / تلمیح به داستان کیکاووس ، شاه ایران دارد/ تکرار: بود / و «ک» و «ن» و مصوت «ی» / کاووس و کیانی و کی: مراعات نظیر)

پ) دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی // مرداد مه و گاه دی اش نام نهادند (سرد و گرم: تضاد - دل گرمی : کنایه از تأثیر گذاری / دم سردی: کنایه از بی تأثیری سخن // تکرار صامت های «د» و «م»: واج آرایبی / مرداد مه و دی : مراعات نظیر / دم: مجاز از سخن // لف و نشر مرتب(مربوط به دانش آموزان رشته علوم انسانی)

۱۰. ابیات زیر را از نظر قلمرو ادبی بررسی کنید.

الف: با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد / خون دل شاهان که می اش نام نهادند

ب: آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند

۱۱. عبارت «از بیم عقرب جرّاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیه حکومت سرهنگ ها پناه ببرد»، یادآور کدام مثل است؟

قلمرو فکری

۱۲. مقصود نویسنده از عبارات زیر چیست؟

الف: چه خوش گفته اند که «امپراطوری های بزرگ هم مانند آدم های ثروتمند ، معمولاً از سوء هاضمه می میرند.»

ب: همه می دانیم که «دولت مستعجل» بود

پ: صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی اش نام نهادند.

۱۳. مفهوم کلی هر بیت را مقابل آن در جدول بنویسید.

مفهوم کلی	بیت
راحتی و آسایش امروز بشر دستخوش سختی و رنج گذشتگان است.	الف: با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد/ خون دل شاهان که می اش نام نهادند
تبعیت و پیروی از پیر حقیقی، موجب سعادت مندی است.	ب: آیین طریق از نفس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند
دیرینه بودن ظلم و ستم بر روی زمین	پ: خاکی است که رنگین شده از خون ضعیفان / این ملک که بغداد و ری اش نام نهادند

۱۴. معنی ابیات اول و دوم جدول فوق را بنویسید.

۱۵. معنی و مفهوم ابیات زیر را بنویسید .

الف) صد تیر جفا بر سر و تن دید یکی چوب // تا شد تهی از خویش و نی اش نام نهادند



ب) دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی // مرداد مه و گاه دی اش نام نهادند

۱۶. با توجه به متن درس «از پاریز تا پاریس»، «دولت مستعجل» یادآور کدام بیت از حافظ است؟ دریافت خود را از آن بنویسید.

درس نهم: کویر

"کویر" دکتر علی شریعتی، نوع ادبی: ادب سفر و زندگی.

روان خوانی: بوی جوی مولیان: از کتاب بخارای من ایل من: محمد بهمن بیگی.

قلمرو زبانی

معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف: آسمان، تفرجگاه مردم کویر است.

ب: چنان که می گویند، هم بر انگارهٔ عشق آبادش ساخته اند.

پ: خسته از آن «اسرا» در بستر خویش به خواب رفتم.

ت: گرم تماشای این دریای سبز معلقی بودم.

ث: از اینجا، درختان کهن، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می کنند.

ج: صفای اهورایی آن همه زیبایی ها که درونم را پر از خدا می کرد.

املا

۲. واژه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: در چهار سالگی پشت (قاش / غاش) زین نشستیم.

ب: در آن هنگام بهار (حیاط / حیات) علمی و اجتماعی اش فرا رسیده بود.

پ: همه چشم ها به او بود که (حوضه / حوزه) حکمت را او گرم و چراغ علم را او روشن نگاه دارد.

ت: تنفس در اتاقتکی (محسور / محصور)، دشوار و طاقت فرسا بود.

ث: روز و شب با فخر (مباحات / مباحات)، با شادی و غرور به تصدیقم می نگرست.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

ج: بساط (تحویه/تهویه) به تهران نرسیده بود.

چ: ناله های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و (غریبش/قربیش) در کنار آن مدینه پلید و...

تکته: مترادف های مهمی که هم ارزش املائی دارند و هم معانی این واژگان مهم است.

انگاره و طرح ۳. تموز: ماه دهم از ماه های رومیان/ مطابق با تیرماه / قنديل و چراغ/ ماوراء الطبیعه و آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده است؛ مانند خداوند، روح و مانند آنها / مشایعت و همراهی / نشئه و سرخوشی/ نظاره و تماشا و نگاه / قاش و کوهه زین، قسمت برآمده جلوی زین / زخمه و ضربه/ داعیه و ادعا/ سموم و باد بسیار گرم / . غرفه و بالاخانه/ اسرا: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم نیز هست.

۳. کدام یک از گزینه های زیر براساس روابط معنایی غلط می باشد؟

الف: گلستان / گلشن: مترادف ب: مشایعت و همراهی: مترادف پ: نسیم و سموم: مترادف ت: کهر/ کزند: تناسب

۴. با توجه به موارد زیر، به سوال ها پاسخ دهید.

۱) چشمه آبی سرد که در تموز و سوزان کویر، گویی از دل یخچال بزرگ بیرون می آید

۲) آن شب نیز خود را بر روی بام خانه گذاشته بودم و به نظاره آسمان رفته بودم.

الف: هسته و وابسته گروه های اسمی موارد مشخص شده را بررسی کنید.

ب: نقش دستوری واژه های (دل - آن شب - نیز - نظاره - آسمان) را بنویسید.

۵. گروه های اسمی زیر را از نظر وابسته وابسته بررسی کنید.

۱) کتاب بسیار ارزشمند

۲) رنگ سبزی شمی

۳) برجسته ترین شاعران زبان فارسی

۴) ساختن آینده ای روشن

۵) صحبت خیلی صمیمی

۶) شیرینی بیان سعدی

۷) آهنگ سخن قدما

۸) قلب آن کویر

۹) تموز سوزان کویر

۱۰) شاگرد حوزه ادبی

۱۱) هوای نسبتا پاک

۱۲) فرهنگ ایران باستان



۱۳) فریاد عاشقان دل سوخته

۱۴) سه دست لباس ایرانی

۱۵) قلب آن کویر

۱۶) تاب آفتاب آن جمال

۶. در ابیات زیر، نوع "وابسته وابسته" را مشخص کنید.

الف: سینه خواهم شرحه شرحه از فراق // تا بگویم شرح درد اشتیاق

ب: هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

۷. نکته: در درس ۹ درک و تفهیم معانی این واژه ها، ضرورت دارند و بهتر است آن ها را در جمله بیان کنیم.

باد گرم مهلک: سموم / معلق: آویزان / نظاره: تماشا / نگرش: تلقی / پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و

نگار، نوعی حریر / شبدرد دوچین: گیاه علفی شبدرد دو بار چیده شده / عدلیه: دادگستری / قاش: قسمت برآمده جلوی

زین، کوهه زین / کمانه: نام کوهی در منطقه ونک از توابع شهرستان سمیرم استان اصفهان. / ماورا: فراسو. آن سو. ماسوا.

برتر. مباحث: افتخار، سرفرازی / مدرس: موضع درس گفتن، محلی که در آن تدریس کنند.

۸. نقش دستوری کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

الف: شگفتا که نگاه‌های لوکس مردم آسفالت نشین شهر، آن را کهکشان می‌بیند

ب: «برای شناختن محمد و دیدن صحرائی که آواز پر جبرئیل همواره در زیر غرفه بلند آسمانش به گوش می رسد و سنگریزه اش

آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می شود، به صحرای عربستان آمده است.»

۹. از میان «وابسته های وابسته» در متن زیر چند «مضاف الیه مضاف الیه» وجود دارد؟

«تأثیر ادبیات عرب در ادب فارسی و نفوذ فرهنگ یونان در روم، و یا تأثیر ادبیات هندی در ایران، حاصل روابط فرهنگی و یا نتیجه

تسلط نظامی است. به عبارت دیگر ادبیات ملل مختلف جهان در هم اثر می کنند و نوعی داد ستد ادبی به وجود می آید و این

دادوستد ها، یکی از عوامل شکفتگی ادبیات جهان است.»

۱۰. در عبارت زیر، وابسته وابسته را بیابید و نوع آن را بنویسید.

(چشمه آبی سرد که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می آید.)



قلمرو ادبی

۱۱. با توجه به متن زیر را سوال ها پاسخ دهید.

در کویر، گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم و از آن است که ماوراء الطبیعه را - که همواره فلسفه از آن سخن می گوید و مذهب بدان می خواند - در کویر به چشم می توان دید، می توان احساس کرد و از آن است که پیامبران همه از اینجا برخاسته اند و به سوی شهرها و آبادی ها آمده اند. «در کویر خدا حضور دارد!».... در کویر، حتی درختش، سنگش و سنگریزه اش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می شود، به صحرای عربستان آمده است و عطر الهام را در فضای اسرارآمیز آن استشمام کرده است.

الف: مجاز را در عبارت فوق بیابید.

ب: مفهوم عبارت بالا را بنویسید.

پ: معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

ت: آرایه دو سطر پایانی را بنویسید.

۱۲. آرایه موارد زیر را مشخص کنید.

الف: چشمه آب سردی که در تموز سوزان کویر، گویی از دل یخچالی بزرگ بیرون می آید، از دامنه کوه های شمالی ایران به سینه کویر سرازیر می شود و از دل ارگ مزینان سر بر می دارد. از این جا درختان کهنی که سالیانی دراز سر بر شانه هم داده اند، آب را تا باغستان و مزرعه مشایعت می کنند.

ب: در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، از غیب سر می زنند.

پ: چراغ علم - تابستان وصال

ت: آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین و بی تاب قلبم را در زیر باران های غیبی سکوتش می گیرم، ناله های گریه آلود آن روح دردمند و تنها را می شنوم.

ث: «مزینان از هزار و صد سال پیش هنوز بر همان مهر و نشان است که بود»

۱۳. آرایه های ادبی موارد زیر را بنویسید.

۱) گل های الماس شکفتند و قندیل پروین سر زد.

۲) در این دریای سبز معلقی که بر آن مرغان الماس پر، از غیب سر می زنند.

۳) آن باغ پر از گل های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سَموم سرد این عقل بی درد پژمرد.



۱۴. در متن زیر «ایهام تناسب» را بیابید. «تابستان وصال، درست به هنگام ، همچون همه ساله، امیدبخش و گرم و مهربان و نوازشگر می آید»

۱۵. آرایه متن: «آن باغ پر از گل های رنگین و معطر شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی درد و بی دل پژمرد.» را بنویسید.

قلمرو فکری

۱۶. در عبارت زیر منظور از قسمت های مشخص شده را بنویسید.

ناله های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که همچون این شیعه گمنام و غریبش ، در کنار آن مدینه پلید و در قلب آن کویر بی فریاد، سر در حلقوم چاه می برد و می گریست.

۱۷. مفهوم عبارت: «دیگر سر به آسمان بر نکردم و همه چشم در زمین، که اینجا... می توان چند حلقه چاه عمیق زد و ... آنجا چغندرکاری کرد.»

۱۸. بر مبنای متن زیر، به سوال ها پاسخ دهید.

آن جاده روشن و خیال انگیزی که گویی یک راست به ابدیت می پیوندد: «شاهراه علی»، «راه مکه»! شگفتا که نگاه های لوکس مردم آسفالت نشین شهر، آن را کهکشانی می بیند و دهاتی های کاهکش کویر، شاهراه علی، راه کعبه، راهی که علی از آن به کعبه می رود.

الف: نوع نگاه متفاوت روستایی و شهری را بیان کنید.

ب: نقش واژه های مشخص شده را به ترتیب بنویسید. (قلمرو زبانی)

۱۹. مفهوم مشترک دو عبارت زیر را بیان کنید.

الف) در کف ها کاسه زیبایی، / بر لب ها تلخی دانایی / شهر تو در جای دگر / ره می بر با پای دگر.

ب) بند آخر صفحه ۷۳ از: «چنین بود که هر سال که یک کلاس ، تا به این علم عددیین مصلحت اندیش آلود.»

۲۰. مفهوم عبارت زیر را بیان کنید.

«نمی دانستم که اسب و زینم را می گیرند و پشت میز و نیمکت مدرسه ام می نشانند. نمی دانستم که تفنگ مشقی قشنگم را می گیرند و قلم به دستم می دهند.»

۲۱. مفهوم: «آن باغ پر از گل های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس در سموم سرد این عقل بی درد پژمرد و صفای

اهورایی آن همه زیبایی ها که درونم را پر از خدا می کرد، به این علم عددیین مصلحت اندیش ، آلود.» را بنویسید.

۲۲. مفهوم مشترک عبارات زیر را بنویسید.

الف: «شاهین تیزبال افق ها بودم ، زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناه بردم.»

ب: اکنون به دام صد غم و صد محتتم اسیر / آن مرغ خوش دلی که تو دیدی پرید و رفت.



۲۳: با توجه به: « آب جیحون فرو نشست؛ ریگ آموی پرنیان شد. پا در رکاب گذاشتم و به سوی زندگی روان شدم.»
الف: مفهوم متن فوق را بنویسید.

ب: یک وابسته وابسته را در عبارت فوق بیابید. (قلمرو زبانی)

پ: آرایه های متن را بیابید. (قلمرو ادبی)

۲۴. تحقیق کنید سفرنامه و حسب حال چه تفاوتی با هم دارند

درس دهم: فصل شکوفایی

"فصل شکوفایی" از مجموعه «دری به روی خورشید»: سلمان هراتی / نوع ادبی: ادبیات انقلاب اسلامی. قالب: غزل
گنج حکمت: تیرانا: محمدرضا رحمانی (مهرداد اوستا)

قلمرو زبانی

۱. واژه های مشخص شده را معنی کنید.

الف: نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دست های کریم تو میوه ای چند شیرین ایثار کند.

ب: آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد

پ: بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم.

ت: گشاده دستی را از بوستان و پالیز بیاموز.

۲. در میان ترکیبات زیر چه تعداد نادرستی املائی دیده می شود؟ تصحیح کنید.

« غم غربت - غرق غبار - بی تاب و بیقرار - داعیه و خاسته - سپاسگذاری و آفرین - زخمه سنگ - ایثار و بخشش - میراث گذشتگان»

دانش های زبانی و دستوری

۳. نوع «واو» را در عبارات زیر مشخص کنید.

الف) سپاس خورشید را که هر بامداد بر سر تو زرافشانی می کند و ابر، گوهر

ب) دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو

۴. با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید. «دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ // امروز خورشید، در دشت آینه دار من و تو»

الف) آرایه های بیت را مشخص کنید.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوهدشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - ترموری

ب) وابسته وابسته را بیابید.

پ) مفهوم بیت را بیان کنید.

ت) در بیت، واژه ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

ث) منظور از واژگان «دیروز - امروز - خورشید» را بنویسید.

۵- با توجه به بیت: «دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو» به سوال ها پاسخ دهید.

الف) در بیت فوق واژه ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

ب) در گروه اسمی «یک چمن باغ»، هسته و نوع وابسته را مشخص کنید.

پ) نوع «واو» را بیان کنید. (ربط) پیوند)

ت) نوع حذف را در جمله مشخص کنید.

با توجه متن، به سوال ها پاسخ دهید.

«تیرانا! من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم - سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده دستی.»

الف) نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب، بنویسید. (منادا - متمم - قید - مسند)

ب) نوع حذف را بیان کنید. حذف فعل «باشم» به قرینه لفظی در عبارت: سراپا گشاده دستی (باشم)

پ) نوع «واو» را بنویسید. ربط) پیوند)

۶- با توجه به سروده زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

الف) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو

ب) چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

الف) انواع «و» (ربط، عطف) را مشخص کنید.

ب) مفعول فعل «سوخت» را نشان دهید.

پ) وابسته وابسته را مشخص کنید.

ت) نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

۷. با توجه به بیت: «این فصل، فصل من و دوست، فصل شکوفایی ما // برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو» به سوال ها پاسخ دهید.

الف) نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

ب) نوع حذف را در بیت فوق بیابید.

پ) نوع «واو» را تعیین کنید. عطف



ت) بیت را از نظر شیوه بلاغی و عادی بررسی کنید.

ث) در گروه اسمی «فصل شکوفایی ما» هسته و نوع وابسته را مشخص کنید.

۸. نوع حذف (لفظی / معنوی) را در عبارات زیر مشخص کنید.

الف) تیرانا! من از طبیعت آموختم سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده دستی.

ب) سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می کند و ابر ، گوهر.

قلمرو ادبی

۹. در بیت «آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد // غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو».

الف) «برزخ سرد» و «شب» نماد چه مفاهیمی هستند؟

ب) ترکیب های اضافی و وصفی بیت را مشخص کنید.

۱۰. با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم // من می روم سوی دریا ، جای قرار من و تو

الف) مقصود اصلی شاعر از بیت چیست؟

ب) به ترتیب، نقش کلمات «رود» ، «جای» و «بی تاب» را بنویسید.

پ) منظور از «دریا» چیست؟

۱۱) کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی کمتری دارد؟

«دیروز اگر سوخت ، غم بر و بار من و تو // امروز می آید از باغ بوی بهار من و تو»

الف) امروز خنده طرح به گلزار می دهد // آن روزگار رفت که «صائب» ملال داشت

ب) آن همه ناز و تنعم که خزان می فرمود // عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

پ) جمله صحرا و دشت پر ز شکوفه است کشت // خوف تتاران گذشت ، مشک تتاران رسید

ت) از دی که گذشت هرچه گذشت خوش نیست // خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

۱۲. با توجه به بیت زیر، به سوال ها پاسخ دهید.

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ
امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو



الف) مجاز را در بیت بیابید.

ب) جناس ناهمسان را مشخص کنید.

پ) باغ و دشت چه آرایه ای دارند؟

ت) هسته و وابسته را در گروه اسمی «یک چمن داغ» مشخص کنید

ث) نوع حذف را در بیت مشخص کنید.

ج) آئینه دار بودن برای خورشید:

چ) خورشید استعاره از چیست؟

۱۳. آرایه های بیت: «دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو» را بررسی کنید.

قلمرو فکری

۱۴. اشعار و عبارت های زیر را به نثر روان معنی کنید.

۱. دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو.

۲. دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آئینه دار من و تو

۳. چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

۴. من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور-بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم-سراسر، کرامت باشم و سراپا گشاده دستی

۵. با هر تابستان با میوه های شیرین و سایه دل پذیر خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب زده را نوازشگری، درمان بخش دردها.

۱۵. با توجه به ابیات زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

- دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو

غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران / صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو

الف) منظور شاعر از «دیروز» و «امروز» چیست؟

ب) «غرق غباریم» چه مفهومی را می رساند؟

پ) «باران» اشاره به چه چیزی دارد؟

۱۶- مفهوم مشترک سروده های زیر چیست؟

الف: ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردهد تبه نام و گفتار پاک

ب: با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

۱۷- چه مضمون مشترکی در موارد زیر دیده می شود؟



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

الف: ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه / من گل به دست میدهم، من آب و دانه / می کارمت در چشمها گل نقش امید / می بارمت بر دیده ها باران خورشید.

ب: دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو

۱۹- هر یک از عبارات های زیر به چه چیزی توصیه می کند؟

الف) تیرانا! من از طبیعت آموختم که سراسر، کرامت باشم، بی هیچ گونه چشمداشتی به سپاسگزاری یا آفرین .

ب) نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دستهای کریم تو، میوه ای چند شیرین ایثار کند.

پ) همینم از آفریدگار سپاسگزاری بس که بدین سعادت رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم.

درس یازدهم: آن شب عزیز

آن شب عزیز، برگرفته از کتاب ساتناماریا(به معنی : مریم مقدس) از مجموعه آثار سید مهدی شجاعی / از شاعران ادبیات انقلاب اسلامی است / نوع ادبی: ادبیات انقلاب اسلامی.

شعرخوانی: شکوه چشمان تو(دروصف رشادت و جانفشانی شهید مدافع حرم، شهید محسن حججی): مرتضی امیری اسفندقه.

قلمرو زبانی

۱. واژه های مشخص شده را معنی کنید.

الف. بچه ها هم از دست آن ذله شده بودند.

ب. انهدام تیربار، کار من بوده است.

پ. از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله، غریب نیست.

ت. شیخ شما را در تاریکی تعقیب می کردم.

ث. معبّر تمام شد و وارد محوطه شدیم.

ج. دستتان را بر چشمهای درشتتان حمایل کرده بودید.

چ. حزین ترین و عاشقانه ترین لحنی بود که شنیده بودم.

ح. خودتان می دانید که من بیش از همه مُصر بودم.

خ. تیربارها، دوشکاه، تک تیرها و رگبارها همه تلاششون این بود که بچه ها را از نزدیک شدن به خاک ریز باز دارند.

د. شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

ذ. دوباره به من تشر زدید. *** دیباچه خاطرات شیرین ***

ر. ظرفه رفتن: خودداری کردن از انجام کاری از روی قصد و با بهانه آوردن. *** بچه های بی حفاظ



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان - درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۲. در گروه کلمات زیر نادرستی های املايي را بيابيد و تصحيح كنيد.

« پافشاري و اسرار - سراغ گرفتن - جناق و استخوان پهن جلو سينه - حمايل كردن - كز كردن - جذب ديدار - خبر قابل ارض - عجيب و قريب - طفره رفتن - متقاعد كردن - دريغ داشتن - شبه و سايه - حزين و عاشقانه - مزمره كردن»

۳. گزينه صحيح را از داخل كمانك انتخاب كنيد.

الف: از شامۀ قوی شما تشخیص بوی حمله، (قريب / غريب) نيست.

ب: (شبح / شبه) شما را در تاريخي تعقيب مي گردم.

۴. هر يك از موارد زير را بررسي كنيد و در صورت داشتن نادرستي املايي، شكل صحيح واژه را در مقابل آن بنويسيد.

الف) آنقدر نشستم تا نخاسته به خواب رفتم. سروصداها و هياهو مرا از خواب پراند. (.....)

پ) بچه ها هم كه انگار از دست آن زلۀ شده بودند، تكبير گفتند. (.....)

۵. با توجه به متن زير، زمان فعل ها را بنويسيد.

« چند نفری زمان حمله را از شما پرسیدند. خسته بودند. شب قبل نخوابیده بودند. باران بی امان باریده بود و سنگرها را آب برداشته بود.

۶. با توجه به متن زير، تعداد ضمير(پيوسته و گسسته) را مشخص كنيد.

« من را هم گفتيد كه بروم، همه را گفتيد، اما نمي شد آقا! نمي توانستم، شما عصباني شديد، داد زديد، دستور داديد، گفتيد كه دستور مي دهيد، اما باز هم من نتوانستم بروم؛ بقيه توانستند، بقيه رفتند، اما من نتوانستم آقا! دست خودم نبود؛ پاهایم سست شده بود؛ قلبم مي لرزيد؛ عرق کرده بودم، قوت اين كه قدم از قدم بردارم نداشتم.»

۷. روابط معنایی (تضاد، تناسب، تضمن) را در هر يك از موارد زير بررسي كنيد.

الف) تل و گودال : ب) مسلسل و دوشكا: پ) خاكريز و سنگر: ت) چُرت و سيرخواب: ث) خشاب و فشنگ : ج) ذلۀ و عاجز: چ) تكبير و صلوات

۸- با توجه به بند زير به پرسش ها پاسخ دهيد.

« آفتاب، چشم هايان را مي زد؛ براي همين دستتان را بر چشمهاي درشتتان كه در نور آفتاب جمع شده بود، حمايل کرده بوديد، دست ديگرتان را هم به هنگام صحبت كردن تكان ميداديد. نزديك بود فرياد بزنم: آقاي موسوي! من موخدي ام. شاگرد شما.»

الف) زمان فعل های جملات اول و دوم را مشخص كنيد.

ب) يك ضمير پيوسته و يك ضمير گسسته بيابيد و مرجع هر ضمير را مشخص كنيد.

پ) نقش دستوري قسمت مشخص شده چيست؟



بخش دوم : قلمرو ادبی

۹. در هر یک از موارد زیر، قسمت مشخص شده چه آرایه ای دارد؟ مفهوم آن را بنویسید.

الف) معلوم است که دیدید ولی اینکه همان دم شناخته باشیم، مطمئن نیستم.

ب) بوی التماس می آمد.

پ) خورشید، بی حفاظ نشسته به روی خاک؟ / یا ماه، بی ملاحظه افتاده بین راه؟

ت) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

ث) مثل کلاس گرم و پرشور حرف می زدید.

۱۰- مفهوم کنایه های زیر را بنویسید.

الف) گرم کردن دل: ب) جگرخراش: پ) کز کردن: ت) بر انداز کردن:

۱۱- با توجه به بیت: «شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق رگ گردنت گواه» کدام آرایه در بیت وجود ندارد؟

الف) تشخیص ب) متناقض نما پ) تشبیه ت) مراعات نظیر

بخش سوم : قلمرو فکری

۱۲. عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف: آفتاب، چشم هایتان را می زد.

ب: دلم را گرم کرد، از جا کنده شدم و به سمت شما دویدم.

پ: خبر قابل عرض نداشتم.

ت: گودالی که از کنجکاوای گلوله توپ در خاک فراهم آمده بوده

ج: آه این سر بریده ماه است در پگاه؟ / یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟

چ: شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

ح: یک کربلا شکوه به چشم نهفته است / ای روضه مجسم گودال قتلگاه

۱۳. درباره ارتباط معنایی موارد زیر توضیح دهید.

الف) دیدم که از مچتان خون می ریزد. آن را در زیر بغل چپتان پنهان کردید؛ اول فکر کردم که پنهان کردید ولی وقتی دستتان را با

خشونت از زیر بغل کشیدید و صورتتان بی اختیار مچاله شد، فهمیدم که دست را از مچ کنده اید، با چه قدرتی! با چه ایمانی!

ب) کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت / با زخم، نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت / حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

۱۴. چه مفهوم مشترکی در عبارت و سروده زیر دیده می شود؟

الف) مدیر را کلافه کردم بعد از رفتن شما. می گفت نمرات ثلث سوم را که داده اید، رفته اید آقا! احتمال میداد که جبهه رفته باشید

ولی یقین نداشت. من هم تا وقتی با چشم های خودم ندیدم که بر بالای تل خاکی ایستاده اید - چفیه بر گردن و کلت بر کمر - و

برای بچه ها صحبت می کنید، یقین نکردم.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان - درس هجدهم - فرزانگان کوهشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

ب) برای وصف میدان های پُرمین / برای وصف خال و زلف چین چین
نه در شیراز و نه در شهر گنجه «نظامی» میثوم در «قصر شیرین»

۱۵. مفهوم مشترک دو گزینه زیر را بررسی کنید؟

الف: هر سال چو نوبهار خرم / بیدار شود ز خواب نوشین

تا باز کند به روی عالم / دیباچه خاطرات شیرین

از لاله دهد به سبزه زیور / ای دوست، مرا به خاطر آور!

ب) حالا دل خوشی ام به این است که هر روز صبح، گرد قاب عکستان را پاک کنم و خاطراتم را با شما مرور بکنم.

۱۶. با توجه به سروده زیر به پرسش ها پاسخ دهید:

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

دارد اسارت تو به زینب اشارتی / از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟

از دوردست میرسد آیا کدام پیک؟ / ای مُسَلِمِ شرف، به کجا می کنی نگاه؟

الف) این سروده در وصف کیست؟

ب) مصراع دوم بیت اول به چه موضوعی اشاره می کند؟

پ) بیت سوم به کدام ویژگی بارز اشاره دارد؟

بخش چهارم - حفظ شعر

۱۷. با توجه به بیت: «آه این سر بریده ماه است در پگاه / یا نه! سر بریده خورشیدِ شامگاه؟» به سوال ها پاسخ دهید.

۱. بیت فوق را از نظر شیوه بلاغی و عادی بررسی کنید.

۲. نوع حذف را مشخص کنید.

۳. ترکیب وصفی و اضافی را مشخص کنید.

۴. مفهوم بیت فوق را بنویسید.

۱۸. با توجه به بیت «خورشید بی حفاظ نشسته به روی خاک / یا ماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟» کدام گزینه درست نیست؟

الف: نقش کلمات مشخص شده، به ترتیب: قید و نهاد است. / ب: در بیت فوق، حذف به قرینه لفظی وجود دارد.

پ: در بیت فوق حذف به قرینه معنوی وجود دارد. / ت: تعداد جملات بیت، دو جمله است.

۱۹. در هر یک از نمونه های گروه «الف» کدام یک از آرایه های گروه «ب» وجود دارد؟ (توجه: در گروه «ب» یک آرایه اضافه

است.)

ب	الف
تشبیه	۱. محرم این هوش جز بی هوش نیست *** مر زبان را مشتری جز گوش نیست
ایهام	۲. بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد *** حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی



اسلوب معادله	۳. از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک *** ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟
کنایه	۴. شاهد نیاز نیست که در محضر آورم *** در دادگاه عشق رگ گردنت گواه
حسن تعلیل	

۲۰- در بیت: «خورشید بی حفاظ نشسته بر روی خاک؟ / یا ماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف: یک معجز را در بیت بیابید؟

ب: کدام واژه‌ها استعاره هستند؟

پ: کدام واژه‌ها در بیت، جناس ناهمسان هستند؟

۲۱. با توجه به بیت: «شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق رگ گردنت گواه» به سوال‌ها، پاسخ دهید.

الف: دو آرایه مهم بیت را بنویسید.

ب: ترکیب‌های وصفی و اضافی را بیابید.

پ: کدام واژه وابسته وابسته است؟

ت) نوع حذف را در بیت مشخص کنید.

۲۲. با توجه به بیت: «دارد اسارت تو به زینب اشارتی / از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف: منظور از «تو» در بیت فوق کیست؟

ب: کنایه بیت را بیان کنید.

پ: بارزترین آرایه بیت را بنویسید.

۲۳. بیت: «از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک / ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟» را از نظر قلمرو ادبی بررسی کنید.

۲۴. با توجه به بیت: «لبریز زندگی است نفس‌های آخرت / آورده مرگ گرم به آغوش تو پناه» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف: معنی بیت فوق را بنویسید.

ب: نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

پ: نوع حذف را در بیت فوق مشخص کنید.

ت: دو آرایه بارز در بیت فوق را بیان کنید.

۲۵. مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

الف: لبریز زندگی است نفس‌های آخرت / آورده مرگ گرم به آغوش تو پناه

ب: ای حیات عاشقان در مردگی / دل نخواهی یافت جز دلبردگی



پ: گر حیات جاودان بی عشق باشد، مرگ باشد / لیک مرگ عاشقان باشد حیات جاودانگی

۲۶. بیت: «یک کربلا شکوه به چشمت نهفته است / ای روضه مجسم گودال قتلگاه» را در هر سه قلمرو بررسی کنید.

درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش

«گذر سیاوش از آتش» از شاهنامه فردوسی. نوع ادبی: ادبیات حماسی***قاب: مثنوی / لحن: حماسی. گنج حکمت: به جوانمردی کوش: گلستان سعدی.

قلمرو زبانی:

(۱) معنی واژه های مشخص شده زیر را بنویسید.

۱. به دستور فرمود تا ساروان.

۲. به نیروی یزدان نیکی دهش

۳. چو او را بدیدند برخاست غو»

۴. هُشیوار و با جامه های سپید

۵. یکی خود زرین نهاده به سر

۶. هیون آرد از دشت صدکاروان

۷. «همی ریخت آب و همی خست روی»

۸. «چنین گفت مُوبد به شاه جهان»

۹. فرود آمد از باره ، بردش نماز.

۱۰. یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده تا به جایی

که خلق از مکاید فعلش به جهان برفتند و از کربت جورش راه غربت گرفتند.

۲- اشتباهات املائی متن زیر را بیابید و اصلاح کنید.

الف: چو او را بدیدند برخواست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو

ب: یکی از ملوک عجم حکایت کنند که دست تناول به مال رعیت دراز کرده بود و جور اذیت آغاز کرده تا جایی که خلق از

مکاید فعلش به جهان برفتند و از گُربت جورش راه قربت گرفتند. باری به مجلس او در ، کتاب شاهنامه همی خواندند در زوال

مملکت ضحاک و عهد فریدون . وزیر مَلِک را پرسید: «هیچ توان دانستن که فریدون که گنج و مُلک هشم نداشت ، چگونه بر او

مملکت مقرر شد؟» گفت: «آن چنان که شنیدی خلقی بر او به تعصب گرد آمدند و تقویت کردند و پادشاهی یافت.»



۳. ایات زیر را به لحاظ شیوه بلاغی بررسی کنید.

«اگر کوه آتش بود بسپر / از این تنگ خوار است اگر بگذرم»

۴. در بیت زیر کدام زمینه حماسه، مشهودتر است؟

چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نیاید گزند

۵. با توجه به بیت: «وزین دختر شاه هاماوران // پر اندیشه گشتی به دیگر کران» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: بیت را به لحاظ شیوه بلاغی و عادی بررسی کنید. شیوه بلاغی

ب: نقش واژه مشخص شده را بنویسید. مسند

پ: ترکیبات وصفی و اضافی بیت را مشخص کنید.

۶. با توجه به اینکه واژه «اندیشه» در جمله ممکن است معانی متفاوتی چون: ۱. فکر ۲. ترس و نگرانی و اضطراب، داشته باشد،

مفهوم واژه «اندیشه» در بیت «که هر چند فرزند هست ارجمند / دل شاه از اندیشه یابد گزند» با کدام گزینه متفاوت است.

۱. چو شب تیره گردد شیخون کنیم / ز دل ترس و اندیشه بیرون کنیم

۲. غلام عشق شو کاندیشه این است / همه صاحب دلان را پیشه این است

۳. چو بشنید خسرو از آن شاد گشت / روانش ز اندیشه آزاد گشت

۴. چو بشنید خاقان پر اندیشه شد / ورا دل از اندیشه چون بیشه شد

۷. نوع «را» را در موارد زیر بررسی کنید.

الف: ز هر در سخن چون بدین گونه گشت / بر آتش یکی را نباید گذشت

ب: جهاندار، سودابه را پیش خواند / همی با سیاوش به گفتن نشاند

۸. سرانجام گفت ایمن از هر دوان / نگردد مرا دل، نه روشن روان

الف: منظور از هر دوان: هر دو ی آن ها (سیاوش و سودابه)

ب: را: نشانه ی فک اضافه (دل من)

پ: کنایه بیت را مشخص کنید.

ت: نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

۹. با توج به بیت: «سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: نقش کلمات مشخص شده را بنویسید.

ب: نوع «را» در مصرع دوم را تعیین کنید.



پ: معنی خوار را بیان کنید.

ت: بیت فوق را معنی کنید.

ث: مفهوم بیت را بنویسید:

نکته: واژه خوار معانی متفاوتی دارد. ۱. ذلیل و حقیر و پست و بی ارزش ۲. آسان و سهل.

۱۰. مفهوم واژه «خوار» در کدام گزینه متفاوت است.

الف: کنون کارگر شد که بیکار گشت / پسر پیش چشم پدر خوار گشت

ب: هنر خوار شد جادویی ارجمند / نهان راستی آشکارا گزند

پ: اگر کوه آتش بود بسپریم / از این تنگ، خوار است اگر بگذرم

ت: بی اندازه ز ایشان گرفتار شد / سترگی و نابخردی خوار شد

۱۱. در بیت: «پادشاهی که طرح ظلم افکند // پای دیوار ملک خویش بکند»

الف: در گروه اسمی «پای دیوار ملک خویش»، هسته و وابسته را مشخص کنید.

ب: نقش هسته های گروه اسمی «طرح ظلم» و «پای دیوار ملک خویش» را بنویسید.

۱۲. نوع وابسته وابسته را در عبارات زیر مشخص کنید.

الف) به صد کاروان اشتر سرخ موی

ب) به نیروی یزدان نیکی دهش

پ) وزین دختر شاه هاماوران

ت) چنین است سوگند چرخ بلند

ث) نهادند بر دشت هیزم دو کوه

قلمرو ادبی:

۱۳. مجاز را در بیت: «یکی تازی ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه» بیابید.

۱۴. بیت: «چنین است سوگند چرخ بلند / که بر بی گناهان نیاید گزند» را از نظر ادبی بررسی کنید.

۱۵. با توجه به ابیات: «نکند جورپیشه سلطانی // که نیاید ز گرگ چوپانی

پادشاهی که طرح ظلم افکند // پای دیوار ملک خویش بکند» به سوالات زیر پاسخ دهید.

الف: بارزترین آرایه بیت نخست را بنویسید.



ب: آرایه قسمت مشخص شده را بنویسید.

۱۶. مفهوم کنایه ها را در ابیات زیر بنویسید.

الف) چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی // بیاید زدن سنگ را بر سبو

ب) همان به کزین زشت کردار، دل // بشویم کنم چاره دل گسل

پ) چنان آمد اسپ و قبای سوار / که گفتمی سمن داشت اندر کنار

۱۷. آرایه «مجاز» را در ابیات زیر بیابید.

الف: سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهر خندانانش گریان شدند

ب: سر پر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی گناهم رهایی مراست

پ: به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت، صد کاروان

ت: به نیروی یزدان نیکی دهش / کزین کوه آتش نیام تپش

ث: به پور جوان گفت شاه زمین / که رایت چه بیند کنون اندرین؟

ج: نهادند بر دشت هیزم دو کوه / جهانی نظاره شده هم گروه

چ: یکی تازی ای برنشسته سیاه / همی خاک نعلش برآمد به ماه

ح: چو از کوه آتش به هامون گذشت / خروشیدن آمد ز شهر و ز دشت

خ: سواران لشکر، برانگیختند / همه دشت پیشش درم ریختند.

د: رخ شاه کاووس پرشرم دید / سخن گفتنش با پسر نرم دید

ذ: ز هر سو زبانه همی بر کشید / کسی خود و اسپ سیاوش ندید

ر: یکی دشت با دیدگان پر زخون / که تا او کی آید ز آتش برون

۱۸. با توجه به اینکه زمینه های اصلی حماسه، (داستانی، ملی، قهرمانی و خرق عادت) می باشد، هر یک از ابیات زیر بیانگر کدام

یک از زمینه های حماسه است؟

۱) همی داد مزده یکی را دگر ** که بخشود بر بی گنه، دادگر

۲) اگر کوه آتش بود بسپرم ** ازین تنگ خوار است اگر بگذرم

۳) ز هر در سخن چون بدین گونه گشت ** بر آتش یکی را بیاید گذشت

۴) چنین است سوگند چرخ بلند ** که بر بی گناهان نیاید گزند

۵) بدان گاه سوگند پرمايه شاه *** چنین بود آیین و این بود راه

۶) سیاوش بیامد به پیش پدر *** یکی خود زرین نهاده به سر

۷) هشیوار و با جامه های سپید ** لبی پر زخنده، دلی پر امید



۸. پراکنده کافور بر خویشتن ** چنان چون بود رسم و ساز کفن
۹. سیاوش بدو گفت انده مدار ** کزین سان بود گردش روزگار
۱۰. سر پر ز شرم و بهایی مراست ** اگر بی گناهم، رهایی مراست
۱۱. به نیروی یزدان نیکی دهش ** کزین کوه آتش نیام تپش
۱۲. سیاوش سیه را به تندی بتاخت ** نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت
۱۳. چو او را بدیدند برخاست عو ** که آمد ز آتش برون شاه نو
۱۴. چنان آمد اسپ و قبای سوار ** که گفתי سمن داشت اندر کنار
۱۵. چو پیش پدر شد سیاوش پاک ** نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک
۱۶. «چو بخشایش پاک یزدان بود دم آتش و آب یکسان بود»
۱۷. «مگر کاتش تیز پیدا کند / گنه کرده رازود رسوا کند»

۱۹. قلمروهای سه گانه بیت «چو بخشایش پاک یزدان بود / دم آتش و آب یکسان بود» را بررسی کنید.

۲۰. کنایه بیت: «چنان آمد اسپ و قبای سوار / که گفתי سمن داشت اندر کنار»

۲۱. در کدام گزینه آرایه «ایهام» به کار رفته است؟

الف: مگر کاتش تیز پیدا کند / گنه کرده رازود رسوا کند

ب: سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار

پ: چو پیش پدر شد سیاوش پاک / نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک

ت: پر اندیشه شد جان کاووس کی / ز فرزند و سودابه نیک پی

نمونه هایی از هر سه قلمرو

۲۲. معنی و مفهوم موارد زیر را بنویسید.

الف: چون رعیت کم شود، ارتفاع ولایت نقصان پذیرد.

ب: همی کند سودابه از خشم، موی / همی ریخت آب و همی خست روی

۲۳. قلمروهای سه گانه بیت: «چو پیش پدر شد سیاوش پاک / نه دود و نه آتش نه گرد و نه خاک» را بررسی کنید.

۲۴. در بیت: «سیاوش را تنگ در بر گرفت / ز کردار بد پوزش اندر گرفت.»

معنی قسمت های مشخص شده را بنویسید.

۲۵. با توجه به بیت: «چو خواهی که پیدا کنی گفت و گوی / بیاید زدن سنگ را بر سبوی» به سوال ها پاسخ دهید.



الف) آرایه مصرع دوم را بنویسید. ب) منظور از «گفت و گوی» چیست؟

۲۶. در بیت زیر منظور از واژه مشخص شده را بنویسید.

اگر کوه آتش بود بسپرم / ازین تنگ خوار است اگر بگذرم.

۲۷. در بیت: «چنین گفت مُوبد به شاه جهان / که درد سیهبد نماند نهان»

الف: منظور از قسمت مشخص شده چیست؟

ب: مجاز را در بیت بیابید. (قلمرو ادبی)

۲۸. در بیت زیر، مفهوم اصلی مصرع اول را بنویسید.

«سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهر خندان گریان شدند»

۲۹. مفهوم مصرع «که دوزخ مرا زین سخن گشت خوار» چیست؟

۳۰. با توجه به بیت: «که هر چند فرزند هست ارجمند / دل شاه از اندیشه یابد گزند» به سوال ها پاسخ دهید.

الف) نقش واژه های مشخص شده را بنویسید. (قلمرو زبانی)

ب) مجاز را در بیت بیابید. (قلمرو ادبی)

پ) اندیشه به چه معنی است؟

نکته: اندیشه معانی چون: فکر / ترس / اضطراب و نگرانی دارد. (در این بیت در معنی نگرانی و اضطراب)

۳۱. بر مبنای بیت: «اگر کوه آتش بود بسپرم / ازین تنگ خوار است اگر بگذرم» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: معنی بیت را بنویسید.

ب: بیت فوق را به لحاظ ساده یا غیر ساده بودن جمله، بررسی کنید. (قلمرو زبانی)

پ: آرایه ادبی «کوه آتش» را بیان کنید. (قلمرو ادبی)

ت: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید. (قلمرو زبانی)

ث: منظور از تنگ را بنویسید.

ج: معنی «خوار» را بنویسید و هم آوای آن در زبان فارسی را بیان کنید.

نکته: سپردن: ۱. طی کردن ۲. پایمال کردن (= خروشید و برجست لرزان ز جای / بدرید و بسپرد محضر به پای)

۳۲. با توجه به بیت: «همان به کزین زشت کردار، دل / بشویم کنم چاره ی دل گسل» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید. (زبانی)

ب: نوع حذف را بیان کنید. (زبانی)



پ: منظور از «کردار زشت» چیست؟ (فکری)

ت: کنایه بیت را بنویسید. (ادبی)

۳۳: قلمروهای سه گانه بیت «به دستور فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت ، صد کاروان» را بنویسید.

۳۴. سوالات بیت: «نهادند بر دشت هیزم دو کوه / جهانی نظاره شده هم گروه» را پاسخ دهید.

الف) در بیت فوق، مجاز را بیابید. (قلمرو ادبی)

ب) در گروه اسمی «هیزم دو کوه» هسته و وابسته را مشخص کنید (قلمرو زبانی)

۳۵. با توجه به بیت: «سر پر ز شرم و بهایی مراست / اگر بی گناهم ، رهایی مراست»

الف: مرجع ضمیر من، کیست؟

ب: یک نمونه مجاز در بیت بیابید.

۳۶. با توجه به بیت: «چو او را بدیدند برخاست غو / که آمد ز آتش برون شاه نو» موارد زیر را بررسی کنید.

الف: معنی واژه غو را بنویسید.

ب: منظور از «شاه نو» کیست؟

پ: بارزترین آرایه بیت را بنویسید.

ت: کدام واژه های بیت فوق، جناس ناهمسان می سازند؟

ث: بیت فوق بیشتر مربوط به کدام زمینه حماسه است؟

۳۷. در مصرع «چنان چون بود رسم و ساز کفن»، منظور از واژه مشخص شده، چیست؟

۳۸. «سیاوش را کرد باید درست» ؛ یعنی ... :

۳۹. با توجه به بیت: «ور ایدون که زین کار هستم گناه / جهان آفرینم، ندارد نگاه» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: بیت را به لحاظ نوع جمله (ساده/ غیر ساده) بررسی کنید.

ب: نقش ضمیر «م» در «جهان آفرینم» را بیان کنید.

پ: نوع صفت «جهان آفرین» را مشخص کنید.

نکته: گناه: اسم به جای صفت به کار رفته است در معنی گناهکار.

۴۰. «به گفتن نشاندن» در مصرع «همی با سیاوش به گفتن نشانند» ؛ یعنی ... :

۴۱: بیت زیر را بخوانید؛ سپس به سوال ها پاسخ دهید.

به نیروی یزدان نیکی دهش / کزین کوه آتش نیابم تپش



الف: موصوف های بیت فوق در چه نقشی هستند؟

ب: معنی واژه «تپش» را بنویسید.

پ: در گروه اسمی «نیروی یزدان نیکی دهش» هسته و وابسته کدامند؟

۴۲: با توجه به بیت: «سیاوش سیه را به تندی بتاخت / نشد تنگ دل جنگ آتش بساخت» به موارد زیر پاسخ دهید.

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

ب: یک «مجاز» را در بیت بیابید.

پ: کنایه بیت را بنویسید.

ت: دو نمونه جناس را در بیت بیابید.

معنی: سیاوش اسب سیاهش را به سرعت راند؛ غمگین و مضطرب نشد و آماده ی نبرد با آتش گردید. زمینه قهرمانی حماسه.

نکته: ساختن: ۱. بنا کردن. ۲. آماده شدن. ۳. فراهم کردن. ۴. نواختن. ۵. کنار آمدن، سازگاری کردن

۴۳. زمان فعل های کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

۱. یکی دشت با دیدگان پر ز خون / که تا او کی آید ز آتش برون

۲. چنان آمد اسپ و قبای سوار / که گفتی سمن داشت اندر کنار

۳. یکی شادمانی بُد اندر جهان / میان کهان و میان مهان

۴. همی داد مژده یکی را دگر / که بخشود بر بی گنه دادگر

۴۴. با توجه به بیت «سَر پُر زشرم و بهایی مراست اگر بی گناهم رهایی مراست» سیاوش رهایی خود را در چه می داند؟

۴۵. در بیت «فرود آمد از اسب کاووس شاه پیاده سپهد، پیاده سپاه» منظور از سپهد چه کسی است؟

۴۶. در بیت «مگر آتش تیز پیدا کند گنه کرده را زود رسوا کند» واژه «مگر» به چه معنایی به کار رفته است؟

درس سیزدهم: خوان هشتم

"خوان هشتم" برگرفته از مجموعه «در حیات کوچک پاییز در زندان» * شاعر: مهدی اخوان ثالث * قالب شعر: نیمایی *

نوع ادبی: حماسی * محتوا: کشته شدن رستم و رخس، به دست شغاد، برادر ناتنی رستم * لحن: روایی - داستانی و حماسی

* نقل شعر: مهدی اخوان ثالث.

شعرخوانی: ای میهن / دیوان اشعار، ابوالقاسم لاهوتی.

قلمرو زبانی

پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوهدشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱. معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) سورت سرمایه دی بیدادها می کرد. ب: با صدایی مرتعش ، لحنی رجزمانند

پ) چوب دستی منتشا مانند در دستش ت) مرد نقال از صدایش ضجه می بارید.

ث) آن هریوه ی خوب و پاک آیین - روایت کرد. ج) این عیار مهر و کین مرد و نامرد است.

چ: دیگر اکنون آن عماد تکیه و امید ایران شهر / شیر مرد عرصه ناوردهای هول.

ح: چاه غدر ناجوان مردان، چاه پستان، چاه بی دردان.

خ: رخش، آن طاق عزیز، آن تای بی همتا.

نکته: گروه کلماتی که ترادف دارد. (عماد و تکیه گاه) * (عیار و ابزار و معیار) * (هول و ترسناک) * (تینده و درهم بافته).

(ناورد و جنگ) * (طاق و فرد و تنها) * (منتشا و عصای مخصوص از چوب ستبر) * (عبث و بیهوده) * (سنان و سرنیزه)

۲. واژه های درست، را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: همچنان که می توانست او، اگر می خواست، کان کمند (شصت / شست) خم خویش بگشاید.

ب: رخش، آن (طاق / طاق) عزیز، آن تای بی همتا.

پ: (سورت / صورت) سرمایه دی بیدادها می کرد.

۳. اشتباهات املائی را بیابید؛ سپس آن را اصلاح نمایید.

الف: «هفت خوان را زاد سرو مرو، یا به قولی «ماخ سالار» آن گرامی مرد، آن هریوه خوب و پاک آیین - روایت کرد.»

ب: خواه روز صلح و بسته مهر را پیمان، خواه روز جنگ و خوره بحر کین سوگند.

۴. در متن زیر، گروه های اسمی و وابسته های پیشین و پسین را مشخص کنید.

«هفت خوان را زاد سرو مرو، یا به قولی «ماخ سالار» آن گرامی مرد، آن هریوه خوب و پاک آیین - روایت کرد؛ خوان هشتم را، من

روایت می کنم اکنون.»

۵. نوع حذف را در موارد زیر بیان کنید.

الف: هفت خوان را زاد سرو مرو / آن هریوه خوب و پاک آیین روایت کرد / خوان هشتم را / من روایت می کنم اکنون / من که نامم

ماث.

ب: قهوه خانه گرم و روشن بود، همچون شرم / همگنان را خون گرمی بود / قهوه خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام /

راستی کانون گرمی بود.

پ: مرد نقال، آن صدایش گرم، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم / راه میرفت و سخن

میگفت.

۶. با توجه به شعر زیر، به سؤالات داده شده پاسخ دهید.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان - درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

« بعد چندی که گشودش چشم / رخس خود را دید / بس که خویش رفته بود از تن.»

الف. «ش» در گشودش ، « مضاف الیه » کدام واژه است؟

ب. مرجع ضمیر «ش» در واژه ی خویش چیست؟

پ: نهاد محذوف در بند فوق کیست؟

۷. نقش دستوری واژگان مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

الف) «هفت خوان را زادسرو مرو، یا به قولی «ماخ سالار» آن گرمی مرد/ آن هریوه خوب و پاک آیین، روایت کرد؛ / خوان هشتم را

/ من روایت می کنم اکنون، ... / من که نامم ماث...»

ب) ناگهان انگار / بر لب آن چاه / سایه ای را دید / او شغاد، آن نابرد بود.

پ: قصه است این، قصه، آری قصه درد است.

۸. در کدام گزینه نقش تبعی «تکرار» به کار رفته است؟

الف) رخس، آن طاق عزیز، آن تایی بی همتا (ب) قصه است این، قصه، آری قصه درد است.

پ) همچنان می گفت و می گفت و قدم می زد. (ت) مرد نقال، آن صدایش گرم، نایش گرم.

۹. واژه ای از متن زیر بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد. سپس معنی آن را بنویسید.

رستم دستان، در تنگ تاریک ژرف چاه پهناور، کشته هر سو بر کف و دیواره هایش نیزه و خنجر، چاه غدر ناجوان مردان.

قلمرو ادبی:

۱۰. در عبارت «سورت سرمای دی بیدادها می کرد» کدام آرایه ها وجود دارند؟

۱۱. با توجه به بند «لیک خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / گرچه بیرون تیره بود و سرد، هم چون ترس، قهوه خانه گرم و روشن

بود، هم چون شرم...» به سوالات پاسخ دهید.

الف) آرایه های ادبی را بیابید.

ب) منظور شاعر از قهوه خانه چیست؟

پ) نقش واژه های مشخص شده را به ترتیب بنویسید. (قلمرو زبانی)

ت: «آتشین پیغام» چه آرایه ای دارد؟

۱۲. به سوالات مرتبط با بند زیر پاسخ دهید.

«مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم، آن سکوتش ساکت و گیرا/ و دَمش ، چونان حدیث آشنایش گرم - راه می رفت و سخن

می گفت.»

الف) مجاز را در بند بیابید.

ب) آرایه «صدایش گرم» را بنویسید.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

پ) نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

۱۳. آرایه های موجود در عبارت زیر کدام اند؟ «این گلیم تیره بختی هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها، / روکش تابوت تختی هاست..»

الف: تشبیه - تضاد - مراعات نظیر - مجاز
ب: ایهام - تشبیه - مراعات نظیر - متناقض نما
ت: تلمیح - تضاد - متناقض نما - ایهام تناسب

۱۴. در سروده «خوان هشتم»، «رستم» و «شغاد» نماد چه کسانی هستند؟

۱۵. آرایه موارد زیر را بنویسید.

الف: ناگهان انگار، بر لب آن چاه، سایه ای را دید، او شغاد، آن نابردار بود.

ب: دمَش چونان حدیث آشنایش گرم.

پ: «قهوه خانه گرم و روشن بود، هم چون شرم...»

۱۶. با توجه به شعر زیر، به پرسش ها پاسخ دهید:

«مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم / آن سکوتش ساکت و گیرا / و دمَش، چونان حدیث آشنایش گرم - راه می رفت و سخن می گفت.»

الف) شاعر صدای گرم و گیرای نقال را به چه چیزی تشبیه کرده است؟

ب) منظور از «حدیث آشنا» چیست؟

۱۷. در مصراع «او شغاد، آن نابردار بود» یک ایهام وجود دارد، آن را بیابید و معانی مختلف آن را بنویسید.

مفهوم کنایه بند زیر را بنویسید. «همگنان را خون گرمی بود / قهوه خانه گرم و روشن، مرد نقال آتشین پیغام.»

رخش خود را دید / بس که خونش رفته بود از تن، گویی از تن حس و هوشش رفته بود و داشت می خوابید.

۱۸. بارزترین آرایه های ادبی موارد زیر را بنویسید.

الف: چوب دستی منتشا مانند در دستش / مست شور و گرم گفتن بود.

ب: آن شب نیز سورت سرمای دی بیدادها می کرد.

پ: مرجع ضمیر «ش» در «دستش» کیست؟

۱۹. عبارت زیر را بخوانید؛ سپس به سوال ها پاسخ دهید.

الف) این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.

۱. آرایه مربوط به واژه های مشخص شده، را بنویسید.

۲. آرایه عبارت «گم شدن کلید» را بنویسید.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان - درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۲۰. بند زیر را بخوانید؛ سپس به سوال ها پاسخ دهید. «همگنان خاموش، گرد بر گردش، به کردار صدف برگرد مروارید/ پای تا سر گوش»

الف: مشبه و مشبه به را در بند فوق بیابید.

ب: یک نمونه «مجاز» بیابید.

پ: کدام بخش از بند فوق، آرایه کنایه دارد؟

۲۱. در بند: «پهلوان هفت خوان، اکنون طعمه دام و دهان خوان هشتم بود.»

الف: یک نمونه استعاره بیابید.

ب: منظور از قسمت مشخص شده را بنویسید

۲۲. در همه گزینه ها بجز گزینه آرایه «ایهام» بکار رفته است.

الف: ناگهان انگار، بر لب آن چاه، سایه ای را دید، او شغاد، آن نابردار بود.

ب: گرچه بیرون تیره بود و سرد، هم چون ترس، قهوه خانه گرم و روشن بود، همچون شرم ...

پ: رخس را می دید و می پایید. رخس، آن طاق عزیز، آن تای بی همتا، رخس رخشنده.

ت: «این گلیم تیره بختی هاست، خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها، روکش تابوت تختی هاست...»

۲۳. در کدام گزینه، «حس آمیزی» وجود ندارد؟

الف: مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم، آن سکوتش ساکت و گیرا/ و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم - راه می رفت و سخن می گفت.

ب: رخس را می دید و می پایید. رخس، آن طاق عزیز، آن تای بی همتا، رخس رخشنده/ با هزاران یادهای روشن و زنده...

پ: دمش چونان حدیث آشنایش گرم.

ت: چاه غدر ناجوان مردان / چاه پستان / چاه چونان ژرفی و پهناش، بی شرمیش ناباور.

۲۴. آرایه «مجاز» را در عبارات زیر بیابید.

الف: مرد نقال - آن صدایش گرم، نایش گرم، آن سکوتش ساکت و گیرا

ب: بعد از آن، تا مدتی تا دیر، یال و رویش را، هی نوازش کرد.

پ: دمش چونان حدیث آشنایش گرم.

ت: همگنان خاموش، گرد بر گرد گردش، به کردار صدف برگرد مروارید، پای تا سر گوش.



قلمرو فکری

به سوال ها پاسخ دهید.

«... یاد آمد، هان، داشتم می گفتم، آن شب نیز سورت سرمای دی بیدادها می کرد و چه سرمایی و چه سرمایی.»

بند فوق از خوان هشتم ارتباط معنایی دارد با: (هوا بس ناجوانمردانه سرد است آی... - و گر دست محبت سوی کس بازی، به اکراه آورد دست از بغل بیرون که سرما سخت سوزانست...)

۲۵. منظور شاعر از «خوان هشتم»، در بند «چيست؟»

۲۶. مقصود نقال از «قصه درد» در بند «قصه است این، قصه، آری قصه درد است» چیست؟

۲۷. مفهوم بند: «قصه می گوید: این برایش سخت آسان بود و ساده بود... / کان کمند شصت خم خویش بگشاید / و بیندازد به بالا، بر درختی، گیره ای، سنگی و فراز آید / می توانست او، اگر می خواست، لیک...»

۲۸. درباره مناسب موضوعی متن درس «خوان هشتم» با بیت زیر توضیح دهید.

یوسف به این رها شدن از چاه دل میند / این بار می برند که زندانی ات کنند

۲۹. شاعر در شعر «خوان هشتم» بر کدام مضامین اجتماعی تأکید دارد؟

۳۰. معنی و مفهوم قسمت های مشخص شده درست بیان شده است.

الف: «گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید»

ب: دمش چونان حدیث آشنایش گرم

پ: دیگر اکنون آن، عماد تکیه و امید ایران شهر

ت: هفت خوان را... / به قولی... / آن هر یوه خوب و پاک آیین روایت کرد.

۳۱. منظور از قهوه خانه در بند «لیک خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / گرچه بیرون تیره بود و سرد، هم چون ترس، قهوه

خانه گرم و روشن بود، هم چون شرم»

۳۲. شیرمرد عرصه ی ناورد های هول.

۳۳. با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«رخش را می دید و می پایید / رخش، آن طاق عزیز، آن تای بی همتا / رخش رخشند / با هزاران یاد های روشن و زنده.»

الف. «طاق» به چه معناست؟ ب. منظور از «هزاران روشن و زنده» چیست؟ ج. در متن بالا یک حس آمیزی بیابید.

۳۴. در بند «کان کلید گنج مروارید او گم شد.» الف: منظور از قسمت مشخص شده، چیست؟ ب: مرجع ضمیر «او» کیست؟



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۳۵. با توجه به شعر: « قصه است این ، قصه ، آری قصه ی درد است / شعر نیست / این عیار مهر و کین و مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست » شاعر بارزترین ویژگی شعر خود را در چه چیزی می داند؟
۳۶. مفهوم بند زیر را بنویسید. «داشتم می گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می کرد / و چه سرمایی، چه سرمایی» * *
 ۳۷. با توجه به مصراع « گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید. » ، منظور شاعر از « صدف » و « مروارید » چه کسانی هستند؟
 ۳۸. معنی و مفهوم بند «این گلیم تیره بختی هاست، خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها، روکش تابوت تختی هاست...»
 ۳۹. یکی از بخش های اشعار حماسی، «رجز خوانی» است، منظور از آن را بنویسید.

۴۰. با توجه به «چاه غدر ناجوان مردان / چاه چونان ژرفی و پهناش ، بی شرمیش ناباور / و غم انگیز و شگفت آور»
 الف: استنباط خود را از مفهوم این بند بنویسید.

ب: «غدر ناجوان مردان» به چه چیزی اشاره دارد؟

۴۱. منظور از واژه های (زادسرو، ماخ سالار، هریوه، خوان هشتم و ماث) در «خوان هشتم» را بنویسید.
 ۴۲. در شعر «سورت سرمای دی بیدادها می کرد / و چه سرمایی ، چه سرمایی!» علت تأکید و تکرار «چه سرمایی» چیست؟
 ۴۳. براساس بند «آری اکنون شیر ایران شهر / تهمتن گرد سجستانی» ، منظور از قسمت های مشخص شده، کیست؟

۴۴. موارد زیر را معنی کنید.

الف: همگان را خون گرمی بود.

ب: گفت در دل: «رخش! طفلک رخش! / آه!» این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد.

پ: شعر نیست؛ این عیار مهر و کین مرد و نامرد است / بی عیار و شعر محض خوب و خالی نیست

ت: مرد نقال از صدایش ضجه می بارید / و نگاهش مثل خنجر بود.

ث: سورت سرمای دی بیدادها می کرد.

ج: آری اکنون تهمتن با رخس غیرت مند / در بُن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان ، گم بود.

چ: همگان خاموش / گرد بر گردش ، به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش.

ح: این گلیم تیره بختی هاست / خیس خون داغ سهراب و سیاوش ها، روکش تابوت تختی هاست.

شعر خوانی : ای میهن

قالب شعر: غزل * * شاعر: ابوالقاسم لاهوتی

بررسی برخی از قلمروهای ادبی شعر

ابیات زیر را بخوانید و به پرسش ها، پاسخ دهید.

الف: تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن! / بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن!

ب: تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی / فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن!



پ: به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم / به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن!
 ت: اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار / به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن!
 ث: به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی روید / من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن!
 به سوالات پاسخ دهید.

۴۵. نقش واژه های مشخص شده را مقابل هر بیت بنویسید.

۴۶. معنی و مفهوم بیت دوم را بنویسید.

۴۷. نوع «واو» در بیت دوم را بیان کنید.

۴۸. در کدام گزینه بیشترین نقش «مسند» وجود دارد؟

۴۹. بیت چهارم را به لحاظ حذف بررسی کنید.

۵۰. تعداد متمم در کدام گزینه بیشتر است؟

۵۱. تعداد ترکیب های وصفی و اضافی همه ابیات را بررسی کنید.

۵۲. همه ابیات را به لحاظ ادبی بررسی کنید.

۵۳. مفهوم همه ابیات را بنویسید.

درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ

سی مرغ و سیمرغ از کتاب: منطق الطیر عطار نیشابوری * قالب: مثنوی * داستان تمثیلی - نمادین * نوع ادبی: داستانی * * لحن: روایی - داستانی.

گنج حکمت: کلان تر و اولی ترا! سندبادنامه، ظهیری سمرقندی.

قلمرو زبانی:

۱. معنی واژه های مشخص شده را بنویسید:

الف: نه درو دعوا بود و نه معنا

ب: مرغان جملگی شیدا و دلباخته گشتند.

پ: جهان را گشته ام و از اکناف گیتی آگاهم

ت: پیشت آید هر زمانی صد تعب

ث: هفت دوزخ همچوی افسرده ای.

ج: بعد از این وادی استغنا بود

چ: آن گاه بط باقبای سفید سر از آب بیرون کرد

ح: اشتر چون مقالات گرگ و روباه بر آن گونه، شنید، گردن دراز کرد و گرده بر گرفت و بخورد.

پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

نکته: واژه های درست املايي و مترادف آنها: استغنا و بی نیازی** اعانت و یاری دادن** افسرده و منجمد** اکناف و اطراف**
اولی و شایسته** تعب و رنج** دعوی و ادعا** از وجه زاد و توشه** سروش و فرشته و پیام آور** شگرف و نیرومند** شیدا
و عاشق** صدر و بالای مجلس** کلان و بزرگ سال** گرم رو و مشتاق و کوشا و چالاک** گرده و قرص نان** مخاصمت
و دشمنی** مصاحبت و هم نشینی و هم صحبتی** مقالات و گفتارها و سخنان** وادی و بیابان/ موضع و جایگاه/

۲. در موارد زیر، نقش دستوری هر یک از قسمت های مشخص شده را بنویسید.

الف: چون بود کالیم ما را شاه نیست؟ / بیش از این بی شاه بودن راه نیست.

ب: صد هزاران سایه جاوید، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو

پ: گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته ای گیرد زوال

ت: هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟

ث: وانیامد در جهان زین راه، کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس

ج: بعد از این وادی عشق آید پدید // غرق آتش شد کسی کانهجا رسید

چ: خویش را دیدند سیمرخ تمام / بود خود سیمرخ، سی مرخ تمام

ح: محو او گشتند آخر بر دوام / سایه در خورشید گم شد والسلام

خ: مجمعی کردند مرغان جهان / آنچه بودند آشکارا و نهان

د: شیرمردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف

ذ: مرد حیران چون رسد این جایگاه / در تحیر مانده و گم کرده راه

۳. واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: ما از خطرات راه نمی هراسیم؛ ما (خواستار/ خاستار) سیمرخیم!

ب: میان ایشان از برای گرده (مخاصمت/ مخاصمت) رفت.

۴. نوع «را» را در عبارت زیر مشخص کنید.

الف: «قضا را قرعه به نام هدهد افتاد» (را: به معنی حرف اضافه «از»: از قضا)

ب: گفت ما را هفت وادی در ره است. (فک اضافه) هفت وادی در راه ما است.

۵. بعد از آن بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی ای بی پا و سر (فک اضافه).

الف: ضمیر «آن» به کدام وادی بر می گردد؟

ب: بی پا و سر بودن به کدام ویژگی وادی معرفت، اشاره دارد؟

۶. در کدام گزینه معنای «شگرف» با بقیه متفاوت است؟

الف: «شیرمردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف»

ب: نی ام چندان شگرف اندر سواری / که آرم پای با شیر شکاری



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

پ: نوبر صبح یک دم است اینت شگرف اگر دهی / داد دمی که می دهد صبحدمت به نوبری

۷. با توجه به بیت: «ملک اینجا بایدت انداختن / ملک اینجا بایدت در باختن» به سوال ها پاسخ دهید.

الف: نقش ضمیر «ت» در «بایدت» (هر دو مصرع) را بیابید.

ب: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

پ: بیت را به لحاظ ادبی بررسی کنید.

۸. اجزای بیت زیر را طبق زبان معیار مرتب کنید؛ سپس نقش دستوری هر جزء را بنویسید.

بعد از این وادی حیرت آیدت / کار دائم درد و حسرت آیدت

بعد از این وادی حیرت برای می آید / کارت دائم درد و حسرت می آید (کارت دائم درد و حسرت است)

بعد از این	وادی	حیرت	(برای) ت	آید	کار	ت	دائم	درد	و	حسرت	می آید
قید	نهاد	مضاف الیه	متمم	فعل	نهاد	مضاف الیه	قید	مسند	عطف	معطوف	فعل

۹. نقش تبعی کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

الف: ما پرندگان را نیز پیشوا و شهریاری است.

ب: مرغان، جملگی شیدا و دلباخته گشتند.

پ: بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجرید آیدت.

ت: در پس کوه قاف، بلندترین کوه روی زمین، بر درختی بلند آشیان دارد.

۱۰. هر کدام از موارد «الف» مربوط به کدام قسمت «ب» است؟ در ستون قسمت «ب» یک گزینه اضافی است.

ب	الف
فقر	الف: تنهایی گزیدن / ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرب به خداوند / در اصطلاح تصوف، خالی شدن قلب سالک از آنچه جز خداست.
تفرید	
توحید	ب: از مراحل سلوک است که عبارت است از نیازمندی به خدای تعالی و بی نیازی از خلق
تجرید	پ: کناره گرفتن از خلق و تنها شدن؛ در اصطلاح تصوف، تحقق بنده است به حق؛ به طوری که حق عین قوای بنده است.

قلمرو ادبی

۱۱. نمادهای عبارت زیر را مشخص کنید.

«بلبل گفت: من گرفتار عشق کلم. با این عشق، چگونه می توانم در جست و جوی سیمرغ، این سفر پرخطر را بر خود هموار کنم؟»

الف) بلبل ب) گل پ) سیمرغ ت) سفر پرخطر



۱۲. نمادهای زیر را بیان کنید.

«طاووس چنین عذر آورد که من مرغی بهستی ام، روزگاری دراز در بهشت به سر برده ام، مار با من آشنا شد؛ آشنایی با او سبب گردید که مرا از بهشت بیرون کنند.... هدهد پاسخ گفت: «بهشت جایگاهی خرم و زیباست اما زیبایی بهشت نیز پرتویی از جمال سیمرغ است. بهشت در برابر سیمرغ چون ذره در برابر خورشید است.»

۱۳. آرایه «مجاز» را در ابیات زیر مشخص کنید.

الف: برخی از مرغان از همراهی بازایستادند و زبان به پوزش گشودند. بلبل گفت: «من گرفتار عشق گلم»
ب: گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته ای گیرد زوال
پ: گفت ما را هفت وادی در ره است / چون گذشتی، هفت وادی، در گه است.
ت: وانیامد در جهان زین راه، کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس.
ث: مرد حیران چون رسد این جایگاه / در تحیر مانده و گم کرده راه

۱۴. تمثیل های زیر را از داستان منطق الطیر (سی مرغ و سیمرغ) رمزگشایی کنید.

الف) مرغان: ب) سیمرغ:

۱۵. با توجه به بیت: «چون بود کاکلیم ما را شاه نیست؟ / بیش از این بی شاه بودن راه نیست» به سوال ها پاسخ دهید.
الف) نوع «را» را بنویسید. به معنی برای: حرف اضافه
ب) دو نمونه جناس ناهمسان بیابید. شاه: راه: راه: *راه: ما: *راه*
پ) کنایه بیت را بنویسید. راه نیست: کنایه از درست نبودن، طبق رسم و قاعده نبودن.

۱۶. بیت زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید.

«چون نگه کردند آن سی مرغ زود / بی شک این سی مرغ، آن سیمرغ بود»

۱۷. با توجه به بیت: «طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه آن جاست جلوه گاهم، این جا چه کار دارم؟»
تلمیح به کار رفته در بیت زیر را توضیح دهید.

۱۸. در بیت زیر، کدام آرایه وجود ندارد؟ «هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش»

الف: جناس ب: ایهام پ: تشبیه ت: مجاز

قلمرو فکری :

نکته: در داستان تمثیلی - نمادین «سی مرغ و سیمرغ»، واژگانی چون: دریا/ شبنم/ سیمرغ/ مرغان/ رسیدن سی مرغ به سیمرغ/ هدهد/ بلبل/ افتادن پر / گل/ باز/ بط/ طاووس و ... همگی نماد هستند..

دریا: پروردگار یا عشق و محبوب حقیقی * * ۲. شبنم: بهشت، انسان، عشق مجازی یا هر چیز دیگری غیر از خدا که انسان به آن دل ببندد.

* * ۳. سیمرغ: رمز خداوند * * ۴. مرغان: رمز سالکان راه حق * * ۵. رسیدن سی مرغ به سیمرغ: رمز وحدت در کثرت و کثرت در وحدت است * * ۶. هدهد: رمز پیر طریقت و رهبر و راهنما و انسان کامل و آگاه. * * ۷. بلبل: رمز جمال پرستان و عاشقان سطحی و خوش گذران، عاشق زمینی و مادی * * ۸. افتادن پر: رمز ظهور و جلوه حق تعالی است زیرا تمام زیبایی‌های جهان، درخشش و پرتویی از ذات الهی است * * ۹. گل: معشوق مادی و زمینی * * ۱۰. باز: آن که به تمکن مادی رسیده و دیگر میل به خطر کردن ندارد * * ۱۱. بط: آنکه به زندگی عادی خو کرده و توات تغییر ندارد * * ۱۲. طاووس: آن که از عشق به دنبال نفع شخی خود است. * * ۱۳. جغد: آنکه طبق عادت به خیال گنج موهوم، برای رسیدن به گنج حقیقی و کمال تلاشی نمی کند. * * ۱۴. قاف: عالم معنا. * * ۱۵. ذره: نماد کوچکی و حقارت. * * ۱۶. خورشید: نماد بزرگی و عظمت * * ۱۷. مار: نماد اهریمن و شیطان.

۱۹. مفهوم بیت: «طاووس باغ قدسم، نی بوم این خرابه / آن جاست جلوه گاهم، این جا چه کار داریم» را بیان کنید.

قرابت معنای دارد با ابیات:

الف: ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم / باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست
ب: چنین قفس نه سزای چو من خوش احانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم
پ: گوهر پاک از کجا عالم خاک از کجا / بر چه فرود آمدیت بار کنید این چه جاست.

۲۰. نقش ضمیر «ت» در فعل «بنمایدت» را بنویسید. «بعد از این بنمایدت پیش نظر / معرفت را وادی ای بی پا و سر»

۲۱. معنی و مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

الف: شیرمردی باید این ره را شگرف / زان که ره دور است و دریا ژرف ژرف
ب: روی ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان بر کنند
پ: چون بود کاقلم ما را شاه نیست؟ / بیش ازین بی شاه بودن راه نیست.
ت: هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟
ث: وانیامد در جهان زین راه کس / نیست از فرسنگ آن آگاه کس.
ج: چون فرود آیی به وادی طلب / پیشت آید هر زمانی صد تعب
چ: ملک اینجا بایدت انداختن / ملک این جا بایدت درباختن
ح: عاشق آن باشد که چون آتش بود / گرم رو، سوزنده، سرکش بود
خ: بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجرید آیدت



د: صد هزاران سایه جاوید ، تو / گم شده بینی ز یک خورشید، تو

۲۲. مفهوم بیت: «گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته ای گیرد زوال» را بنویسید.

۲۳. بیت «چون نگه کردند آن سیمرغ زود / بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود» را از لحاظ قلمروهای سه گانه بررسی کنید.

۲۴. مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

الف: «بیرون ز تو نیست هرچه در عالم هست / در خود بطلب هر آن چه خواهی که تویی

ب: خویش را دیدند سی مرغ تمام / بود خود سیمرغ سی مرغ تمام»

پ: «من نمانم من نمانم من توام / بی توام اما یقین اندر توام»

۲۵. با توجه به بیت: «هر که داند گفت با خورشید راز / کی تواند ماند از یک ذره باز؟» به سوال ها پاسخ دهید. (قلمرو ادبی)

الف: آرایه های ادبی بیت فوق را بنویسید.

ب: منظور از خورشید و ذره را بیان کنید.

۲۶. در بیت زیر، مقصود از «دریا» و «شبنم» چیست؟

« چون به دریا می توانی راه یافت / سوی یک شبنم چرا باید شتافت»

هفت وادی عرفان (به ترتیب مراحل)

۲۷. با توجه به وادی های هفت گانه عرفان، هر کدام از ابیات زیر، مربوط به کدام مرحله از مراحل عرفان است؟

۱. طلب (ملک اینجا بایدت انداختن / ملک این جا بایدت درباختن

۲. عشق (عاشق آن باشد که چون آتش بود / گرم رو، سوزنده و سرکش بود

۳. معرفت) هر یکی بینا شود بر قدر خویش / باز یابد در حقیقت صدر خویش

۴. استغنا) هشت جنت نیز اینجا مرده ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است

۵. توحید) روی ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان برکنند

۶. حیرت) مرد حیران چون رسد این جایگاه / در تحیر مانده و گم کرده راه

۷. فقر و فنا) صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو

(فقر و فنا) وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود، مردانه ای است.

۲۸. با توجه به بیت « هشت جنت نیز اینجا مرده ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده ای است» به سوال ها پاسخ دهید.

الف) منظور از «اینجا» در بیت فوق کدام وادی عرفان است؟

ب) مفهوم بیت را بنویسید.

پ) چند آرایه ادبی بیت را ذکر کنید.



۲۹. جای خالی را با گزینه مناسب پر کنید. «بعد از این وادیآیدت // منزل تفرید و تجرید آیدت»
۳۰. بیت «گر بسی بینی عدد، گر اندکی / آن یکی باشد در این ره در یکی» به کدام مرحله ی هفت وادی عطار اشاره دارد؟
۳۱. ناتوانی مرغان از طی کردن مراحل سلوک عرفانی در داستان «سیمرغ» نمایانگر چیست؟
۳۲. با توجه به بیت: «روی ها چون زین بیابان در کنند / جمله سر از یک گریبان بر کنند» به سوال های پاسخ دهید.
الف: منظور از «بیابان» کدام وادی است؟
ب: کنایه بیت را بیان کنید.
پ: مفهوم بیت را ذکر کنید.
۳۳. با توجه به بیت «بعد از این وادی توحید آیدت / منزل تفرید و تجرید آیدت» منظور از «تفرید»، در اصطلاح صوفیه چیست؟
۳۴. بعد از این وادی فقر است و فنا / کی بُود اینجا سخن گفتن روا. مرجع ضمیر «این» کدام وادی است؟
۳۵. با توجه به بیت: «صد هزاران سایه جاوید تو / گم شده بینی ز یک خورشید تو»، به سوال ها پاسخ دهید.
الف: این بیت توصیف کدام وادی عرفان است؟
ب: منظور از واژه های «سایه» و «خورشید» را بنویسید.
پ: جفت واژه های تضاد را در بیت بیابید. (قلمرو ادبی)
ت: مفهوم بیت را بیان کنید.
۳۶. با توجه به ابیات زیر به سوال ها پاسخ دهید.
خویش را دیدند سیمرغ تمام / بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام
محو او گشتند آخر بر دوام / سایه در خورشید گم شد والسلام
الف: منظور از «خورشید» و «سایه» را بنویسید.
ب: مفهوم مشترک ابیات فوق را بیان کنید.
ابیات فوق با این بیت قرابت معنایی دارند:
قطره در دریا فتادن خود فناست / عین دریا گشتن دریا بقاست.



درس شانزدهم: کباب غاز

داستان "کباب غاز" یا رساله در حکمت مطلقه "از ماست که بر ماست" از محمدعلی جمال زاده / نوع ادبی: ادبیات داستانی / لحن: روایی - داستانی و طنز آمیز.
روان خوانی: ارمیا / رضا امیرخانی

قلمرو زبانی:

معنی واژه های مشخص شده را بنویسید:

۱. در اداره با هم قطارها قرار و مدار گذاشته بودیم.
۲. یک دست دیگر ظرف و لوازم عاریه بگیر.
۳. شب عید نوروز بودن و موقع ترفیع رتبه.
۴. پس از مدتی اندیشه و استشاره چاره منحصر به فردی یافتیم.
۵. تک و پوزش کریه تر شده است.
۶. آثار شادی در وجناتش نمودار گردید.
۷. دو سه بار سکندری خورد و به زمین افتاد.
۸. علاوه بر غاز معهود، آش جو و کباب بره ممتاز و...
۹. چنین روز مبارکی صله ارحام نکنی، کی خواهی کرد.
۱۰. جوان دیلاقی مصطفی نام آمده.
۱۱. گلّه ما را گلّه از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می کند.
۱۲. با حال استیصال پرسیدم: «پس چه خاکی به سرم بریزم؟»
۱۳. دیدم زیاد پرت و پلا می گوید.
۱۴. جوانی آسمان جُل و بی دست و پا و بدقواره بود.
۱۵. مصطفی قد دراز و کج و معوجش را روی صندلی جا داد.
۱۶. دوباره مبهوت به سهراب نگاه می کردند.
۱۷. مگر نمی دانی که شکوم ندارد؟
۱۸. در خوش زبانی، بذله و لطیفه نوک جمع را چیده و متکلم وحده و مجلس آرا شده بود.
۱۹. دود هنوز هم از گنده بلند می شود.
۲۰. به عنوان ولیمه، کباب غاز صحیحی بدهد.
۲۱. یکی از حضار که کبادّه شعر و ادب می کشید چنان محظوظ گردیده بود که جلو رفته جبهه شاعر را بوسیده.

۲۲. این بدبخت ها سال آزگار یک بار برایشان چنین پایی می افتد.
۲۳. نت تخلص را از زواید می دانم.
۲۴. همین طور این دوری را برگرداند به اندرون
۲۵. آن وقت هم هر چه اصرار و تعارف می کنم تو بیشتر امتناع می ورزی

۲. در میان گروه کلمات زیر املای ۷ واژه نادرست است ، صحیح آن ها را بنویسید.

الف: « لوازم عاریه و قرصی - استیصال و درماندگی - سپاسگزاری و تشکر - صیغه بلعت - چاره منحصر به فرد - غاز معهود - صله ارهام - صدای غرغش تانک - خاک غلیظ - زمان دراز و آذگار - اطوار و رفتار ناهنجار - انضمام و به همراه - امتناع و خودداری - بحبوحه و میان - بزله و شوخی - جبهه و پیشانی - تسنعی و ساختگی - محضوظ و بهره ور - معهود و شناخته شده - ولیمه و غذای عروسی - کج و معوج / بلا محارض و بی رقیب / نگاه مبحوت. / آلوی برغان / حلاجی سخن / کشیدن کباده / کیفور و سرحال / دل بستگی غیر مترقبه / اثنا و میان / بحبوحه و میان / خمره ی (کوزه) /

ب: خودتان را بزنید به ناخوشی و بگویید طیب (غدقن / قدغن) کرده؛ از تختخواب پایین نیاید.

پ: در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای امارت بلند شد.

ت: در عربی، اگر بخواهیم بگوییم شما دو نفر تیر بزنید، یعنی (مسنی / مثنی) می شود.

ث: خادم را دیدم غاب بر روی دست وارد شد و یک رأس غاز فربه و برشته در وسط میز گذاشت و ناپدید شد.

۳. در هر یک از موارد زیر هسته گروه اسمی را مشخص کنید.

الف: شش دانگ حواسم پیش مصطفی بود.

ب: شب عید نوروز بود.

۴. مترادف واژه های زیر را بنویسید.

معهود: بحبوحه: وجنات:

۵. با توجه به عبارت زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

مصطفی گفت: «من تخلص را از زواید و از جمله رسوم و عاداتی می دانم که باید متروک گردد.»

الف) مفعول ها را مشخص کنید. کل جمله بعد از گفت مفعول است / تخلص

ب) جمله ها را با توجه به کاربرد «مسند» بررسی کنید. از زواید و از جمله رسوم و عادات (مسند) - متروک (مسند)

نکته مهم دستوری (حرف ربط یا پیوند دو گونه است:

۱. **پیوندهای وابسته ساز:** همراه با جمله های وابسته به کار می روند.

مانند: همه حضار یک صدا تصدیق کردند که تخلصی بس به جاست. که: حرف وابسته ساز



عبارتند از: که / چون / تا / اگر / زیرا / همین که / گرچه / اگر / با این که / از بهر آنکه / به این دلیل که / به این خاطر که / وقتی که / چنان که / به این جهت / به شرطی که / برای آن که و... مثال: وقتی دل سودایی، می رفت به بستان ها / بی خویشتنم کردی بودی گل و ریحان ها

وقتی: حرف ربط وابسته ساز / مصرع اول: جمله پیرو یا وابسته / مصرع دوم: جمله پایه

۲. **پیوندهای هم پایه ساز:** بین دو جمله هم پایه به کار می روند.

مانند: رتبه های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش. «و» پیوند هم پایه ساز است.

پیوندهای هم پایه ساز پر کاربرد عبارتند از: «و / اما / یا / ولی / لیکن / لیکن»

مثال برای پیوند وابسته ساز از متن درس: خاطر جمع باشید که از عهده برخوردارم آمد.

مثال برای پیوند هم پایه ساز: از من اصرار بود و از مصطفی انکار.

قلمرو ادبی

۶. کنایات درس "کباب غاز"

۱. «تنها همان رتبه های بالا را وعده بگیر (دعوت کن) و مابقی (بقیه) را نقداً (فعلاً) خط بکش (حذف کن) و بگذار سماق بمکند (انتظار بیهوده کشیدن).»

۲. «یک بار برایشان چنین پایی می افتد (چنین اتفاق می افتد) و شکم ها را مدت است صابون زده اند (خیلی وقت است که دلشان را خوش کرده اند) که کباب غاز بخورند و ساعت شماری می کنند.

۳. روبه راه شده است (تهیه شده است)

۴. آسمان جل (بی چیز) و بی دست و پا (شلخته) و پخمه (خنک) و تا بخواهی بدریخت و بدقواره (زشت و بد ترکیب)

۵. ماشاءالله هفت قرآن به میان (از من دور) پسر عمومی خودت است. هر گلی هست به سر خودت بز (کنایه: سود و زیان این کار بر عهده خودت باشد).

۶. مشغول تماشا و ورنانداز این مخلوق کمیاب و شی عجاب (چیز عجیب) بودم که عیالم هراسان وارد شد.

۷. سر به مهر (دست نخورده و کامل)

۸. یک غاز دیگر دست و پا کنیم (تهیه کنیم)

۹. پیدا کردن یک دانه غاز در شهر بزرگی مثال تهران کشف آمریکا و شکستن گردن رستم (کار خیلی مشکل) که نیست.

۱۰. می خواهم امروز نشان دهی که چند مرده حلاجی (چقدر توانایی داری)

۱۱. پشت دست داغ کردن: کنایه از توبه کردن، پشیمان شدن

۱۲. از زیر سنگ هم شده (کنایه از به سختی چیزی را یافتن).

۱۳. میهمانی را پس می خواندید (لغو می کردید)

۱۴. اگر ممکن باشد شیوه ای سوار کرد (روش و ترفندی به کار برد)

۱۵. می گویی ای بابا دستم به دامانتان (از شما کمک می خواهم)



۱۶. یکی از حضار که گباده ی شعر و ادب می کشید (ادعایی در شعر و ادب داشت).
۱۷. در اواخر عمر با بنده مألوف بودند و کاسه و کوزه یکی شده بودیم، (خیلی خودمانی)
۱۸. دامنش از دست برود (اراده و اختیارش را از دست بدهد)
۱۹. دیدم توطئه ما دارد می ماسد (طرح و نقشه ما دارد می گیرد)
۲۰. حالا دیگر چانه اش هم گرم شده (کنایه از پرحرفی کردن) و در خوش زبانی و حرافی و شوخی و بذله (مزاح) و لطیفه نوک جمع را چیده (دهان همه را بسته) و متکلم وحده (تنها گوینده) و مجلس آرای بلامعارض (آراینده ی بدون رقیب) شده است.
۲۱. چنان کلکش را کنند (کنایه از نیست و نابود کردن) که گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود ننهاده بود! (کنایه از وجد نداشتن).
۲۲. از تماشای این منظره ی هولناک آب به دهانم خشک شده. (کنایه از نهایت حیرت و ترس)
۲۳. یارو (مصطفی) حساب کار را کرده (کنایه از آگاه شدن) بدون آنکه سرسوزنی (کنایه از کمترین) خود را از تک و تا (جنب و جوش) بیندازد، دل به دریا زده (کنایه از جرئت کردن) و به دنبال من از اتاق بیرون آمد.
۲۴. در را بستم و صدای کشیده آب نکشیده ای (کنایه: صدادار و آبدار) طنین انداز گردید.
۲۵. گفتم: «خانه خراب (بدبخت) تا حلقوم بلعیده بودی (کنایه از بسیار خوردن)، باز تا چشمت به غاز افتاد، دین و ایمانت را باختی (کنایه از اینکه، اختیارت را از دست دادی) و به منی که چون تویی را صندوقچه ی سرّ خود (همراز خود) قرار داده بودم، خیانت ورزیدی؟ دِ بگیر که این ناز شستت باشد». (کنایه از پاداش خیلی خوب)
۲۶. داشتم شاخ در می آوردم (به شدت تعجب می کردم)
۲۷. بدون آنکه خم به ابرو بیاورم: (کنایه از ناراحت نشدن)
۲۸. کاه (غذا) از خودمان نیست کاهدان (معهده) که از خودمان است ضرب المثل و کنایه: یعنی به فکر سلامتی خود بودن و تعادل در خوردن.
۲۹. شستش خبردار شده بود (از موضوع آگاه شد)
- نکته: از من همه اصرار بود و از مصطفی انکار. (اصرار و انکار: آرایه سجع دارند) / حذف فعل «بود» به قرینه لفظی.

قلمرو فکری :

۳۱. کدام ویژگی نثر نویسنده، بر تأثیرگذاری داستان او افزوده است؟ طنز (بزرگ نمایی و اغراق / کنایه / زبان عامیانه / و سادگی بیان).
۳۲. منظور از «تخلص» در «من تخلص را از زواید (چیزهای زیادی) و از جمله رسوم و عاداتی می دانم ک باید متروک گردد. را بنویسید. نام شاعری
۳۳. نویسنده در داستان «کباب غاز» کدام رفتار فردی و اجتماعی را مورد انتقاد قرار داده است؟ کنترل نکردن رفتار و کردار و زبان و عدم خویشتن داری .
۳۴. از متن درس، مثل متناسب با سروده های سعدی را بیابید.
- الف) گله ما را گله از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می کند : از ماست که بر ماست.
- ب) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد: تیری که از شست رفته ، باز نمی گردد.



۳۵. در جمله: مشغول تماشا و ورناد از این مخلوق کمیاب و شیء عجاب بودم. منظور از مخلوق کمیاب کیست؟

شیء عجاب: به إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ (سوره ص: آیه ۵): تلمیح

۱۵- در عبارت «پنج انگشت دعاگو به معیت میچ و کف و مایتعلق به بر روی صورت آقای استادی نقش بست» منظور از دعاگو و آقای استادی به ترتیب چه کسانی است؟

درس هفدهم: خنده تو

"خنده تو" از مجموعه "هوار از من بگیر، خنده ات را نه!" پابلو نرودا / نوع ادبی: ادبیات جهان.

گنج حکمت: مسافر / یوهان کریستف فریدریش شیلر.

قلمرو زبانی

۱. برای واژه «آخته» دو معادل معنایی بنویسید.

انواع «ان»

۱. نشانه جمع مانند: گیاهان، دوستان - نیاکان
۲. نشانه زمان: بهاران، سحرگاهان و...
۳. نشانه مکان: سپاهان، دیلمان و...
۴. نشانه صفت ساز (فاعلی) مانند: گریان، خندان - جوشان -
۵. نشانه تشبیه مانند: کوهان
۶. نشانه قیدساز مانند: گریان، شادان و...
۷. نشانه نسبت مانند: کاویان، بابکان، خاوران و...

۲. مفهوم نشانه «ان» را در واژه های زیر بنویسید.

الف: بامدادان (.....) ت: گیلان (.....)

ب: ماهان (.....) ج: تابان (.....)

پ: ایرانیان (.....) چ: نگران (.....)

۳. با توجه به عبارت زیر، به سوال ها پاسخ دهید.

«در بهاران، عشق من / خنده ات را می خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم»

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

ب: انواع ترکیب اضافی و وصفی را مشخص کنید.



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان - درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۴. هسته و وابسته وابسته را در گروه های اسمی مشخص شده زیر بیابید.

الف: تا مگر روزی به پایان این دریای بی کران رسم.

ب: از کشتی تندرو خیال من، همین جا لنگر انداز.

پ: بدان سرزمین که خداوند سرحد جهان خلقتش قرار داده است، فرود آیم.

۵. در بیت «مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم/ به هر حالت تبسم کن تبسم» کدام نقش های تبعی وجود دارد؟ نشان دهید.

۶. در بیت: «چو گل هر جا که لبخند آفرینی/ به هر سو رو کنی لبخند بینی» کدام نقش وجود ندارد؟

الف: مفعول ب: قید پ: مسند ت: متمم

نکته: تعدادی از مترادف های درس ۱۷ که ارزش املايي نیز دارند: (سرخد و مرز و کرانه - غایی و نهایی - ذی حیات و جاندار)

قلمرو ادبی

۷. در سروده پابلونرودا، هر یک از واژه های زیر نماد چه هستند؟

الف: «نان را از من بگیر اگر می خواهی، / هوا را از من بگیر، اما/ خنده ات را نه، / گل سرخ را از من بگیر»

نان (.....) هوا (.....) گل سرخ (.....) تاریکی (.....)

ب: در بهاران / عشق من، / خنده ات را می خواهم / چون گلی که در انتظارش بودم، / گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می خواند.

گل آبی (.....) گل سرخ (.....)

۸. در این قسمت از متن درس، شاعر از کدام آرایه ادبی بهره گرفته است.

«... اما خنده ات که رها می شود/ و پرواز کنان در آسمان مرا می جوید / تمامی درهای زندگی را / به رویم می گشاید.»

قلمرو فکری

۹. مفهوم مشترک بین دو سروده زیر را بنویسید.

« و اگر دیدی، به ناگاه/ خون من بر سنگ فرش خیابان جاری است/ بخند؛ زیرا خنده تو/ برای دستان من / شمشیری است آخته.»

« به پیش اهل دل، گنجی ست شادی که دستاورد بی رنجی ست شادی

به آن کس می رسد زین گنج بسیار که باشد شادمانی را سزاوار»

۱۰. عبارت «اما آنگاه که چشم می گشایم و می بندم، آنگاه که پاهایم می روند و باز می گردند/ نان را، هوا را، روشنی را، بهار را/ از

من بگیر/ اما خنده ات را هرگز/ تا چشم از دنیا نبندیم.» بیانگر چیست؟

۱۱. مفهوم مشترک سه گزینه زیر را بیان کنید.

الف: «نان را از من بگیر، اگر می خواهی / هوا را از من بگیر، اما/ خنده ات را نه / خنده ات که رها می شود / پرواز کنان در آسمان

مرا می جوید/ تمامی درهای زندگی را/ به رویم می گشاید.»

ب: آب حیات می چکد از لب جان فزای تو / راحت روح می دهد خنده دلگشای تو.

پ: برو شادی کن ای یار دل افروز / چو خاکت میخورد چندین مخور غم



۱۲. درک و دریافت خود را از متن زیر بنویسید.

الف: « نان را، هوا را، / روشنی را، بهار را، / از من بگیر / اما خنده ات را هرگز / تا چشم از جهان نبندم. »
ب: اگر خونین دلی از جور ایام / لب خندان بیاور چون لب جام.

۱۳. مفهوم مشترک دو گزینه زیر را بنویسید.

الف: مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم / به هر حالت تبسم کن تبسم.
ب: ای دوست مخور خون، غم اندوزی چند؟ خوش باش و مده دل به بد آموزی چند.

۱۴. ارتباط مفهومی دو بیت زیر را با این قسمت از سروده پابلونرودا بنویسید.

الف: «عشق من، خنده تو / در تاریک ترین لحظه ها می شکفتد / خنده تو در پاییز / در کناره دریا / موج کف آلوده اش را / باید بفرازد.»

۲. اگر خونین دلی از جور ایام / لب خندان بیاور چون لب جام
به پیش اهل دل، گنجی ست شادی / که دستاورد بی رنجی ست شادی

درس هجدهم: عشق جاودانی

"عشق جاودانی" از غزلواره ها شکسپیر / نوع ادبی: ادبیات جهان / ***

روان خوانی: آخرین درس از مجموعه قصه های دوشنبه، آلفونس دوده ترجمه عبدالحسین زرین کوب ***

قلمرو زبانی

۱. معنی واژه های مشخص شده زیر را بنویسید.

الف: بر تخته سیاه این کلمات را با خطی جلی نوشت.

ب: یکی از مردان معمّر دهکده با کودکان هم آواز گشته بود.

پ: همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند.

ت: من بیم آن داشتم که مورد عتاب معلم واقع گردم.

ث: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟

ج: آیا چیزی در مخيله آدمی می گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد، اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟

۲. گزینه های زیر را از نظر «حذف فعل» بررسی کنید و نوع حذف را بنویسید.

الف: «چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن»



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان - درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

ب: هر روز باید ذکرى واحد را مکرر بخوانم؛ و آنچه را که قدیمی است قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو»

۳. در موارد زیر، واژه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: شاگردان چندان بانگ و فریاد می کردند که (غلقله/ غلغله) آنها به کوی و برزن می رفت.

ب: من بیم آن داشتم که مورد (اعتاب/ عتاب) معلم واقع گردم.

پ: لباسی را که جز در روز (توزیح/ توزیع) جوایز نمی پوشید، بر تن کرده است.

ت: (این جماعت به درس معلم ما آمده بودند تا از او به سبب چهل سال رنج شبانه روزی و مدرسه داری و (خدمت گزاری/ خدمت گذاری) قدردانی کنند.

ث: می گفت: فرزند، تو را سرزنش نمی کنم؛ زیرا خود به قدر کفایت (متنبه/ متنبهه) شده ای.

۴. در موارد زیر، در صورت وجود اشتباه املایی، آن را بیابید؛ سپس اصلاح نمایید.

الف: نه اهمیتی به چین و شکن های ناگزیر سالخورده گی می دهد، بلکه همواره عشق قدیم را موضوع سحیفه شعر خود می گرداند.»

ب: وقتی قومی به اسارت دشمن درآید و مقلوب و مقهور بیگانه گردد.

پ: درفش ملی ما را به اهتزاز در آورده باشند.

ت: نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ غرض کرده بود.

ث: پس از تحریر مشق، درس تاریخ خواندیم.

۵. در موارد زیر، هسته و وابسته گروه های اسمی مشخص شده را بنویسید.

الف: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟

ب: نخستین احساس عشق را در جایی می جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است.

پ: درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

۶. در متن زیر کدام فعل به کار نرفته است؟

«آیا چیزی در مخیله آدمی می گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد،/ اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟ / چه حرف

تازه ای برای گفتن مانده است؟ یا چه چیز ازه ای برای نوشتن؟ / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»

الف: ماضی التزامی ب: مضارع التزامی پ: ماضی نقلی ت: مضارع مستمر

۷. شعر زیر را بخوانید؛ سپس به سوال ها پاسخ دهید.

«همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند.»

الف: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.



ب: هسته و وابسته را در گروه های اسمی «عشق قدیم» و «موضوع صحیفه شعر خود» بیابید.

۸. در کدام گزینه، «وابسته وابسته» وجود دارد؟ نوع آن را بنویسید.

الف: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند

ب: خاطرات تلخ تنبیهاتی را که از او دیده بودم و ضربات چوبی را که از او خورده بودم، از صفحه ضمیرم یک باره محو کرد.

۹. واژه صحیفه را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید.

قلمرو ادبی

۱۰. نمونه استفهام انکاری در شعر:

۱۱. در گزینه های زیر، مجاز را بیابید.

الف: آیا چیزی در مخیله آدمی می گنجد، که قلم بتواند آن را بنگارد؟

ب: این گونه است که عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می بیند.

پ: این جماعت به درس معلم ما آمده بودند تا از او قدردانی کنند.

ت: چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است؟

۱۲. در قسمت های مشخص شده، چه آرایه هایی وجود دارد؟

الف: همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.

ب: سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش.

۱۳. هر کدام از آرایه های (مجاز - کنایه - حس آمیزی - تشبیه)، در کدام گزینه، استفاده شده است؟

الف: معلم از سر مهر نظری به من انداخت و با لطف و نرمی گفت: «زود سر جای بنشین.»

ب: دو سال بود که هر خبر ملال انگیز که برای ده می رسید، از اینجا منتشر می گشت.

پ: با خود اندیشیدم که «باز برای ما چه خوابی دیده اند؟» آن گاه سر خویش گرفتم و راه مدرسه در پیش.

ت: اندیشه آنکه وی فردا ما را ترک می کند، خاطرات تلخ تنبیهاتی را که از او دیده بودم از صفحه ضمیرم یک باره محو کرد.

قلمرو فکری

۱۴. شکسپیر، در بند زیر، بر چه نکته ای تأکید می کند؟

«چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟»



پرسش و پاسخ های مهم فارسی (۳)؛ پایه دوازدهم - درس اول تا پایان - درس هجدهم - فرزانه کوهدشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱۵. تناسب مفهومی موارد زیر را بنویسید.

الف: هر روز باید ذاکری واحد را مکرر بخوانیم، / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو»، / درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

ب: یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می شنوم نامکرر است

پ: حُسن در هر نظری جلوۀ دیگر دارد / سخن تازه محال است مکرر گردد

۱۶. کدام ویژگی عشق جاودانی در دو بیت زیر وجود دارد؟

هر چند پیر و خسته دل و ناتوان شدم / هر گه که یاد روی تو کردم جوان شدم

به بوی زلف تو از نو جوان شوم هر بار / هزار بار تنم گرز غصه پیر شود

۱۷. کدام بیت در تقابل با عشق جاودانی است؟

الف) سر زلف تو نباشد، سر زلف دگری / که برای دل ما قحط پریشانی نیست

ب) چون توام که به پایان برم این دفتر از آنک قصه عشق من و حسن تو را آخر نیست

۱۸. معنی و مفهوم بند زیر را بنویسید.

«همواره عشق قدیم را موضوع صحیفه شعر خود می گرداند و نخستین احساس عشق را در جایی می جوید که خود در آنجا به دنیا آمده است، همان جا که شاید اینک دست زمان و صورت ظاهرش، مرده نشانش بدهند.»

*** پایان ***



اندیشه آدمی سازنده اراده اوست، اندیشه تان زیبا.

پاسخنامه سؤال های درس ۱ تا ۱۸ فارسی (۳)

درس اول: شکر نعمت

پاسخ قلمرو زبانی

۱. یاری گر ***۲. شفاعت کننده/ اطاعت شده/ پیام آور/ صاحب جمال/ خوش اندام/ نسیم: خوش بو/ وسیم: داراس نشان پیامبری ***۳. آشکار و واضح/ مقرر و وجه معاش/ زشت و ناپسند ***۴. آمدن فصل بهار ***۵. برگزیده / مایه تمامی و کمال گردش روزگار/ گریبان / حالت تفکر عارفانه نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق ***۶. کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی در معنی پی بردن به حقایق است ***۷. افشرد، شیر/ برگزیده، برتر/ زیور و زینت
۲. (منسوب: نسبت داده شده. هم آوای آن: منصوب: برقرار شده، به مقامی گماشته شده)
۳. الف: حذف به قرینه معنوی فعل «است» بعد از «به» در مصرع اول *** (۲. حذف معنوی: فعل «هستند» در مصرع اول فرمانبردار (هستند) ***۳. حذف به قرینه لفظی «سنگ آمد» بعد از «گهی از در (سنگ آمد)» / حذف به قرینه لفظی فعل «شد» بعد از گهی سر (خونین شد) ***۴. حذف فعل «است» به قرینه معنوی در پایان هر دو مصرع ***۵. حذف فعل «است» به قرینه معنوی بعد از «رسیده و کشیده»
۴. الف: قربت: نزدیکی // غربت: دوری... (ب) حیات: زندگی/ حیاط: محوطه *** در هر دو گزینه، حذف به قرینه لفظی داریم. الف: فعل «است» بعد از نعمت، حذف شده. در گزینه «ب» فعل «است» بعد از ذات، حذف شده / (پ: ۱۱) سجع در واژه های قربت و نعمت / ۲: سجع در حیات و ذات) *** (ث) علاوه بر سجع، تلمیح به آیه ۷ سوره ابراهیم دارد: «لئن شکرتم لأزیدنکم: اگر شکر گزار بنعمت ها بودید، نعمت هایم را افزون خواهم نمود.» همچنین ضرب المثل «شکر نعمت نعمت افزون کند / کفر نعمت، از کفت بیرون کند» را فریاد می آورد.
۵. الف) حرف اضافه: برای (تخصیص) (ب) رای فک اضافه (سر اطفال شاخ) (پ) به معنی حرف اضافه «به» (ت) فک اضافه * (ث) حرف اضافه به معنی «برای» * (ج) حرف اضافه به معنی «برای»
۶. ربط (پیوند)
۷. الف) نوع «واو» در مصرع اول، عطف است. در مصرع دوم، ربط است / (ب) «واو» در مصرع دوم، ربط (پیوند) است / (پ) نوع جمله، با توجه به حرف پیوند ساز «تا»، جمله، از نوع جمله مرکب است.
۸. الف) انبساط *** (ب) اعراض *** (پ) انابت *** (ت) مکاشفت *** (ث) مراقبت
۹. الف) بهر * (ب) قربت * (پ) شبه * (ت) انابت
۱۰. مضاف الیه برای «راهنما»: راهنمای من
۱۱. الف) «م» در گلم و دامنم، جهش ضمیر دارند. «م» در «گلم»: در نقش مفعول / در «دامنم»: مضاف الیه «دست» (دست من) *** (ب) «ت» در جویمت، مضاف الیه «نشان» (نشان تو) مضاف الیه / «ت» در جویمت مصرع دوم: مفعول: تو را می جویم *** (پ) «م» در هر گرم: مضاف الیه «جان» است

قلمرو ادبی

۱۲. پاسخ: الف: اضافه تشبیهی *** ب: ما عبدناك حقَّ عبادتك / ما عَرَفْنَاكَ حقَّ مَعْرِفَتِكَ *** پ: سجع *** حذف فعل «هستند» به قرینه معنوی، بعد از معترف و منسوب .
۱۳. وصف ناپذیری اوصاف خداوند و تحیر و سرگشتگی بنده از وصف خداوند.
۱۴. «که» در مصرع اول: ضمیر پرسشی است در معنی چه کسی / که در مصرع دوم: حرف ربط وابسته ساز است.
۱۵. پاسخ: الف) دست: مجاز از «قدرت و توانایی» - زبان: «مجاز از سخن گفتن» * ب) تضمین
۱۶. پاسخ: الف: استعاره مصرحه از سبزه ها چمن ها *** بوی گل: استعاره مصرحه از جلوه های عشق و معرفت الهی. ***
ب) دامنم از دست برفت: کنایه از «از خود بی خود شدن» «از دست رفتن اختیار و اراده» *** پ) فرآش باد صبا / دایه ابر بهاری / بنات نبات / مهد زمین / قبای سبز ورق ***
۱۷. پاسخ: به ترتیب عاشق غیر واقعی *** عاشق واقعی
۱۸. پاسخ: ۱) تشخیص و استعاره مکنیه * ۲) مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانَهُ * ۳) کنایه
۱۹. استفهام انکاری در هر دو مصرع. چه غم: غمی نیست / چه باک: باکی نیست * دیوار امت: اضافه تشبیهی * اشاره به داستان نوح: تلمیح * پشتیبان: کشتیان: جناس ناهمسان * نوح و بحر و موج و کشتیان: مراعات نظیر * تکرار: چه * واج آرای مصوت «ا» * اسلوب معادله (مصرع دوم مثالی است برای مصرع اول). ایهام تناسب: پشتیبان: در اینجا به معنی حامی و در معنی دیگر چوبی که جهت استحکام به پشت دیوار می زند با دیوار تناسب دارد.

قلمرو فکری:

۲۰. الف) عارفان و خداشناسان *** ب) کنایه از «از خود بی خود شدن، اختیار از دست رفت» *** پ) کنایه از در حالت تفکر عارفانه، قلب خود را از هر چه غیر خداست حفظ کردن / تفکر عارفانه *** ت) استعاره از عالم غیب و مکاشفه
ث) جیب مراقبت: اضافه استعاری (تشخیص) / بحر مکاشفت: اضافه تشبیهی.
۲۱. پاسخ: تأکید بر راز داری در عشق و بی ادعایی (مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانَهُ)
۲۲. الف) وصف ناپذیری خداوند ب) بی دل: کنایه از عاشق * بی نشان: کنایه از معشوق (خداوند) *** پ) غیر ساده (مرکب)
۲۳. الف) وسیم ب) نسیم پ) جسیم ت) مطاع .
۲۴. ۱. سپاس خداوند عزیز و بلند مرتبه را که اطاعت از او موجب نزدیکی به او می شود و شکر نعمت هایش باعث افزایش نعمت می شود. ۲. شکوفه را همچون کلاهی به خاطر آمدن فصل بهار بر سر شاخه های کوچک قرار داده است. ۳. شیره ی درخت انگوری به قدرت خداوند به شیرینی برگزیده و خوبی تبدیل شد و هسته ی خرما با پرورش او (خداوند) به نخل بلندی تبدیل شد. ۴. پرده ی آبروی بندگانش را به خاطر گناهان فاحش و قطعی آن ها نمی دزد (آبرویشان را نمی ریزد) و روزی مقرر شده را به خاطر خطاهای زشت انسان قطع نمی کند. ۵. به عنوان هدیه و تحفه ی عید نوروز بر تن درختان لباسی از برگ های سبز پوشانده است.

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌شست - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۶. هسته کوچک خرمایی به واسطه پرورش وی تبدیل به درخت خرماى بلندی شده. ۷. هرگاه نفس را به داخل می کشیم باعث ادامه ی زندگی است و وقتی بیرون می آید باعث شادی جان می شود. ۸. مجددا بنده گنهکار، خداوند را مورد خطاب قرار می دهد (و از وی طلب بخشش و مغفرت می کند)؛ ولی خداوند روی برگرداند. ۹. به ابر بهاری که همچون دایه ای است دستور داده تا دختران گیاه را در گهواره زمین پرورش دهد.

۱۰. هرگاه نفس را به داخل می کشیم باعث ادامه ی زندگی است و وقتی بیرون می آید باعث شادی جان می شود. ۱۱. یکی از خداشناسان به حالت تأمل و تفکر عارفانه فرو رفته بود. ۱۲. خبر: حدیث. صفوت: برگزیده ۱۳. بر سر شاخه های کوچک با رسیدن فصل بهار کلاهی از شکوفه گذاشته است. ۱۴. گوشه نشینان کعبه ی جلال الهی به کوتاهی کردن در عبادت اعتراف می کنند. ۱۵. برگزیده آدمیان و باقی مانده گردش روزگار (حضرت محمد (ص)) ۱۶. به یادم بود وقتی به درخت گل برای هدیه ی دوستان دامنم را پر از گل کنم وقتی رسیدم بوی گل چنان مرا مست کرد که اختیارم را از دست دادم.

۲۵. کوتاهی کردن در عبارت (گناه)

۲۶) ستار العیوب (پوشاننده ی عیب ها یا عیب پوشی)

۲۷) (ناتوانی بنده از سپاسگزاری شایسته خداوند)

۲۸) مرغ سحر استعاره از کسانی که ادعای عشق دارند. پروانه: عاشق حقیقی.

۲۹) سکوت عاشقان واقعی در برابر مصائب و مشکلات راه عشق/عاشقی و خاموشی و بی ادعایی/پاکبختگی و بی ادعایی

۳۰) خداوند منعم و رزاق، ستار العیوب.

۳۱) سبزه ها

۳۲) جمال حق، جلوه ای از جمال حق.

الف. رزاق بودن **** ب. روزی ای که برای هر کس مقرر شده است.

۳۳) الف). پشت گرمی امت به پیامبر(ص) / لزوم همراهی حامی و پشتیبان ** ب) حضرت محمد (ص)

۳۴) الف) ناتوانی انسان در شکرگذاری از الطاف خداوند. ب) (تجیر و سرگشتگی و ناتوانی انسان از شناخت خداوند بزرگ)

پ) خاموشی و سکوت عاشقان واقعی ** ت) بی ادعایی و بی خبری عاشق حقیقی از وجود خویش

پانزدهم سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه گودشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۳۵) معنی: گوشه نشینان بارگاه باشکوه خداوند به کوتاهی خود در عبارت اقرار می کنند و می گویند: آن چنان که شایسته توست ، تو را نپرستیدیم. (مفهوم: عجز انسان در عبادت)

۳۶) فراگیر بودن و عام بودن رحمت خدا.

درس دوم: مست و هوشیار

قلمرو زبانی:

سوال ۱) ۱. تاوان، جبران خسارت مالی / ۲. کیفر و مجازات شرعی / ۳. ناخوشایند داشتن امری / ۴. حاکم و فرمانروا / ۵. مأمور حکومتی شهر که کار نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود. / ۶. خمّار: می فروش / ۷. ننگ و عیب / ۸. آنچه مربوط به امور دینی است.

۲. پاسخ: (شویم: در معنای برویم فعل ناگذر) - (نیست: حاضر نیست یا وجود ندارد فعل ناگذر/اسنادی نیست!)

۳. گزینه ۱ در معنی «نابود شدن»، بقیه موارد در معنی «وجود ندارد»

۴. پاسخ گزینه پ) ***الف) (شد: در معنی رفت. فعل ناگذر است و اسنادی نیست) ***ب) (شد: رسید/اسنادی نیست)

***پ) (شد: اسنادی) ت) (شد: رفت/ اسنادی نیست... شده: مرده)

۵. پاسخ: (والی در مصراع نخست: مضاف الیه) _ (والی در مصراع دوم: نهاد)

۶. پاسخ: (مسجد در مصراع نخست: متمم) و (در مصراع دوم نهاد)

۷. (خابگاه: صحیح آن «خابگاه» است)

۸. پاسخ: الف: رای فکّ اضافه ب: حرف اضافه به معنی «به»

۹. پاسخ: نهاد - مفعول - مفعول - مسند.

۱۰. نهاد - مسند

۱۱. حذف واژه «جامه» به قرینه لفظی: (جامه ام) پوسیده است. / (جامه ام) جز نقشی ز پود و تار نیست.

۱۲. الف) (پاسخ: مسند - قید - نهاد - مسند) ب) (پاسخ: مفعول - نهاد - مسند)

۱۳. الف) (مسند/ متمم / نهاد) ***ب) (جهش ضمیر دارد و نقش مضاف الیه برای واژه سر. سرت (سر تو)

۱۴. گزینه ۳.. حذف فعل «است» به قرینه معنوی بعد از «به».

۱۵. پاسخ: مضارع التزامی * برَم: بیرم

۱۶. الف: (متمم - مسند) * ب) (حذف نهاد به قرینه لفظی / جامه ام پوسیده است: و جامه ام جز نقشی ز پود و تار

نیست. بخش حذف شده، نهاد است.

قلمرو ادبی

۱۷. هر دو با بهره گیری از شیوه طنز و با بیانی ساده، به ترسیم فساد و تزویر اجتماع عصر خود می پردازند.

۱۸. الف: (بیدار: ایهام دارد: نقطه مقابل خواب ۲. هوشیار و آگاه) ***ب) (هشیار: ایهام دارد. ۱. مقابل مست؛ یعنی کسی که

اهل باده نویسی نیست. ۲. آگاه و خردمند)

پانزدهمین سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱۹. پاسخ: مراعات نظیر (تناسب) حد زدن و مست - تکرار: هشیار - هشیار و مست: تضاد - واج آرای: تکرار صامت «ر»
۲۰. پاسخ: کنایه از بی اعتباری
۲۱. الف: تضاد (مست و هشیار) ، تکرار (هشیار) ، کنایه (اینجا کسی هشیار نیست: غفلت و آلوده بودن جامعه)
- ب: تضاد (افتادن و خیزان) ، تکرار (نیست) ، کنایه (هموار نبودن راه: رواج و گسترش فساد در جامعه) . حسن تعلیل.
۲۲. الف) کنایه از تغییر و تحول اساسی (ب) کنایه از ترک تعلقات دنیوی (پ) (کنایه از درگیر شدن).. کنایه تعریض گونه ای در جمله این پیراهن است افسار نیست، نیز وجود دارد: کنایه از اینکه من انسانم نه حیوان. (کنایه مشهود در این بیت همان گریبان گرفتن ، است).

قلمرو فکری

۲۳. گسترش و رواج رشوه خواری در جامعه روزگار شاعر
۲۴. در قدیم بدون کلاه و دستار در بین مردم حضور پیدا کردن، بی ادبی محسوب می شد.
۲۵. الف) (تهدید به اجرای مجازات/ فراگیر بودن فساد در جامعه)** (فساد پنهانی حاکمان)** (رشوه خواری محسوب/ حرام بودن رشوه در دین)
۲۶. الف) معنی: محتسب گفت: تو به خاطر مست بودن تعادل نداری، مست گفت: جرم و گناه از راه رفتن من نیست بلکه از جامعه نا به سامان است. (مفهوم: بی تعادلی/ نا به سامان ی جامعه، موجب انحراف)
- ب) محتسب گفت: به عنوان جریمه و تاوان، لباس را از تنت در می آورم، مست گفت: به خاطر فقر، لباس من پوشیده است و تنها طرحی از تار و پود از آن برجای مانده است. (ظلم و بی قانونی/ فقر)
- پ) محتسب گفت: انسان هوشیار و آگاه باید مست را مجازات کند. (به این معنی که من که اکنون هوشیار هستم باید تو را مجازات کنم) مست گفت: من در این شهر، شخص هوشیار و آگاهی نمی بینم، پس تو هوشیاری را پیدا کن تا مرا مجازات کند. (مفهوم: تهدید به مجازات شرعی/ فراگیری فساد در جامعه عصر شاعر)
۲۷. یعنی بحث میزان و اندازه حرام و گناه نیست چرا که حرام، حرام است چه بیشتر چه کمتر/ همچنین بی اطلاعی محتسب از احکام شرعی.
۲۸. رواج حماقت و توجه به سنت های خرافی و ظاهری در جامعه روزگار شاعر / برتری عقل بر آیین های خرافی /
۲۹. ۱. مدعیان: نهاد - طلب: متمم / ۲. مس: متمم - مردان: متمم ۳. خوابگاه: مسند ۴. کار: نهاد - کار: مسند
۳۰. هر دو به «رشوه خواری و باج خواهی حاکمان زورگو در جامعه و فقر حاکم بر جامعه عصر شاعر» اشاره دارد.
۳۱. الف: (متمم/ نهاد/ مسند) ب: (یک دم: ترکیب وصفی در نقش قید/ غریق: مسند / تر: مسند)** (پ) هر دو بیت جمله مرکب هستند.
۳۲. ۱. (مفهوم: تأکید سالک و رونده راه حقیقت بودن که لازمه آن خاکساری است)** ۲. (مفهوم: کوشش برای پختگی و کمال در راه عشق)** ۳. (مفهوم: شرط رسیدن به کمال عشق ، فنا فی الله و ترک تعلقات دنیوی است)** ۴. مفهوم: توصیه به ریاضت در راه معرفت حق / و توصیه به ترک امیال نفسانی)** ۵. (مفهوم: کمال عشق در عشق به خدا محقق می

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

گردد.)

۶. (مفهوم: عاشق با پناه بردن به عشق الهی از حوادث در امان است.) ****۷. (مفهوم: لازمه رسیدن به معرفت حق، فنا فی الله است) ****۸. (مفهوم: شرط رسیدن به بصیرت و آگاهی از حق، قدم نهادن در مسیر حق است.) ****۹. (مفهوم: رسیدن به کمال، فنا فی الله است و ترک تعلقات دنیوی) ****۱۰. (مفهوم: شرط وصال به حق، تواضع و فروتنی در مقابل عارفان و اهل کمال است)

۳۳. ۱. (ضمیر «ت» در نقش، مفعول) ۲. (ضمیر «ت» در نقش مضاف الیه: جان تو) ۳. (ضمیر «ت» در نقش مضاف الیه: نظر تو)

درس سوم: آزادی / دفتر زمانه

قلمرو زبانی

۱. الف: خانه غم و اندوه، ماتمکده (ب شیوه و روش (پ طرف: کناره، کنار
۲. الف: (قید/ مفعول/ قید) ب: (مسند/ مسند)
۳. مسلک: هسته / مرغ: وابسته (مضاف الیه) (گرفتار: صفت مضاف الیه) (قفس: مضاف الیه مضاف الیه)
۴. الف) (آن جامه در نقش نهاد به قرینه لفظی حذف شده. که آن جامه ننگ تن و کم از کفن است.) **
(ب) واژه فکری به عنوان مفعول، در مصرع دوم بنا به قرینه لفظی حذف شده. (که هر کس فکری نکند.)
۵. کل مصرع دوم: نهاد است. که محترم نیز نقش مسند آن را دارد. / (در ضمن، نهاد مصرع دوم هم محسوب می شود.)
۶. نقش «ش» مفعول است.
۷. آن جامه حذف به قرینه لفظی است. در نقش نهاد
۸. نهاد: «هر کس که فکر جامه را محترم نداشت»
۹. ربط (پیوند)

قلمرو ادبی

۱۰. اشاره به داستان حکومت چهل روزه یکی از جنیان به نام «صخر» به جای سلیمان با ربودن انگشتر حکومت او: تلمیح/ سلیمان، اهریمن: تضاد
۱۱. غرقه به خون شدن: کنایه از کشته شدن ** کم از کفن بودن: کنایه از بی ارزش بودن.
۱۲. الف) دلم: مجاز از وجودم **** ب) کم و بیش: تضاد / واج آرایبی صامت «م» / تکرار: غم // کم و بیش: بیش و کم: طرد و عکس / غم: کم: جناس ناهمسان.
۱۳. مس وجود: اضافه تشبیهی / کیمیای عشق: اضافه تشبیهی / تشبیه: مانند کردن «تو» به «مردان حق» / مانند کردن «تو» به «زر»: تشبیه **** مردان ره: مجاز از اولیاء الله (انسان کامل) / دست شستن: کنایه از ترک کردن/ زر شدن: با ارزش شدن و متعالی شدن / واج آرایبی مصوت «ی» / مس و زر: تضاد مفاهیم / مراعات نظیر.

پانزدهمین سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱۴. الف) کنایه از عدم سرخوشی * (ب) جام: جم: جناس ناهمسان (افزایشی) * * من: می: جناس ناهمسان (اختلافی) * * با، ما، با: جناس ناهمسان (اختلافی) * (پ) حرف اضافه در معنی «برای» * (ت) واو عطف * (ث) تهی: مسند/ فراغتی: نهاد.
۱۵. الف: عارفان * * * ب: سر: مجاز از فکر * * * * پ: کنایه از فروتنی کردن * * * ت: مفهوم: پیروی از عارفان واقعی موجب رسیدن به معشوق ازلی.
۱۶. الف: مرغ اسیر: استعاره از شاعر (عارف قزوینی) / مرغ: در مصرع دوم در معنای حقیقی بکار رفته است * * (ب) مرغ اسیر: شاعر * * * * (پ) ناله: نهاد / من: متمم: (همچو من) برای فعل «است»، نقش «مسند» دارد.

قلمرو فکری

۱۷. احترام گذاشتن به اندیشه جامعه
۱۸. احترام به عقاید و افکار عمومی مردم.
۱۹. عدم وابستگی به بیگانگان
۲۰. چون شاعر غم و غصه کم و زیاد داشتن را نمی خورد و انسان قانعی بود.
۲۱. شاعر (عارف قزوینی)
۲۲. انسان های آگاه و روشنفکر
۲۳. موافق * ثابت قدم * عدالت خواه.

درس پنجم: دماوندیه

قلمرو زبانی

۱. الف: (اورند/ تخت) * * ب: سفله * * پ: یخ زده و منجمد * * ت: ضماد: مرهم و دارو که به جراحات نهند
ث: آرام آرام، به آرامی - پس افکنند: میراث * * * ج: سفله: فرومایه و بد سرشت * * چ: کُله خُود: کلاه خود: کلاه فلزی که در جنگ بر سر می گذارند. / آوند: آونگ، آویزان و آویخته * * * ح: معجر: روسری، سرپوش / شرز: خشمگین و غضبناک.
۲. الف: ارغند ب: سریر پ: ضماد ت: معجر
۳. الف) (ترکیب اضافی: مشت روزگار / گردش قرن ها) * * (ب) (ترکیب اضافی: داد دل / دل مردم)
۴. الف) ۱: نهاد/ مسند/ واو: ربط ۲: منادا / ترکیب وصفی: چند ضربتی در نقش مفعول * * ترکیب اضافی: بیت ۱: جور گردون- بیت ۲: مشت زمین * * * ترکیب وصفی: بیت ۱ ندارد .. بیت ۲: ضربتی چند: چند ضربتی: (چند: صفت مبهم/ ضربت: هسته) * * * * (پ) ربط (پیوند) (ت) بیت ۱ شیوه بلاغی / بیت ۲: مصرع اول: عادی... مصرع دوم: شیوه بلاغی.
۵. (منادا/ نهاد/ مسند)
۶. (جهش ضمیر دارد و در نقش مضاف الیه روی است. روی تو).. روی: مفعول / تو: مضاف الیه
۷. الف) (شاخص / شاخص / شاخص / مسند) * * (ب) (عن قریب / فغانی)

قلمرو ادبی

۸. الف) (آتش: استعاره از خشم درونی)

ب) «کله خُود سیم» استعاره از برف و «کمر بند» استعاره از بخش میانی کوه که پوشیده از سنگ و صخره و بدون برف است.

پ) «ورم» استعاره از برآمدگی کوه دماوند و «کافور» استعاره از برف است.

۹. قلمرو ادبی: واج آرایبی در «ب» به منظور اصرار در برکندن نظام ظالمانه پهلوی / از بن برکندن: کنایه از نابود کردن کامل

از ریشه برکندن: کنایه از نابودی کامل / برکن، بر کند: اشتقاق / «بنا» در مصرع اول: استعاره از ظلم / بنای ظلم: تشبیه (ظلم به بنا

تشبیه شده است) / باید بر کند: فعل مصرع دوم

معنی بیت: این بنای ظلم را نابود کن زیرا بنای ظلم را باید از ریشه بر کند و نابود ساخت.

۱۰. حسن تعلیل.

۱۱. (قالب شعر دماوندیه، قصیده است / قالب شعر مست و هوشیار، قطعه است.)

۱۲. الف: اورند: اورنگ، تخت. مجازاً: فر و شکوه شأن و شوکت. * * * ب: این سپید معجز: ترکیب وصفی مقلوب. استعاره از

برف روی کوه / معجز: هسته / این: صفت پیشین (اشاره) / سپید: صفت بیانی (مطلق) / سپید معجز و کبود اورند: ترکیب وصفی

مقلوب (معجز سپید، اورند کبود). یکی کبود اورند: اورند: هسته / یکی: صفت پیشین / کبود: صفت بیانی

پ) بر اورند نشستن: کنایه از قدرت‌نمایی کردن، حکومت کردن / معجز سپید بر سر داشتن: کنایه از ناتوانی و عجز.

ت) ای دماوند دست از ناتوانی بکش و قدرت خود را نمایان کن. * * * ث: مخاطب شاعر کوه دماوند است.

۱۳. الف) شیر سپهر: استعاره مصرحه از آفتاب (به اعتبار آن که برج اسد خانه اوست) / اختر سعد: ستاره مشتری است که سعد اکبر

است / تشخیص: پیمان بستن دماوند با خورشید / پیوند دماوند با مشتری / اختر، سپهر: تناسب // کنایه: مصرع اول و دوم کنایه‌ای

از ارتفاع یافتن دماوند هستند. / بیت دارای اغراق است / این بیت حُسن تعلیل نیز دارد: شاعر علت ارتفاع یافتن دماوند را تلاش

او برای دوری از مردم زمانه می‌داند.

معنی بیت: با آفتاب پیمان بسته‌ای و با ستاره مشتری پیوند و ارتباط برقرار کرده‌ای

مفهوم: بلندی و رفعت کوه دماوند

ب) آتش دل: استعاره از خشم درونی سوختن جان: کنایه از نابود شدن

«ت» در «جانت» در هر دو مورد نقش مضاف الیهی دارد. (قلمرو زبانی)

توجه: فعل «می‌خورم» به قرینه معنوی محذوف است و بیت سه جمله دارد. (قلمرو زبانی)

معنی بیت: اگر آتش درونت را بیرون نریزی و در دلت پنهان کنی به جان تو سوگند می‌خورم که جانت (وجودت) را نابود می‌سازد.

۱۴. الف: اختر سعد: مجاز از آسمان. ب: سر: مجاز از موی سر

۱۵. الف) دَم: ایهام دارد. ۱. نزدیک ۲. نفس * * * ب) فسرده: ایهام: ۱. یخ زده ۲. پژمرده * * * پ) آتش: ایهام. ۱. خشم

۲. گدازه درون کوه * * * ت) خامش: ایهام: ۱. بدون فوران آتش ۲. ساکت و بی سخن - افسرده: ایهام: ۱. یخ زده ۲.

پژمرده * * * ث) آتش: ایهام. ۱. خشم ۲. گدازه درون کوه * * * ج) آتش: ایهام. ۱. خشم ۲. گدازه درون کوه.

۱۶. کنایات روان خوانی درس پنجم در صورت سوال ها ذکر شده است.

پانزدهمین سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

قلمرو فکری

۱۷. دماوند: آزادی خواهان و مبارزان و آگاهان خاموش جامعه / سوخته جان: خود شاعر (ملک الشعراى بهار)
۱۸. پی: پایه، اساس / اساس تزویر: پایه‌های حکومت ریاکار، اضافه استعاری / از پی افکندن: کنایه از نابودی کامل / از پی گسلیدن: کنایه از نابودی کامل
- تزویر: دروغ‌پردازی، فریب دادن، دورویی کردن، ریاکاری / پی، اساس: تناسب
- این نژاد و پیوند: منظور شاهان سلسله پهلوی / نژاد پیوند: تناسب
- موازنه: کلمات دو مصرع در قرینه هم دیگر، هم وزن هستند.
- معنی بیت: پایه‌های این بنای ظلم و ریا را ریشه کن ساز و نسل و نژاد این حاکمان ظالم را نابود کن.
- مفهوم: دعوت به ظلم ستیزی و نابودی ظلم حاکم بر اجتماع در دوره شاعر
۱۹. شاعر از تشبیه کردن کوه دماوند به مشت درشت روزگار پشیمان است؛ زیرا لازمه اعتراض و قیام، جوش و خروش و تکاپو است، حال آنکه دماوند ساکت و آرام است.
- زیرا مشت نشانه اعتراض و پرخاشگری است در حالی که دماوند در موضع قیام و اعتراض نبوده و خاموش و ساکت است در نتیجه از تشبیه دماوند به مشت روزگار منصرف می‌شود و دماوند را به عنوان مظهر درد و اندوه جامعه به قلب منجمد زمین تشبیه می‌کند و حالت خفقان حاکم بر جامعه را توصیف می‌کند.
۲۰. برای این که چشم بشر، چهره او را نبیند و از مصاحبت و هم‌نشینی مردم نادان و شوم دیوصفت که در برابر ظلم و ستم، سکوت اختیار کرده‌اند، دور باشد.
۲۱. مفهوم نهفته در هر دو بیت، دعوت به اعتراض کردن و عدم پنهان کردن خشم و درد و اعتراض
۲۲. الف: دماوند نماد آزادی خواهان جامعه، آگاهان خاموش جامعه که به وضع نابسامان جامعه قانع بوده و اعتراضی نمی‌کنند. ب: دعوت به ترک موضع ضعف و بازگشت به اعتبار و شکوه پیشین.
۲۳. غمگین نبودن و روحیه خود را از دست ندادن / اعتراض و قیام کن.
۲۴. الف) (دعوت به اعتراض و قیام بر علیه استبداد و خفقان حاکم بر اجتماع رژیم شاهنشاهی)
- ب) (هشدار از بدفرجامی پنهان کردن خشم و خروش و اعتراض نکردن بر علیه ظلم)
- پ) (دعوت به گرفتن انتقام از استبداد طبقه حاکم / ارج نهادن به خردمند و نکوهش بی‌خردان).

درس ششم: نی نامه

قلمرو زبانی

۱. الف: فریاد و زاری با صدای بلند * * ب: پنهان و پوشیده * * پ: (پاره پاره - مونس، همراز و درد آشنا)
- (گمان / رهروان راه حق که از سیر به سوی حق شادمان اند).
۲. الف: حرف اضافه در معنی «برای» برای چشم و گوش آن نور وجود ندارد. البته می‌توان «را» مالکیت هم در نظر گرفت: چشم و گوش آن نور را ندارد. ب: مسند

پاسخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۳. پاسخ: بی بهره از عشق - ملول و خسته شد.

۴. ۱. وزیر ۲. اجازه و رخصت

۵. پاسخ: الف) شرحه ب) اشتیاق

۶. الف: (= به معنی گذشتن و سپری شدن زمان) ب: (= به پایان رسیدن روز و به آخر رسیدن آن)

۷. الف: (حریف: مسند / پرده های: مفعول) ب: (حذف فعل «است» به قرینه معنوی در مصرع اول: «نی حریف هر که از یاری برید (است)»)

قلمرو ادبی

۸. (متناقض نما/ پارادوکس) الف: (دور نبودن سر: متناقض نما/ پارادوکس)

ب: همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ (زهر و تریاق بودن نی: متناقض نما)

پ: (محرم هوش بودن بی هوش: پارادوکس/ متناقض نما)

۹. نیستان: استعاره از عالم معنا/ مجاز: مرد و زن (همه موجودات) / تناسب هم دارند / واج آرای صامت «ن»

۱۰. تشبیه: بانگ نی به آتش // جناس همسان در نیست باد / استعاره: آتش استعاره از عشق است // نی: ایهام دارد: حلق انسان و ساز نی / باد و آتش: تضاد // بیت دو قافیه دارد: ذوقافیتین

۱۱. فکری: اگر نی به ناله و حنین پُر سوز و گداز می افتاد به خاطر آتش عشقی است که در آن افتاده و موجب نوای حزین آن شده است و اگر باده می جوشد آن هم به خاطر جوشش عشق است.

۱۲. مفهوم: فراگیر بودن عشق // منشأ حرکت و جنبش موجودات از عشق است.

۱۳. آرایه های ادبی بیت فوق را بنویسید. ادبی: ترصیع // آتش عشق: اضافه تشبیهی // نی و می: مجاز از همه موجودات // نی و می: جناس // جوشش عشق: اضافه استعاری / تکرار: عشق. افتاد. است // واج آرای «ش» // حسن تعلیل: سوزش نی و جوشش می در اثر عشق.

۱۴. الف: (پاسخ: «نیست باد» در مصراع اول و دوم جناس تام دارد، «نیست» در مصراع اول فعل و در مصراع دوم اسم است به معنای «نابود باد» - «باد» در مصراع اول اسم و در مصراع دوم فعل دعایی است).

ب: (پرده اول: آواز و نغمه / پرده دوم: اسرار، راز)

پاسخ: ب- هر یک از دو مصراع استقلال معنایی دارند و یکی از طرفین معادل و مصداقی برای تایید مفهوم طرف دیگر است

۱۵. پاسخ: «نیستان» استعاره از عالم معنا

۱۶. سینه: مجاز از انسان // واج آرای: صامت «ش» // درد اشتیاق: اضافه تشبیهی // شرح: شرحه: جناس

قلمرو فکری

۱۷. نی: انسان آگاه به حقایق عالم معنا / نیستان: نماد عالم معنا و مبدأ.

۱۸. پاسخ: الف. عاشق واقعی. ب. آن که راه عشق نسپرده، از حال عارف واصل بی خبر است.

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱۹. هر کس که از اصل و مبدأ خود دور افتاده باشد، سرانجام به تکاپو می‌افتد و روزگار وصال خود را می‌جوید تا بدان نائل شود.
(این بیت سیر کمالی موجودات بخصوص انسان را بیان داشته است.)
- مفهوم: دوری از اصل و مبدأ / اشتیاق به بازگشت
بیت فوق به «کلُّ شیءٍ یرجعُ الی أصله»
بیت فوق با ابیات زیر، قرابت معنایی دارد:
۱. ما به فلک بوده ایم یار ملک بوده ایم // باز همان جا رویم، جمله که آن شهر ماست
 ۲. جنبش جمله سوی اصل خود است // چون یکی، اصل جمله، عدد است
 ۳. هم به اصل خود رود این خط و خال // دائما در آب کی ماند خیال
 ۴. ما ز دریایم و دریا می رویم // ما ز بالایم و بالا می رویم
 ۵. دل، قطره ای ز شبنم دریای عشق اوست // کز راه دیده باز به دریا همی رود
۲۰. مفهوم مشترک: استغنا عارفانه
۲۱. الف: دشوار و پر خطر بودن راه عشق / ب: آشکار بودن راز عشق / محدودیت درک بشری / انعکاس درون در بیرون. پ:
اشتیاق پایان ناپذیر عاشق / ت: فراگیر بودن عشق / حیات و حرکت موجودات از عشق.
۲۲. الف: همدم. ب: افشا کردن راز
۲۳. پاسخ: الف. بازگشت به سوی حق. ب. خوش حالان رهروان راه حق اند که از سیر به سوی حق شادمان اند.
۲۴. معنی: به عنوان مثال با اینکه جسم و جان به هم پیوسته‌اند و هیچکدام از دیگری پوشیده و نهفته نیست، ولی کسی اجازه ندارد که جان را ببیند. یعنی آنان که اسیر جسم و جسمانیات هستند، نمی‌توانند روح لطیف را ادراک کنند.
مفهوم: (پنهان نبودن روح و جان از هم // قابل رؤیت نبودن روح)

درس هفتم: در حقیقت عشق

قلمرو زبانی

۱. الف: واجب ب: مرگ، موت پ: (اقامت، مکان ت: شیدایی، خیال، دیوانگی، اشتیاق ث: محب: دوستدار، یار و عاشق / حبیب: یار، محبوب.
۲. واژه «بحر» در این عبارت اشتباه است و باید به صورت «بهر» باشد.
۳. الف) (نغمه) ** ب) مضاف الیه / مسند / گروه نهادی) ** پ) (وصفی: این نغمه // اضافی: نغمه محبت، آواز باد، آواز باران (**ت) نوع «او» (عطف)
۴. (حیات: زندگی / هم آوای حیات، حیاط است به معنی: محوطه، صحن خانه)
۵. الف) (حذف فعل «است» به قرینه لفظی بعد از واژه «کمال») ب) واژه های سجع: جمال و کمال
۶. الف - سودایی

پانزدهم سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۷. الف: نهاد - مسند ب: (مسند) پ: (گروه نهادی / مسند) نوع «را»: حرف اضافه به معنی «برای» ت: (بدل - مسند)

۸. الف: (مفعول - نهاد - قید) ب: نوع «را»: حرف اضافه به معنی «به»

۹. الف: (نهاد - مسند - نهاد) ب: معاد معنایی واژه: شیدایی: دیوانگی و سودایی

قلمرو ادبی

۱۰. در عشق قدم نهادن کسی راست که با خود نباشد و ترک خود کند: کنایه از کنار گذاشتن خودخواهی

۱۱. پاسخ: آیینۀ نگاهت: اضافه تشبیهی / صبح ستاره باران: تناقض (متناقض نما)

۱۲. الف: جناس: جمال و کمال ب: تشبیه: معرفت و عشق به نردبان تشبیه شده است پ: کنایه: ترک خود کند

۱۳. واژه های (ندهد - نکند - ننماید) آرایه سجع دارند.

قلمرو فکری

۱۴. مفهوم مشترک هر دو گزینه: لزوم شایستگی در عشق.

۱۵. هر کس که عاشق نیست، نشانه این است که متبکر و پرکینه و مستبد است. عاشقی، بی هوشی و ترک خودخواهی و رهایی از تکبر و غرور است. مفهوم: نشان عاشق واقعی، ترک خودخواهی و بی تعلقی است.

۱۶. الف) بدر راه عشق کسی می تواند قدم بگذارد که جانش را نادیده بگیرد؛ با جان بودن نمی توان در راه عشق حرکت کرد.

ب) در این دنیای کهن هر کجا که جوانی هست؛ الهی که همیشه عاشق باشد چرا که عشق شوری بسیار زیبا است.

۱۷. پاسخ: برتری عشق بر عقل

۱۸. مفهوم هر شش گزینه سوال ۱۸: شرط وصول به عشق و کسب شایستگی برای ورود به وادی عشق، ترک تعلقات دنیوی و کنار گذاشتن خود است.

۱۹. پاسخ: الف) عاشق واقعی ب) آتش

۲۰. مفهوم مشترک هر دو گزینه: حیات بخشی عشق / وابسته بودن زندگی عاشق به عشق / منشأ وجود عاشق از عشق است.

۲۱. مفهوم مشترک هر دو گزینه: شرط ورود به حریم حُسن، این است که عشق در وجود عاشق باشد.

۲۲. پاسخ: هر دو گزینه به برتری عشق بر عقل اشاره دارند.

درس هشتم: از پاریز تا پاریس

قلمرو زبانی

۱. واژه های مشخص شده را معنی کنید.

الف) (زودگذر) / ب) (خمیده) / پ) (توقف کوتاه) / ت) (سقف خمیده) / ث) (بعید بودن) /
ج) (نوعی جامه بلند و گشاده، ردا) / چ) (جراره: نوعی عقرب زرد رنگ. / غاشیه: ماری در جهنم) / ح) (پرده نقاشی ای که روی نوعی سقف مدور وصل شده)

۲. با توجه به معنی واژه ها؛ کدام کلمه از نظر املايي نادرست است؟

مار قاشیه بسیار خطرناک (غاشیه) - کاذبه و جا کاغذی (کازیه) - هواله و سند (حواله) - استبحاد و بعید (استبعاد) - تبق و سینی (طبق) -

۳. الف) (تک و تنها / بی نظیر مقابل جفت) ** ب) (ایوان / سقف) ** پ) (خمیدگی و قوس) ** ت) (سقف)

۴. (ضمیر پیوسته «ش»، جهش ضمیر دارد. مضاف الیه «نام» است. «نامش»)

۵- ۱) قدرت قلم نویسنده : (قدرت: هسته / قلم: وابسته اول مضاف الیه / نویسنده: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

- ❖ - یک چمن داغ : (داغ: هسته / یک: صفت شمارشی اصلی / چمن: وابسته وابسته از نوع ممیز)
- ❖ - صد کاروان شتر: (شتر: هسته / صد: صفت شمارشی اصلی / کاروان: وابسته وابسته از نوع ممیز)
- ❖ - غایت القصوای مقصود خود: (غایت القصوای: هسته / مقصود: وابسته اول: مضاف الیه / خود: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ - کلاس ششم ابتدایی: (کلاس: هسته / ششم: وابسته پسین از نوع صفت ترتیبی / ابتدایی: وابسته وابسته از نوع صفت بیانی)
- ❖ پاسخ سوال ۵
- ❖ - قدرت قلم این نویسنده: (قدرت: هسته / قلم: وابسته از نوع مضاف الیه / این: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / نویسنده: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ بن مایه اشعار شاعران کلاسیک (بن مایه: هسته / اشعار: وابسته از نوع مضاف الیه / شاعران: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ مضاف الیه / کلاسیک: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)
- ❖ یک تپه یادگاری بزرگ (یک: وابسته پیشین از نوع صفت شمارشی اصلی / تپه: هسته / یادگاری: وابسته از نوع مضاف الیه / بزرگ: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)
- ❖ دو جلد کتاب (کتاب: هسته / دو: صفت شمارشی اصلی / جلد: وابسته وابسته از نوع ممیز)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیسوری

- ❖ دریای تصورات تاریخی (دریا: هسته / تصورات: وابسته از نوع مضاف الیه / تاریخی: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)
- ❖ سی و پنج فرسنگ راه (راه: هسته / سی و پنج: صفت شمارشی اصلی / فرسنگ: وابسته وابسته از نوع ممیز)
- ❖ مهد دموکراسی عالم (مهد: هسته / دموکراسی: وابسته از نوع مضاف الیه / عالم: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ جلد دوم کتاب بینوایان ویکتور هوگو (جلد: هسته / دوم: وابسته پسین: از نوع صفت ترتیبی / کتاب: وابسته از نوع مضاف الیه / بینوایان: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه / ویکتور هوگو: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ منظره جنگ وترلو (منظره: هسته / جنگ: وابسته از نوع مضاف الیه / وترلو: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ هفت تا کتاب (هفت: صفت شمارشی اصلی / تا: وابسته وابسته از نوع ممیز / کتاب: هسته)
- ❖ گیرایی سخن او (گیرایی: هسته / سخن: وابسته از نوع مضاف الیه / او: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ اسیر این جهان (اسیر: هسته / این: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / جهان: وابسته از نوع مضاف الیه)
- ❖ محوطه میدان شهر (محوطه: هسته / میدان: وابسته از نوع مضاف الیه / شهر: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ دانش آموز پایه دوازدهم (دانش آموز: هسته / پایه: وابسته از نوع مضاف الیه / دوازدهم: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)
- ❖ یادآوری خاطره دلپذیر (یادآوری: هسته / خاطره: وابسته از نوع مضاف الیه / دلپذیر: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)
- ❖ برنامه کدام سفر: (برنامه: هسته / کدام: وابسته وابسته، از نوع صفت مضاف الیه / سفر: وابسته از نوع مضاف الیه)
- ❖ ادبیات ملل مختلف جهان: (ادبیات: هسته / ملل: وابسته از نوع مضاف الیه / مختلف: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / جهان: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ کتاب تاریخ ایران و جهان: (کتاب: هسته / تاریخ: وابسته از نوع مضاف الیه / ایران: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ اله / جهان: معطوف به ایران: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- ❖ دانش آموز فوق العاده باهوش (دانش آموز: هسته / فوق العاده: وابسته وابسته از نوع قید صفت / باهوش: وابسته از نوع صفت بیانی)

۶. الف: مترادف ب: تضاد پ: تضمن (طیلسان نوعی ردا است)

۷. الف) (بدل / صفت برای شهر) ب) (معطوف به نهاد / مسند) پ) (قید - صفت برای مرکب) ت) (مسند - نهاد)
- مسند - مضاف الیه برای نام: نامش)

قلمرو ادبی

۸. الف) (نفس: مجاز از سخن) ب) (دنیا: مجاز از مردم دنیا) پ) (قلم: مجاز از نوشته و اثر)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۹. الف) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می زد. (دنيا: مجاز از مردم دنیا - چشم داشتن: کنایه از انتظار و امید داشتن - چشم زدن: کنایه از ترسیدن و واهمه داشتن (حساب بردن نیز هست)

ب) کاووس کیانی که کی اش نام نهادند // کی بود؟ کجا بود؟ کی اش نام نهادند؟ (کی: پادشاه / کی: چه وقت: جناس همسان / تلمیح به داستان کیکاووس، شاه ایران دارد/ تکرار: بود / و«ک» و «ن» و مصوت «ی» / کاووس و کیانی و کی: مراعات نظیر)

پ) دل گرمی و دم سردی ما بود که گاهی // مرداد مه و گاه دی اش نام نهادند (سرد و گرم: تضاد - دل گرمی: کنایه از تأثیر گذاری / دم سردی: کنایه از بی تأثیری سخن // تکرار صامت های «د» و «م»: واج آرای / مرداد مه و دی: مراعات نظیر / دم: مجاز از سخن // لف و نشر مرتب (مربوط به دانش آموزان رشته علوم انسانی)

۱۰. الف: با خاک عجین آمد و از تاک عیان شد خون دل شاهان که می اش نام نهادند

(جناس اختلافی: تاک و خاک / تناسب: تاک و می / تشبیه: خون دل شاهان به می / واج آرای حرف ن

ب: آیین طریق از نفس پیر مغان یافت آن خضر که فرخنده پی اش نام نهادند

(نفس: مجاز از سخن / تلمیح به داستان خضر / پارادوکس: خضر خود راهنما می باشد / مراعات نظیر: طریق و پی

۱۱. این عبارت، یادآور مَثَل « از بیم مار در دهان اژدها رفتن » و «از چاله به چاه افتادن» (مفهوم: از خطری به خطری بزرگتر پناه آوردن).

قلمرو فکری

۱۲. الف: حرص و طمع زیاد (زیاده خواهی) ** ب: (دولت زودگذر و شتابنده و کوتاه مدت) پ: (ریاضت و تحمل موجب کمال می شود).

۱۳. الف: راحتی و آسایش امروز بشر دستخوش سختی و رنج گذشتگان است .

ب: تبعیت و پیروی از از پیر حقیقی، موجب سعادت‌مندی است.

پ: دیرینه بودن ظلم و ستم بر روی زمین

۱۴. الف) آنچه را که می نام گذاشته اند در اصل خون دل شاهان است که با خاک عجین شده و از دل مو(تاک /درخت انگور) بیرون زده است.

ب: خضر پیامبر که مبارک قدم است، آیین سیر و سلوک عرفانی را از نفس و همّت پیشوای حقیقت و عرفان دریافت کرده است.

پ: کشورهای پرآوازه ای که نام هایی چون بغداد و ری و... دارند، خاکشان از خون مظلومان رنگین شده است.

پانخامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱۵. الف: (معنی: تکه چوبی رنج های فراوان کشیده و ستم های زیادی دیده و از خود خالی شده تا به ساز نی تبدیل گردد.**)

مفهوم: آنچه که باعث رشد و تعالی و کمال انسانها می شود ریاضت و تحمل سختی هاست)

ب: (معنی: این سردی و گرمی روزگار بیانگر دوران یاس و ناامیدی و امید و دلگرمی ماست که آنرا مرداد و دی ماه نام نهاده اند. / مفهوم: گردش روزگار تصویری از فراز و نشیب زندگی آدمی.)

۱۶. (راستی خاتم فیروزه بواسحاقی / خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود) «حافظ»

درس نهم: کویر

قلمرو زبانی

۱. الف: (گردشگاه، تماشاگاه) ** ب: (طرح، نقشه) ** پ: (در شب سیر کردن) ** ت: (آویزان) ** ث: (همراهی) * ج: (ایزدی، خدایی)

املا

۲. الف: (قاش) ب: حیات پ: حوزه ت: (محصور) ث: (مباهات) ج: تهویه چ: غریب

۳. گزینه «پ» اشتباه است. زیرا نسیم در معنی باد خنک با سموم در معنای باد گرم: تضاد دارند.

۴. الف) گروه اسمی: ۱) چشمه: هسته / آبی: وابسته: مضاف الیه / سرد: وابسته وابسته، صفت مضاف الیه **

دل یخچال بزرگ: دل: هسته / یخچال: مضاف الیه / بزرگ: وابسته وابسته: صفت مضاف الیه **

بیت ۲) شب: هسته / آن: وابسته پیشین (اشاره): «آن شب» یک ترکیب وصفی است در نقش: قید *** روی بام خانه: روی هسته / بام:

وابسته: مضاف الیه / خانه: وابسته وابسته: مضاف الیه مضاف الیه *** نظاره: هسته / آسمان: وابسته (مضاف الیه)

بیت ۲) دل: متمم / «آن شب»: ترکیب وصفی در نقش قید // نیز: قید / نظاره: متمم / مضاف الیه)

۵. گروه های اسمی زیر را از نظر وابسته وابسته بررسی کنید.

۱. کتاب بسیار ارزشمند (کتاب: هسته / بسیار: وابسته وابسته از نوع قید صفت / ارزشمند: وابسته از نوع صفت بیانی)

۲. رنگ سبز یشمی (رنگ: هسته / سبز: وابسته: صفت بیانی (نسبی) / یشمی: وابسته وابسته از نوع صفت صفت)

پانزدهم سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۳. برجسته ترین شاعران زبان فارسی (برجسته ترین: وابسته پیشین: عالی / شاعران: هسته / زبان: وابسته اول مضاف الیه / فارسی: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۴. ساختن آینده ای روشن (ساختن: هسته / آینده: وابسته اول مضاف الیه / روشن: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۵. صحبت خیلی صمیمی (صحبت: هسته / خیلی: وابسته وابسته از نوع قید صفت / صمیمی: وابسته اول از نوع صفت)

۶. شیرینی بیان سعدی (شیرینی: هسته / بیان: وابسته از نوع مضاف الیه / سعدی: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۷. آهنگ سخن قدما (آهنگ: هسته / سخن: وابسته از نوع مضاف الیه / قدما: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۸. قلب آن کویر (قلب: هسته / آن: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / کویر: وابسته از نوع مضاف الیه)

۹. تموز سوزان کویر (تموز: هسته / سوزان: وابسته پسین از نوع صفت فاعلی / کویر: مضاف الیه تموز).... این ترکیب، وابسته وابسته ندارد.

۱۰. شاگرد حوزه ادبی (شاگرد: هسته / حوزه: وابسته از نوع مضاف الیه / ادبی: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۱۱. هوای نسبتاً پاک (هوا: هسته / نسبتاً: وابسته وابسته از نوع قید مضاف الیه / پاک: وابسته از نوع صفت)

۱۲. فرهنگ ایران باستان (فرهنگ: هسته / ایران: وابسته از نوع مضاف الیه / باستان: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۱۳. فریاد عاشقان دل سوخته (فریاد: هسته / عاشقان: وابسته از نوع مضاف الیه / دل سوخته: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه)

۱۴. سه دست لباس ایرانی (سه: وابسته پیشین از نوع صفت شمارشی اصلی / دست: وابسته وابسته از نوع ممیز / لباس: هسته / ایرانی: وابسته پسین از نوع صفت نسبی)

۱۵. قلب آن کویر (قلب: هسته / آن: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / کویر: وابسته اول از نوع مضاف الیه)

۱۶. تاب آفتاب آن جمال: تاب: هسته / آفتاب: وابسته اول: مضاف الیه / آن: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه / جمال: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه.

۶. نوع وابسته وابسته را مشخص کنید

الف) شرح درد اشتیاق: (شرح: هسته / درد: وابسته اول مضاف الیه / اشتیاق: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

پانخامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهدشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

ب) روزگار وصل خویش: (روزگار: هسته / وصل: وابسته اول مضاف الیه / خویش: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۷. باد گرم مهلک: سموم آویزان: معلق تماشا: نظاره نگرش: تلقی پرنیان: پارچه ابریشمی دارای نقش و نگار، نوعی حریر شبدردوچین: گیاه علفی شبدردو بار چیده شده عدلیه: دادگستری قاش: قسمت برآمده جلوی زین، کوهه زین کمانه: نام کوهی در منطقه ونک از توابع شهرستان سمیرم استان اصفهان. ماورا: فراسو. آن سو. ماسوا. برتر. مباحات: افتخار، سرفرازی مدرس: موضع درس گفتن، محلی که در آن تدریس کنند.

۸ الف: (نهاد - صفت - مضاف الیه - مسند) ب: (متمم - مضاف الیه - مضاف الیه - نهاد - مضاف الیه)

۹. تعداد وابسته های وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه، پنج مورد است.

«تأثیر ادبیات عرب *** نفوذ فرهنگ یونان *** ادبیات ملل مختلف جهان *** عوامل شکفتگی ادبیات جهان»

۱۰. الف: (چشمه آبی سرد: چشمه: هسته / آب: وابسته از نوع مضاف الیه / سرد: وابسته وابسته صفت مضاف الیه)

ب: (دل یخچالی بزرگ: دل: هسته / یخچال: وابسته پسین از نوع مضاف الیه / بزرگ: وابسته وابسته صفت مضاف الیه)

قلمرو ادبی

۱۱. الف: فلسفه: مجاز از فیلسوفان مذهب: مجاز از مذهبیهون

ب: مفهوم: (نگاه معنوی به کویر / بازگشت به عالم معنا / تقدس کویر / حضور خدا و معنویت در کویر / تسبیح کاینات)

پ: (ماوراء الطبیعه: آنچه فراتر از عالم طبیعت و ماده باشد؛ مانند خداوند، روح و...).

ت: استعاره مکنیه، تشخیص در بر لب داشتن آیات وحی به وسیله درخت، غار، کوه و ... / تشبیه: درخت، سنگ و سنگریزه به زبان گویای خدا / تلمیح به تسبیح کاینات: «یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض»

۱۲. الف: (تموز: مجاز از گرما / دل یخچال، سینۀ کویر، سر برداشتن چشمه، دل ارگ، سر بر شانه هم نهادن درختان، مشایعت کردن آب: استعاره (تشخیص))

ب: دریای سبز معلق: (استعاره از آسمان) مرغان الماس پر: استعاره از ستارگان درخشان / الماس پر: اضافه تشبیهی.

پ: چراغ علم و تابستان وصال: (اضافۀ تشبیهی)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه شت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

ت: تشبیه آسمان کویر به نخلستان خاموش و پرمهتابی / نخلستان خاموش: تشخیص (استعاره) / مشت خونین قلب: اضافه استعاری / باران سکوت: اضافه تشبیهی / روح دردمند: مجاز از امام علی (ع) / تلمیح به ماجرای گریستن امام علی (ع) بر سر چاه های کوفه دارد.

ث: (تلمیح به شعر حافظ: «گوهر مخزن اسرار همان است که بود / حقه مهر بدان مهر و نشان است که بود»

۱۳. الف) گل های الماس: استعاره از ستارگان/مانند کردن گل به الماس: اضافه تشبیهی / شکفتن گل های الماس: کنایه از پدیدار شدن ستارگان.

ب) دریای سبز معلق: استعاره از آسمان/ مرغان الماس پر: استعاره از ستارگان درخشان / الماس پر: اضافه تشبیهی.

پ) باغ: استعاره از آسمان کویر / گل های رنگین و معطر شعر و خیال و الهام و احساس: اضافه تشبیهی / سموم سرد: متناقض نما (پارادوکس) / عقل بی درد: استعاره (تشخیص) / سموم عقل: اضافه تشبیهی /

۱۴. گرم: ایهام تناسب دارد. ۱. صمیمی ۲. دارای دمای زیاد «متناسب با تابستان»

۱۵. «آن باغ پر از گل های رنگین و معطر شعر و خیال در سموم سرد این عقل بی درد و بی دل پژمرد.» گل های رنگین و معطر شعر و خیال / سموم عقل: اضافه تشبیهی / سموم سرد: (باد بسیار گرم سرد): پارادوکس (متناقض نما) / آن باغ پر از گل های رنگین: استعاره از آسمان کویر / عقل بی درد و بی دل: استعاره (تشخیص).

قلمرو فکری

۱۶. (امام راستین: امام علی (ع) - شیعه گمنام: دکتر علی شریعتی)

۱۷. کنایه ای است که مفهوم آن: محروم شدن از معنویت و مادی گرایی و حسابگری و در مجموع دید مادی داشتن.

۱۸. الف: نگاه عالمانه، مصلحت اندیش و بدون احساس و عاطفه و تخیل و جزئی نگر شهرنشینان به طبیعت (دید علمی و تجربی) در مقابل نگاه ساده و غیر علمی همراه با عاطفه و احساس روستائیان (دید مادی و تفکر عالمانه شهری در مقابل دید معنوی روستایی)

ب: ابدیت: متمم - شاهراه علی: بدل (علی: مضاف الیه) - راه مکه: بدل (مکه: مضاف الیه) - نگاه ها: نهاد - کهکشان: مسند - کویر: مضاف الیه.

۱۹. مفهوم مشترک: دعوت به ترک زیبایی و ترک علم زدگی برای بازگشت به عالم معنا.

۲۰. (مفهوم: خوش های و شادی ها و عزت و اعتبار روستا را از من می گیرند و یک زندگی بی روح و شهری را به من می دهند).

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۲۱. مادی گرایی / افول نگرش از نگاه معنوی به مادی / غلبه نگاه مادی گرا بر نگاه معنوی / معنویت و رمز و راز عارفانه از بین رفته و به مادیات توجه می شود.

۲۲. مفهوم مشترک دو گزینه: (از عزت به ذلت رسیدن / از رفاه و آسایش دور شدن)

۲۳. الف: مفهوم: هموار شدن سختی ها در راه رسیدن به مقصود.

ب: ریگ آموی پرنیان: (ریگ: هسته / آموی: وابسته: مضاف الیه / پرنیان: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه).

پ: تلمیح به ماجرای رودکی و امیر نوح بن منصور سامانی دارد، که ماجرا از این قرار است که وقتی نوح بن منصور سامانی برای شکار، از بخارا به هرات رفت، به خاطر خوشی آب و هوا، مدت‌ها در آنجا ماند، و چون قصد بازگشت به بخارا را نداشت، اطرافیان نگران شده، و به "رودکی" متوسل شدند. رودکی نیز، چنگ به دست می گیرد و این شعر را می سرايد: بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی و.... بعد از شنیدن این شعر، نوح بن منصور چنان متأثر می گردد که بدون کفش سوار بر اسب می شود و با سرعت زیاد به شهر بخارا می رود.

پرنیان شدن ریگ آموی: پارادوکس (متناقض نما) / تشبیه ریگ آموی به پرنیان / پرنیان شدن ریگ آموی: کنایه از برطرف شدن سختی ها / پا در رکاب گذاشتن: کنایه از شروع کردن به حرکت و سفر و یا اقدام برای انجام کاری.

۲۴. سفرنامه: ثبت دیده ها و شنیده ها و تجارت خود درباره مسائل گوناگون در طی سفر است.

حسب حال: گزارش نویسنده از زندگی و حالات و احساسات خویش است.

درس دهم: فصل شکوفایی

قلمرو زبانی

۱. الف) زخمه: ضربه، ضربه زدن ب) برزخ: حدّ فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت. ت) پالیز: باغ و بوستان
۲. خواسته - سپاسگزاری .
۳. الف: ربط ب: عطف
۴. الف: دیروز: مجاز از دوره قبل انقلاب اسلامی / امروز: مجاز از دوره انقلاب اسلامی * * دیروز و امروز: تضاد / باغ و دشت: استعاره از کشور ایران * * آینه دار بودن خورشید: تشخیص / آینه دار بودن: کنایه از پیشرو و راهبر بودن * * واج آرای صامت «غ» و «د» و «ر» * * خورشید: استعاره از انقلاب و امید و روشنی / امام خمینی (ره) * * جناس: باغ / داغ / من: چمن / تکرار: من / در * * داغ:

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

مجاز از غم و اندوه* مانند کردن خورشید به آینه دار / غربت باغ: اضافه استعاری (تشخیص) / باغ و دشت: مراعات نظیر. (می توان داغ را ایهام تناسب در نظر گرفت: ۱. غم و اندوه (که معنای مدنظر در این بیت است. ۲. در معنی گرم و داغ با خورشید تناسب دارد.))

ب: یک چمن داغ: داغ: هسته / یک: صفت پیشین (شمارشی اصلی) / چمن: وابسته وابسته از نوع ممیز.

پ: حاکمیت خفقان و استبداد بر مردم جامعه در دوره قبل انقلاب اسلامی و نوید آزادی و پیروزی بعد از انقلاب.

ت) غربت: دوری. هم آوای آن قربت: نزدیکی. ث) دیروز: مجاز از دوره قبل انقلاب اسلامی / امروز: مجاز از دوره انقلاب اسلامی** خورشید: خورشید: استعاره از انقلاب و امید و روشنی / امام خمینی (ره).

۵. الف: (غربت: دوری هم آوای قربت: نزدیکی) ب: (یک: صفت شمارشی پیشین / چمن: وابسته وابسته: از نوع ممیز / باغ: هسته)

پ: «او» در مصرع ربط است / من و تو: واو عطف ت: (حذف فعل «بود» به قرینه لفظی در عبارت یک چمن باغ (بود)

/ حذف فعل «است» به قرینه معنوی در مصرع دوم: امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو (است)

۶. الف: من و تو: واو عطف / او در مصرع اول بیت دوم: ربط ب: برگ و بار

پ: الف) بوی بهار من و تو: من (وابسته وابسته: مضاف الیه مضاف الیه)** جای قرار من و تو: من (وابسته وابسته: مضاف الیه مضاف الیه)**

ت) (غم: نهاد / برگ و بار: مفعول / امروز: قید زمان / بوی: نهاد) ب) (رود: متمم / بی تاب: مسند / م: معادل فعل اسنادی: هستم / جای قرار: بدل از دریا)

۷. الف: (نهاد - مسند - فصل سوم: بدل برای فصل دوم و مسند برای فصل اول / مفعول)

ب: حذف فعل «است» به قرینه لفظی در مصرع اول: فصل شکوفایی ما (است) / حذف فعل «است» در مصرع دوم: اینک بهار من و تو (است)

پ: شیوه بلاغی در مصرع اول.

ت: (فصل: هسته / شکوفایی: وابسته: مضاف الیه / ما: وابسته وابسته از نوع: مضاف الیه مضاف الیه)

۸. الف: حذف فعل «باشم» به قرینه لفظی بعد از گشاده دستی (باشم)

ب: حذف «افشانی می کند» به قرینه لفظی بعد از گوهر: گوهرافشانی می کند.

قلمرو ادبی

۹. الف: برزخ سرد: نماد کشور خفقان زده ایران پیش از انقلاب اسلامی.

ب: ترکیب وصفی: (آن جا - آن برزخ - برزخ سرد - چشمان تار) **** ترکیب اضافی: (کوچه های غم - کوچه های درد - چشمان من - چشمان تو)

۱۰. الف: امیدواری / حرکت به سوی آزادی و امید و رهایی / بازگشت به اصل (به توجه به حرکت رود به سوی دریا).

ب: متمم - بدل - مسند پ: استعاره از آزادی و رهایی / اتحاد / انقلاب

۱۱. گزینه «ت»

۱۲. الف: دیروز: مجاز از دوره پیش از انقلاب اسلامی / امروز: مجاز از دوره انقلاب اسلامی.

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

ب: باغ: داغ *** من: چمن پ: باغ: استعاره از ایران / دشت: استعاره از ایران ت: (قلمرو زبانی) یک: صفت پیشین (شمارشی). چمن: وابسته وابسته: ممیز // داغ: هسته ج: آینه دار بودن برای خورشید: تشخیص. آینه دار بودن: کنایه از پیشرو و رهبر بودن

چ: خورشید استعاره از امام خمینی (ره) و همچنین استعاره از امید و شکوفایی و انقلاب.
۱۳. دیروز و امروز: تضاد و مجاز/ دیروز: مجاز از ایران پیش از انقلاب اسلامی / امروز: مجاز از دوره انقلاب اسلامی / برگ و بار و باغ و بهار: مراعات نظیر / سوزاندن برگ و بار بوسیله غم: استعاره / برگ و بار: استعاره از امید و آرزو/ دلخوشی های زندگی *** بهار: نماد آزادی و امید و شکوفایی / انقلاب *** جناس ناهمسان: بار و بهار - بار و باغ *** واج آرای صامت «ب» / بوی بهار: اضافه استعاری / بهار: استعاره از آزادی و امید و انقلاب / باغ: استعاره از کشور ایران.

قلمرو فکری

۱۴. الف: ای دوست، اگر دیروز (قبل از انقلاب) غم حاصل زندگی ما را ناپود کرده بود؛ اما امروز (زمان انقلاب)، امید رشد و شکوفایی در کشور دیده میشود.

ب: دیروز (قبل از انقلاب) با حس غربتی که در کشور بود، من اندوهی بزرگ در دل داشتم؛ اما امروز روشنی و امید در برابر ماست. پ: مانند رودخانه ای که برای رسیدن به دریا امیدوار و بی قرار است، من نیز به دریای انقلاب که محل دیدارمان است، می پیوندم. ت: من از طبیعت یاد گرفتم که مثل درختان میوه دار بدون اینکه کمترین خواسته ای را به زبان بیاورم - با تمام وجود، سخاوت و بخشندگی داشته باشم.

ث: در هر تابستان با میوه های شیرین و سایه آرام بخش برای خستگان، میزبانی بخشنده باشی و بتوانی برای مسافران آفتاب خورده، نوازشگری باشی که درد آن ها را تسکین می دهد.

۱۵. الف) «دیروز»: دوران پیش از انقلاب؛ / «امروز»: دوران پس از انقلاب *** ب) پر از اندوه و تنهای هستیم. *** پ) فضای پاکی بخش انقلاب و آزادی و امید.

۱۶. جاودانگی سخن و نام و یاد و پاکی حتی با گذر زمان.

۱۷- ترک اندوه و نوید به امید و آزادی و شادی

۱۸- الف) انقلاب ب) پیوستن به جریان انقلاب

۱۹- الف) بخشندگی بدون انتظار قدردانی است

ب) نیکی کردن در برابر بدی دیگران صحیح آن «سپاسگزاری» است.

پ) سپاسگزاری از خداوند و آزاد مرد بودن و فریب ندادن دیگران.

درس یازدهم: آن شب عزیز

قلمرو زبانی:

۱. الف: ذُله، درمانده، خسته ب: انهدام، ویران شدن، فرو ریختن پ: شامه: حس بویایی / غریب: عجیب، شگفت آور.
ت: شبخ: آنچه به صورت سیاهی به نظر می آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی ث: معبر: محل عبور، گذرگاه ج: حزین: غم انگیز چ: پافشاری کننده و اصرار کننده ح: دوشکا: مسلسل سنگین خ: دفترخانه، دادگاه د: تشر: سخنی که همراه با خشم و خشونت و اعتراض است به قصد ایجاد ترس و تهدید ذ: آغاز و مقدمه هر نوشته .
۲. پافشاری و اصرار - خبر قابل عرض - عجیب و غریب - شبخ و سایه -
۳. الف: غریب ب: شبخ
۴. الف: ناخواسته ب: ذُله
۵. (پرسیدند، بودند: ماضی ساده *** نخوابیده بودند/ باریده بود/ برداشته بود: ماضی بعید).
۶. «من را هم گفتید که بروم، همه را گفتید، اما نمی شد آقا! نمی توانستم، شما عصبانی شدید، داد زدید، دستور دادید، گفتید که دستور می دهید، اما باز هم من نتوانستم بروم؛ بقیه توانستند، بقیه رفتند، اما من نتوانستم آقا! دست خودم نبود؛ پاهایم سست شده بود؛ قلبم می لرزید؛ عرق کرده بودم، قوت این که قدم از قدم بردارم نداشتم.»
ضمیر پیوسته: خودم - پاهایم - قلبم (تعداد ضمیر پیوسته ۳ ضمیر)
ضمیر گسسته: من - شما - من - من - (۴ ضمیر گسسته)
۷. الف: تضاد ب: تضمن پ: ترادف ت: تضاد ث: تضمن ج: ترادف ج: تناسب
۸. الف: می زد: ماضی استمراری ب: شده بود: ماضی بعید *** ب: «تان» در دیگر تان / تان: در چشم هایتان / ضمیر گسسته: شما (مرجع ضمیر آن آقا موسوی) - من . پ: بدل
۹. الف: دم: مجاز از لحظه ب: حس آمیزی و تشخیص پ: خاک: مجاز از زمین ت: اضافه تشبیهی ث: مثل کلاس گرم و پر شور حرف می زدید. : گرم حرف زدن: حس آمیزی / همچنین کنایه از مؤثر و گیرا حرف زدن.
۱۰. الف: امیدوار کردن ب: دردناک پ: گوشه گیری و تنها شدن ت: با دقت نگاه کردن و بررسی کردن.
۱۱. ب: متناقض نما.
۱۲. الف: آفتاب، چشمه‌ایتان را اذیت می کرد. (کنایه) *** ب: امیدوار شدم، بلند شدم و به سمت شما دویدم *** پ: خبر قابل بیان نداشتم *** ت: گودالی که در اثر برخورد گلوله توپ در خاک ایجاد شده بود. *** ج: آه! ای شهید، این سر که در سحرگاه بریده شده است، سر تو است یا متعلق به ماه یا خورشید است که در شامگاه این گونه، نورانی و درخشان است. چ: عشق تو به شهادت، نیازی به گواه و شاهد ندارد، تا برای تأیید عشق تو به دادگاه عشق بیاید، در این دادگاه، رگ بریده گردن تو، گواه عشق تو به شهادت است. *** ح: چشم تو همانند کربلا، پر از شکوه و عظمت است. ای شهیدی که همانند مولایت به شهادت رسیده ای و یادآور شهادت حضرت امام حسین (ع) در گودال قتلگاه هستی.

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱۳. در هر دو گزینه توصیف رزمندگان و دلاورانی است که شهادت را افتخار می دانند و در دل هیچ هراسی از مرگ ندارند و در راه عشق، مرگ را سبک می شمارند. (در راه عشق و شهادت، هیچ ترسی از مرگ ندارند.)
۱۴. هر دو به رها کردن آسایش و وابستگی های دنیوی و رها کردن عافیت طلبی و رفتن به استقبال جبهه های جنگ حق علیه باطل اشاره دارند.
۱۵. توصیه هر دو به حفظ یاد و خاطره دوستان.
۱۶. الف: شهید محسن حججی ب: سربریده بودن شهید پ: حفظ شرافت با فداکاری
۱۷. شیوه بلاغی ** ۲. حذف به قرینه لفظی: مصرع دوم: این نهاد محذوف لفظی / سر: مسند/ شامگاه: سر شب / حذف «است» به قرینه لفظی در مصرع دوم / حذف در جمله سوم ** ۳. ترکیب وصفی: سربریده / ترکیب اضافی: سر ماه / سرخورشید / خورشید شامگاه / سر بریده خورشید شامگاه: گروه اسمی: سر: هسته. بریده: صفت. خورشید: مضاف الیه. شامگاه: وابسته وابسته ** ۴. مفهوم نورانیت سر شهید.
۱۸. گزینه «ب» اشتباه است. زیرا فعل «است»، به قرینه معنوی بعد از (نشسته و افتاده) حذف شده است.
۱۹. کنایه اضافی است. ۱. اسلوب معادله / ۲. حسن تعلیل / ۳. ایهام در مسلم شرف / ۴. دادگاه عشق: تشبیه (اضافه تشبیهی)
۲۰. الف: خاک: مجاز از زمین ب: خورشید و ماه: استعاره از سر بریده شهید حججی پ: ماه: راه
۲۱. الف: آرایه های ادبی: مانند کردن رگ گردن به گواه: تشبیه / دادگاه عشق: اضافه تشبیهی / واج آرایی «د» و «گ» / تکرار: در / شاهد، محضر، گواه، دادگاه: مراعات نظیر. ** ب: ترکیب اضافی: دادگاه عشق / رگ گردن / گردنت ** ترکیب وصفی: ندارد.
- پ: «ت» در «رگ گردنت»: گروه اسمی: رگ، هسته. گردن: مضاف الیه (وابسته) / ت: وابسته وابسته (مضاف الیه مضاف الیه). ت: فعل «است»، در مصرع دوم حذف به قرینه معنوی.
۲۲. الف: شهید حججی ** ب: (راه کشیدن چشم: کنایه از چشم انتظاری) ** پ: تلمیح به اسارت حضرت زینب (س) در کربلا.
۲۳. ادبی: تلمیح: آمدن پیک امام حسین (ع) به سوی مسلم بن عقیل: مسلم حامل پیامی برای امام بود، ولی قبل از رسیدن به مقصد به دست یاران یزید به شهادت می رسد / مسلم شرف: اضافه تشبیهی / مسلم: ایهام (۱. مسلمان ۲. نام حضرت مسلم). پیک و مسلم: مراعات نظیر / مسلم شرف: استعاره از شهید.
۲۴. الف: ای شهید، نفس های آخر تو به جای این که موجب مرگ باشد، سرشار از حیات و زندگی است. به طوری که مرگ هم با اشتیاق، به آغوش تو پناه آورده است تا از نابودی نجات پیدا کند.
- ب: لبریز: مسند ** گرم: قید
- پ: فعل «است»، بعد از (آورده) به قرینه معنوی حذف شده است.
- ت: آرایه های بیت: زندگی داشتن نفس آخر: تناقض / متناقض نما / پناه آوردن مرگ در آغوش تو: استعاره (تشخیص) / مرگ گرم " جناس (قلب کل) / حس آمیزی و متناقض نما / مرگ پناه آورده: تناقض.

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۲۵. حیات جاودانه عاشق در شهادت / حیات بخش بودن شهید عشق.
۲۶. معنی: چشم تو همانند کربلا پر از شکوه و عظمت است. ای شهیدی که همانند مولایت به شهادت رسیده ای و یادآور شهادت امام حسین (ع) در گودال قتلگاه هستی.
- مفهوم: شکوهمندی نهفته در وجود شهید و شهادت / تبعیت از پیشوای خود
- زبانی: ۲ جمله / شکوه: هیبت و مهابت و عظمت / روضه: ذکر مصیبت و نوحه سرایی / شرف: بزرگواری و حرمت / چشم: گروه اسمی: چشم (هسته) متمم. ت: وابسته (مضاف الیه) / مجسم: تجسم یافته/ به: در / یک کربلا شکوه: نهاد: گروه اسمی / یک. صفت شمارشی / کربلا: ممیز / شکوه: هسته. / نهفته: مسند / کربلا. قتلگاه: تضمن و تناسب / گودال. تل: تضاد / ترکیب اضافی: کربلا شکوه / روضه گودال / گودال قتلگاه / ترکیب وصفی: یک کربلا / روضه مجسم گودال قتلگاه: شبه جمله. ندا و منادا / گروه اسمی: روضه: هسته / مجسم: وابسته: صفت مضاف الیه / گودال: مضاف الیه: قتلگاه: وابسته وابسته (مضاف الیه مضاف الیه)
- ادبی: تلمیح / تشبیه: مانند کردن چشم شهید در شکوه به کربلا / کربلا و قتلگاه، روضه. گودال: مراعات نظیر / واج آرای مصوت کوتاه / روضه: ایهام: (۱. بهشت ۲. ذکر نوحه و مصیبت) / یک کربلا: کنایه از بسیاری شکوه چشم شهید / مانند کردن.

درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش

قلمرو زبانی

۱. وزیر، مشاور (معنی این واژه با توجه به واژه نامه کتاب فارسی ۳، وزیر و مشاور است. اگر بنا بر دوگانه خوانی باشد، در معنای امر و فرمان نیز می توان آن را معنی کرد. معنی وزیر و مشاور ارجحیت دارد). * ۲. نیکی کننده * ۳. غو: بانگ و خروش، فریاد * ۴. هُشیوار: هوشیار، آگاهانه * ۵. خُود: کلاه خود * ۶. هیون: شتر، به ویژه شتر قوی هیکل و درشت اندام * ۷. خَسْت: زخمی کردن، مجروح کردن. * ۸. موبد: روحانی زرتشتی، مجازا مشاور (در درس دوازدهم) * ۹. باره: اسب / بردش نماز: تعظیم کردن و احترام گذاشتن. ۱۰: مکاید: کیدها، مکرها و حيله ها کربت: غم و اندوه.
۲. الف: تطاول - قربت - حَشَم - ب: برخاست
۳. شیوه بلاغی -
۴. زمینه ملی حماسه.
۵. الف: شیوه بلاغی * ب: مسند * پ: ترکیب وصفی: این دختر / دیگر کران **** * ترکیب اضافی: دختر شاه / شاه هاموران *
۶. گزینه صحیح ۲. در این گزینه «اندیشه» در معنی «فکر» است. **** * «اندیشه» در گزینه های ۱-۳-۴ به معنی: «نگرانی» است.
۷. الف: فک اضافه * ب: را مفعولی *
۸. الف: سیاوش و سودابه ب: «را» فک اضافه پ: «ایمن نگردیدن دل» و «روشن نگشتن روان»: کنایه از "عدم آرامش، بدگمانی" و اطمینان نداشتن. ت: دل: نهاد روشن: مسند
۹. الف: چنین: قید / دوزخ: نهاد / خوار: مسند. **** * ب: (را: حرف اضافه به معنی "برای") پ: خوار: آسان، سهل

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

ت: معنی بیت: سیاوش چنین گفت که ای پادشاه، تحمل آتش دوزخ از شنیدن این تهمت برای من ساده تر است (با شنیدن این اتهامات، عبور از آتش برای من بی گناه آسان است) ث: ترجیح مرگ بر ننگ

۱۰. پاسخ: گزینه ۳ به معنی: آسان و سهل / گزینه های ۱-۲-۴: به معنی: پست و بی ارزش.

۱۱. الف: پای: هسته / دیوار: وابسته اول: مضاف الیه / ملک: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه / خویش: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه. ب: هسته های گروه اسمی در «طرح ظلم» و «پای دیوار ملک خویش»، به ترتیب «طرح» و «پا» هستند که هر دو در جمله، نقش «مفعول» را دارند.

۱۲. الف: کاروان: وابسته وابسته از نوع ممیز * ب: نیکی دهش: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه * پ: هاماوران: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه * ت: بلند: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف الیه. ث: دو کوه هیزم: کوه: وابسته وابسته از نوع ممیز

قلمرو ادبی

۱۳. ماه: مجاز از آسمان *** تازی: مجاز از اسب تازی

۱۴. ادبی: چرخ: استعاره از "آسمان" / تشخیص / اضافه استعاری (سوگند خوردن چرخ بلند) / واج آرای «ن» / * تلمیح: این بیت به باور گذشتگان اشاره دارد (آتش بی گناهان را نمی سوزاند: زمینه ملی حماسه)

۱۵. الف: اسلوب معادله ب: «طرح افکندن ظلم»: کنایه از بنا نهادن ظلم.

۱۶. الف: سنگ را بر سبوزدن: کنایه از آزمایش و امتحان ب: دل شستن: کنایه از صرف نظر کردن. پ: سمن در کنار داشتن: کنایه از سالم و زنده بودن.

۱۷. الف: دشت: مجاز از مردم ب: سر: مجاز از وجود پ: ندارد ت: ندارد ث: زمین: مجاز از ایران ج: جهان: مجاز از مردم چ: تازی: عربی؛ (در این بیت) مقصود مجاز: اسب عربی) ماه: مجاز از "آسمان"

ح: شهر و دشت: مجاز از مردم. خ: دشت: مجاز از مردم. د: رخ شاه: مجاز از وجود ذ: خود: کلاهی خود: مجاز از خود سیاوش ر: دشت: مجاز از مردم.

۱۸. ۱. زمینه ملی حماسه. ۲. قهرمانی ۳. ملی ۴. ملی ۵. ملی ۶. قهرمانی ۷. قهرمانی ۸. ملی ۹. ملی ۱۰. ملی ۱۱. قهرمانی ۱۲. قهرمانی ۱۳. خرق عادت ۱۴. خرق عادت ۱۵. خرق عادت. ۱۶. ملی. ۱۷. ملی

۱۹. قلمرو زبانی: ۲ جمله / بود: موجود باشد (فعل تام است نه اسنادی) / بخشایش: نهاد / پاک: وابسته وابسته (صفت مضاف الیه) / یزدان: مضاف الیه / دم: اثر. نهاد / یکسان: مسند / او: عطف

قلمرو ادبی: بیت آرایه ی تلمیح دارد به داستان حضرت ابراهیم. سرد شدن آتش با عنایت خدا. / آتش و آب: تضاد / مصرع دوم: کنایه از سوزنده نبودن آتش / واج آرای مصوت بلند «ا»

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

قلمرو فکری: معنی: زمانی که بخشایش و رحمت پاک الهی شامل حال افراد شود. حرارت آتش و سردی آب با هم برابر می شوند.

۲۰. «سمن در کنار داشتن»: کنایه از نهایت خوشی و آرامش و تندرستی است.

۲۱. گزینۀ پ: پاک: ایهام، (۱. پاکیزه ۲. بی گناه و معصوم).

قلمرو فکری

۲۲. الف: وقتی تعداد مردم کم شود، درآمد حاصل عایدات مملکت نیز کم می گردد.

ب: سودابه از خشم، موهایش را می کند و گریه می کرد و اشک می ریخت صورتش را چنگ می انداخت و می خراشید.

۲۳. قلمرو زبانی: ۵ جمله / شیوه بلاغی / حذف افعال به قرینه معنوی در مصرع دوم / پیش: قید / دود: آتش. گرد: خاک: نهاد /

شد: رفت (تام)

قلمرو ادبی: پاک: ایهام، (۱. پاکیزه ۲. بی گناه و معصوم)

تناسب بین دود، آتش، گرد و خاک، آتش و خاک (عناصر چهار گانه ی طبیعت) خاک: گرد: تضمن

پاک و خاک: جناس ناهمسان

مصرع اول: واج آرایبی؛ تکرار صامت های "پ" و "ش"

واژه ی "نه": تکرار

معنی: سیاوش پاک (بی گناه) در حالی به نزد پدر رفت که اثری از دود و آتش و گرد و غبار با او نبود. / زمینه خرق عادت حماسه

۲۴. در بر گرفت: به آغوش کشید، بغل کرد * * * اندر گرفت: فعل آغازین. شروع کردن / ویژگی سبکی

۲۵. الف: «سنگ بر سبوزدن»: کنایه از "آزمایش و امتحان" ب: "حقیقت ماجرا بین سیاوش و سودابه"

۲۶. گذرگاه آتش

۲۷. الف: ارتباط بین سیاوش و سودابه ب: جهان: مجاز اغراق آمیز از ایران

۲۸. همه مردم ناراحت و غمگین شدند.

۲۹. تحمل آتش دوزخ از شنیدن چنین اتهامی برایم آسان و ناچیز است.

۳۰. الف: ارجمند: مسند // گزند: مفعول * * * ب: دل: مجاز از "وجود" * * * پ: اندیشه: بد گمانی / اضطراب و نگرانی

۳۱. الف: معنی بیت را بنویسید. اگر کوهی از آتش نیز باشد آن طی می کنم و اگر قرار بر عبور از آتش باشد، برای من کاری آسان

است.

ب: بیت فوق را به لحاظ ساده یا غیر ساده بودن جمله، بررسی کنید. هر دو مصرع، جمله مرکب دارند.

نکته: سپردن: ۱. طی کردن ۲. پایمال کردن (= خروشید و برجست لرزان ز جای / بدریّد و بسپرد محضر به پای)

پ: آرایه ادبی «کوه آتش» را بیان کنید: کوه آتش: اضافه تشبیهی (آتش: مشبه / کوه: مشبه به) اغراق

ت: نقش واژه های مشخص شده را بنویسید. کوه: نهاد / آتش: مضاف الیه / تنگ: متمم / خوار: مسند

ث: منظور از تنگ را بنویسید: منظور "آتش" (کنایه)

ج: معنی «خوار» را بنویسید و هم آوای آن در زبان فارسی را بیان کنید: آسان، ساده / هم آوا: خار: تیغ گل

۳۲. الف: همان: نهاد / به: مسند / دل: مفعول * * * ب: همان به: همان بهتر است ("است" به قرینه ی معنوی حذف شده است)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

- پ: بدگمانی، بددلی، سوءظن ت: دل بشویم: کنایه از "خود را رها کردن"
۳۳. قلمرو زبانی: ۲ جمله / شیوه بلاغی / دستور، دشت: متمم / ساروان: نهاد / تا: حرف ربط وابسته ساز / کاروان: مفعول / هیون: شتر قوی و درشت اندام: مفعول / صد کاروان: ترکیب وصفی: کاروان: ممیز /
- نهاد "فرمود": کاووس شاه / ساروان: شتربان، شتردار(نهاد) / هیون: اسب، شتر بزرگ (در این جا "شتر")
- قلمرو ادبی: صد: نشانه ی کثرت / مجاز از بسیاری / واج آرای «ر» / کاروان: ساروان. هیون: مراعات نظیر /
- کاروان: ساروان: جناس ناهمسان / تناسب / دستور: ایهام تناسب = ۱- وزیر، مشاور(اینجا) - ۲- "امر و فرمان" که با واژه ی "فرمود" تناسب دارد. (نکته: واژه «دستور» گسترش معنایی یافته: وزیر، مشاور/ فرمان/ دستور زبان)
- معنی: (کاووس) به وزیر خود فرمان داد تا شتربان، صد کاروان شتر از دشت بیاورد.
۳۴. الف: جهان: مجاز اغراق آمیز از "مردم" ب: دو کوه هیزم (دو: صفت پیشین شمارشی / کوه: ممیز/ هیزم: هسته)
۳۵. الف: سیاوش ب: سر: مجاز از وجود
۳۶. الف: داد و فریاد، خروش * ب: کنایه از سیاوش * پ: واژه ی «نو» دارای ایهام است ۱- اشاره به ولیعهد بودن سیاوش دارد ۲- نو، به معنی جوان و نیز جان بازیافته نیز آمده است. * ت: غو و نو: جناس ناهمسان * زمینه خرق عادت حماسه)
۳۷. رسم و شیوه و طریق. (نکته: ساز: ۱. آلت موسیقی ۲. ساز و برگ (توشه) ۳. ساخت و سامان ۴. رخت و لباس ۵. سازگاری ۶. توشه و زاد ۷. رسم و شیوه و طریق (در این بیت)
۳۸. باید سیاوش را اصلاح و تنبیه کرد.
۳۹. الف: غیر ساده * ب: نقش مفعول: جهان آفرین مرا. * پ: صفت فاعلی مرکب مرخم (آفریننده جهان)
۴۰. روبه رو کردن
۴۱. الف: یزدان: مضاف الیه / کوه: در نقش متمم * ب: اضطراب و ترس * پ: نیروی: هسته / یزدان: وابسته: مضاف الیه / نیکی دهش: وابسته وابسته: صفت مضاف الیه)
۴۲. الف: تنگ دل: مسند/ به تندی: قید / * ب: سیه: مجاز از اسب سیاه(البته عده ای آن را کنایه در نظر می گیرند).
- پ: تنگ دل نشدن: کنایه از "غمگین نشدن" * ت: جناس ناهمسان: جنگ و تنگ / بتاخت و بساخت: جناس ناهمسان
۴۳. گزینه ۱ * آید: مضارع التزامی. بقیه گزینه ها فعل ماضی ساده هستند.
۴۴. در اثبات بی گناهی
۴۵. کی کاووس.
۴۶. ایهام دارد: ۱. شاید ۲. امید است.

درس سیزدهم: خوان هشتم

"خوان هشتم"، از مجموعه «در حیات کوچک پاییز در زندان» از مهدی اخوان ثالث / نوع ادبی: ادبیات حماسی / در مورد مرگ رستم به دست نابرداری اش، شغاد است.

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌شست - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

قلمرو زبانی:

۱. الف: تندی و تیزی ، حدت و شدت ب: دارای ارتعاش ، لرزنده
- پ: نوعی عصا که از چوب گره دار ساخته می شود و معمولاً درویشان و قلندران به دست می گیرند. (منتشا متضاد «تعلیمی» است که عصای ظریف و نازکی است.)
- ت: ناله و فریاد با صدای بلند، شیون ث: هراتی (اهل هرات) ج: ابزار و مبنای سنجش ، معیار
- چ: عماد: تکیه گاه، نگاه دارنده / نورد: نبرد ح: غدیر: بی وفایی و خیانت خ: طاق: فرد، یکتا، بی نظیر (البته این واژه معانی دیگری چون: سقف، ایوان، بخش قوسی هر چیز مانند ابرو، محراب و ... دارد؛ اما در اینجا در معنای فرد و یکتا و بی نظیر است.)
۲. الف: شصت ب: طاق پ: سورت
۳. الف: ماخ سالار ب: بهر
۴. هفت خوان: هفت: وابسته پیشین (صفت شمارشی)/خوان: هسته** زادسرو مرو: زادسرو: هسته / مرو: وابسته (مضاف الیه) *** قولی: هسته** ماخ سالار: هسته** آن گرامی مرد: مرد: هسته / آن: وابسته پیشین (صفت اشاره) / گرامی: صفت پیشین: صفت بیانی (مطلق) ** آن هریوه خوب و پاک آیین: آن: وابسته پیشین (صفت اشاره)/ هریوه: هسته / خوب: صفت پسین (بیانی) / پاک آیین: وابسته پسین: صفت بیانی *** خوان هشتم: خوان: هسته / هشتم: وابسته پسین (صفت شمارشی ترتیبی) / من: هسته / روایت: هسته.
۵. الف: (حذف فعل «است» به قرینه معنوی بعد از ماث). ب: (حذف فعل «بود» به قرینه لفظی بعد از گرم و روشن) پ: (حذف فعل «بود» بعد از واژه های گرم و گرا و گرم)
۶. الف: چشم. ب: تن (رخش) پ: رستم
۷. الف: (نهاد - بدل - مفعول - مسند) ب: (قید - مضاف الیه - مفعول - مسند - بدل) پ: (مسند - نهاد - تکرار - مسند - مضاف الیه)
۸. گزینه «ب»: یکی از شرایط نقش تبعی تکرار این است که واژه یا عبارت تکرار در همان نقش دستوری خود ظاهر شود و نقش دیگری را نپذیرد.
۹. (غدر: خیانت و بی وفایی / قدر: ارزش و اعتبار)

قلمرو ادبی:

۱۰. سورت سرمای دی بیداد می کرد: تشخیص (استعاره)*** بیداد کردن سرما: کنایه از سرمای شدید**دی: مجاز از زمستان و در عین حال نماد حاکمیت ظلم و استبداد.
۱۱. الف: تشبیه: بیرون به ترس و قهوه خانه به شرم** تیره بودن بیرون / گرم و روشن بودن شرم: حس آمیزی / گرم و شرم: جناس** تیره و روشن / گرم و سرد: تضاد. ب: فضای داستان شاهنامه پ: (قید - مسند - متمم) ت: آتشین پیغام: حس آمیزی / (این ترکیب، اضافه تشبیهی نیز هست.)
۱۲. الف: نای: مجاز از سخن** دم: مجاز از سخن** حدیث: مجاز داستان شاهنامه ب: حس آمیزی پ: (بدل - بدل - بدل - متمم)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

- ۱۳- گزینه «پ» تشبیه: مانند کردن شعر یا قصه به گلیم / داغ: ایهام (۱) گرم (۲) ماتم / اشاره به داستان های سهراب و سیاوش و جهان پهلوان تختی: تلمیح / سهراب و سیاوش و خون: مراعات نظیر.
- ۱۴- رستم: نماد قدرت ملی ایرانیان *** شغاد: نماد نیرنگ، فریبکاری و تیره روزی و بدبختی.
- ۱۵- الف: (نابردار: ایهام: ۱) برادر ناتنی (۲) ناجوانمرد) *** ب: (دم: مجاز از سخن و بیان) *** پ: تشبیه: قهوه خانه به شرم *** گرم: ایهام: ۱. صمیمی ۲. دارای گرما و حرارت *** گرم و شرم: جناس *** گرم و روشن بودن شرم: حس آمیزی.
- ۱۶- الف: حدیث آشنا ب: داستان های شاهنامه
- ۱۷- الف: خون گرم بودن: کنایه از صمیمی و مهربان بودن. ب: خوابیدن: کنایه از مردن.
- ۱۸- الف: تشبیه: چوب دستی متشا مانند / گرم گفتن بودن: کنایه از مشغول حرف زدن.
- ب: بیداد کردن سورت سرمای دی: استعاره (تشخیص) / بیداد کردن سرما: کنایه از سرمای بسیار شدید / دی: مجاز از زمستان و نماد حاکمیت اختناق.
- پ: مرد نقال.
- ۱۹- الف: ۱. (کلید: استعاره از لبخند) * گنج: استعاره از دهان * * * مروارید: استعاره از دندان * * * ۲. کان کلید گنج او گم شد: کنایه از نخندیدن)
- ۲۰- الف: همگان: مشبه / مشبه به: صدف * * * ب: پای تا سر: مجاز از کل وجود * * * پ: از پای تا سر گوش بودن: کنایه اغراق آمیزی است از با دقت گوش دادن.
- ۲۱- الف: (دهان خوان هشتم: استعاره مکنیه (تشخیص) * * * ب: کشته شدن رستم
- ۲۲- الف: (نابردار: ایهام: ۱) برادر ناتنی (۲) ناجوانمرد) * * * ب: (سرد: ایهام دارد: ضد گرم / فضای بدون صمیمیت * گرم: ایهام: ۱. صمیمی ۲. دارای گرمی و حرارت) * * * پ: ندارد ت: داغ: ایهام دارد (۱) گرم (۲) ماتم)
- ۲۳- گزینه «ت» آرایه حس آمیزی ندارد. / بررسی سایر گزینه ها: الف: صدای گرم. نای گرم * * * ب: یادهای روشن * * * پ: دمش گرم (دم: مجاز از سخن)
- ۲۴- الف: نای: مجاز از سخن - ب: دیر: مجاز از زمان طولانی و زیاد - پ: دم: مجاز از سخن / حدیث: داستان شاهنامه - ت: پای تا سر: مجاز از کل وجود.

قلمرو فکری:

- ۲۵- چاهی که رستم با رخس در میان آن افتاد.
- ۲۶- (بیان درد و رنج جامعه)
- ۲۷- (تسلیم بودن پهلوانان بزرگ در برابر تقدیر و سرنوشت)
- ۲۸- پاسخ: * * * در متن داستان، رستم با این که اگر می خواست، می توانست خود را از چاه شغاد نجات دهد، ولی نجات از چاه غدر و خیانت که در اخلاق انسان های نامرد کننده شده است، غیرممکن است و مرگ شرافتمندانه در چاه بهتر از زندگی با خیانتکاران است که خود زندانی دیگر است. در این بیت نیز به مضمونی مشابه اشاره شده است.

پانزدهمین سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۲۹- به مضامینی چون حاکمیت خفقان و ظلم و ستم بر جامعه، بیان درد مردم در شعر متعهد، توصیف خیانت و نامردی و فریبکاری، نفرت از خیانت و بی شرمی، رنج جوانمردان و ترجیح مرگ شرافتمندانه بر زندگی با خیانت کاران فریبکار اشاره شده است.

۳۰- الف: (صدف: مردم / مروارید: نقال) ب: (داستان های شاهنامه و سخنان نقال) پ: (رستم داستان) ت: (ماخ سالار)

۳۱- (قهوه خانه: فضای داستان شاهنامه)

۳۲- پهلوان شجاع میدان جنگ های هول انگیز (رستم)

۳۳- الف: تک (یکتا، یگانه) ب: خاطرات روشن و به یاد ماندنی. ج: یاد های روشن.

۳۴- الف: لبخند ب: رستم

۳۵- شعر خود را فقط دارای ظاهر زیبا نمی داند بلکه محتوا و مفهوم آن را ارزشمند می داند.

۳۶- (اشاره به استبداد و ظلم حاکم بر جامعه عصر شاعر)

۳۷- صدف: افرادی که به در قهوه خانه به سخنان نقال گوش می دادند. مروارید: نقال خوان هشتم

۳۸- معنی: این شعر، مانند گلیمی است که بدبختی های جامعه را نشان می دهد و همانند خون تازه سهراب و سیاوش و روکش جوانمردانی چون تختی درد مردم را بیان می کند. (مفهوم: ارزشمندی شعر متعهد)

۳۹- شعری در میدان جنگ به قصد مفاخره.

۴۰- الف: اوج بی شرمی حيله و نیرنگ ناجوانمردان ب: به بی وفایی و خیانت شغاد- برادر ناتنی رستم- اشاره دارد که رستم را درون چاه می اندازد و سبب هلاک وی می گردد.

۴۱- زادسرو: از روایان داستان های رزم رستم است / ماخ سالار: از روایان شاهنامه / هریوه: اهل هرات، هراتی / * * * خوان هشتم: چاهی که رستم در آن افتاد * * * ماث: مهدی اخوان ثالث (سرواژه)

۴۲- نشانه تاکید بر ظلم و استبداد.

۴۳- رستم

۴۴- الف: همگی صمیمی بودند.

ب: رستم با خود گفت: «بیچاره رخس دوست داشتنی!» شاید این اولین بار بود که رستم لبخند نمی زد.

پ: این که می گویم، شعر نیست، بلکه این ابزار سنجش محبت و دشمنی / جوانمرد و ناجوانمرد است. این سخن و شعر من مانند اشعار به ظاهر ناب و زیبا و عالی ولی خالی از تعهد و بی ارزش و پوچ و بی محتوا نیست. (مفهوم: شعر باید متعهد باشد و منعکس

کننده دردهای جامعه باشد نه اینکه صرفاً زیبا باشد)

ت: در صدای مرد قصه گو (نقال)، غمی پنهان بود (بیان غمگینی داشت) و تند و تیز نگاه می کرد

ث: تندی و شدت سرمای دی ماه بسیار بود (هوا خیلی سرد بود). (مفهوم: استبداد و خفقان حاکم)

ج: آری اکنون رستم تنومند همراه اسب غیرت مند خود (رخس) در ته این چاه گرفتار شده بود. چاهی که در آن به جای آب، زهر شمشیر و نیزه بود.

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

چ: حاضران همه ساکت بودند، هم چون صدفی که مروارید را در میان بگیرد، پیرامون مرد نقال نشسته بودند، و به سخنان نقال با تمام وجود گوش می کردند.

ح: این شعر مانند گلیمی است که بدبختی های جامعه را نشان می دهد و همانند خون تازه سهراب و سیاوش و روکش تابوت جوانمردانی مانند تختی، درد مردم را بیان می کند. (ارزشمندی شعر متعهد)

شعرخوانی: ای میهن

قالب شعر: غزل** * شاعر: ابوالقاسم لاهوتی

بررسی برخی از قلمروهای ادبی شعر

ابیات زیر را بخوانید و به پرسش ها، پاسخ دهید.

- الف: تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن ای میهن! / بود لبریز از عشقت وجودم میهن ای میهن! (نهاد - مسند - نهاد)
- ب: تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی / فدای نام تو بود و نبودم میهن ای میهن! (مسند - متمم - مسند - نهاد)
- پ: به هر مجلس به هر زندان به هر شادی به هر ماتم / به هر حالت که بودم با تو بودم میهن ای میهن! (متمم - متمم - منادا)
- ت: اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار / به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن! (مسند - مسند - مضاف الیه - نهاد)
- ث: به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی روید / من این زیبا زمین را آزمودم میهن ای میهن! (نهاد - مضاف الیه - مفعول)
- به سوالات پاسخ دهید.

۴۵. نقش واژه های مشخص شده را مقابل هر بیت بنویسید.

۴۶. ای میهن! تو از نیستی به من زندگی بخشیدی، و مرا با مهر و محبت پرورش دادی، همه هستی و تمام وجودم فدای نام تو باد.

۴۷. واو در مصرع اول بیت دوم: ربط (پیوند) ** در مصرع دوم: بود و نبود: وندی

۴۸. بیت ۴: واژه های مست/هوشیار/ خواب/ بیدار/ به سوی: همگی نقش «مسند» دارند.

۴۹. حذف فعل «هستم» به قرینه لفظی بعد از هوشیار/ حذف فعل «هستم» بعد از بیدار به قرینه لفظی.

۵۰. بیت سه.. مجلستم/ حالت/ تو: همگی در بیت، نقش متمم دارند.

۵۱. بررسی ترکیب های وصفی و اضافی:

بیت اول: ترکیب اضافی: یاد تو/ پودم / عشقت / وجودم** ترکیب وصفی ندارد.

بیت دوم: فدای نام تو: فدای نام/ نام تو / بود و نبودم: بیت دو در مجموع سه ترکیب اضافی دارد. ترکیب وصفی ندارد.

بیت سوم: ترکیب وصفی: هر مجلس/ هر زندان/ هر شادی/ هر ماتم/ هر حالت: ۵ ترکیب وصفی دارد** ترکیب اضافی: ندارد.

بیت چهارم: ترکیب اضافی: سوی تو/ روی سجود/ سجودم/ ترکیب وصفی: ندارد.

بیت پنجم: ترکیب وصفی: این زیبا زمین: این (صفت پیشین از نوع اشاره)/ زمین: هسته/ زیبا: صفت بیانی (فاعلی): در مجموع گروه

اسمی «این زیبا زمین» دو ترکیب وصفی دارد.**

ترکیب اضافی بیت پنجم: دشت دل/ گل روی/ رویت/: در مجموع ۳ ترکیب اضافی دارد.

پانخامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۵۲. بررسی ابیات، به لحاظ ادبی:

۱. تار و بود: مجاز از تمام وجود / (البته می توان تار و بود من را هم اضافه استعاری در نظر گرفت.) * ای میهن: استعاره (تشخیص) / واج آرای صامت های «ت»، «ن» * * * میهن: تکرار.
۲. بود و نبود: مجاز از تمام هستی و وجود / ای میهن: استعاره (تشخیص) / میهن: تکرار.
۳. مجلس و زندان / شادی و ماتم: تضاد و تناسب * * * ای میهن: استعاره (تشخیص) / تکرار «به» و «هر» / جناس: به: با.
۴. مست و هوشیار / خواب و بیدار: تضاد و مراعات نظیر * * * واج آرای صامت «ر» / تکرار: اگر / ای میهن: استعاره (تشخیص) * * روی سجود به سوی کسی بودن: کنایه از احترام و تعظیم.
۵. دشت دل. گل رو: اضافه تشبیهی / زمین: استعاره از دل / دشت، گل، زمین: مراعات نظیر / میهن: تکرار / واج آرای «ز»

۵۳. مفهوم ابیات:

- بیت ۱. عشق به میهن. * بیت ۲: آرزوی فداکاری و جانفشانی برای وطن * بیت ۳: همراهی با میهن در تمام مراحل سختی و آسایش. * بیت ۴: احترام نهادن به میهن تحت هر شرایط * بیت ۵: میهن، تنها عشق انسان.

درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ

قلمرو زبانی

۱. الف: دعوی: ادعاخواستن چیزی. * ب: عاشق و دلداده * پ: اطراف، کناره ها * ت: رنج و سختی * ث: منجمد و سرمزده ج: بی نیازی / در اصطلاح، بی نیازی سالک از هر چیز جز خدا. * چ: مرغابی * ح: سخنان.
۲. الف: (متمم - نهاد - قید - نهاد - مسند)
ب: نهاد / متمم / نهاد پ: (قید / مسند / متمم قیدی) ت: (نهاد / مفعول / قید / متمم) ث: (نهاد / مسند)
ج: (نهاد / مسند / مسند / نهاد) چ: (مسند / مسند) ح: (قید / مسند) خ: (نهاد / نهاد) د: (متمم / صفت برای شیر مرد / مسند)
ذ: (نهاد - متمم - نهاد)
۳. الف: خواستار ب: مخاصمت
۴. الف: (را: به معنی حرف اضافه «از»: از قضا) ب: (فک اضافه) هفت وادی در راه ما است.
۵. الف: وادی عشق ب: بی کرانگی و بی حد و مرز بودن آن
۶. پاسخ: گزینه ۳ (گزینه ۱ و ۲: قوی و نیرومند) (گزینه ۳: عجیب و شگفت انگیز)
۷. الف: (ضمیر «ت» در هر دو مصرع، جهش ضمیر دارد و مضاف الیه مُلک و مُلک است.) * * ب: مُلک: نهاد / اینجا: قید پ: مُلک: مجاز از قدرت / مُلک: مجاز از قدرت و دارایی / انداختن: کنایه از رها کردن و کنار گذاشتن / در باختن: کنایه از فدا کردن و از دست دادن / ترصیع / تکرار: اینجا بایدت / مُلک و مُلک: جناس ناهمسان (حرکتی)
۸. بعد از این وادی حیرت برای می آید / کارت دائم درد و حسرت می آید (کارت دائم درد و حسرت است)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

بعد از این	وادی	حیرت	(برای) ت	آید	کار	ت	دائم	درد	و	حسرت	می آید
قید	نهاد	مضاف‌الیه	متمم	فعل	نهاد	مضاف‌الیه	قید	مسند	عطف	معطوف	فعل

۱. ۹. گزینه «پ» نقش تبعی معطوف (تجرید معطوف برای تفرید) سایر گزینه ها: الف: پرندگان بدل از ما / ب: جملگی: بدل برای مرغان / بلندترین کوه روی زمین: بدل برای کوه قاف.
۲. ۱۰. الف: تجرید ب: فقر پ: تفرید *** واژه توحید: در معنای «یکتاپرستی» در متن سوال ذکر نشده است.
- ۳.

قلمرو ادبی

۱۱. الف) بلبل: نماد عاشقانی که گرفتار عشق مجازی و زمینی هستند. (ب) گل: نماد معشوق زمینی و مادی (پ) سیمرغ: نماد حق (ت) سفر پر خطر: مسیر پرخطر عشق
۱۲. نماد. سیمرغ: رمز خداوند / هُدهُد: رمز پیر طریقت و رهبر و راهنما و انسان کامل و آگاه. / طاووس: عابد و زاهدی که طمع بهشت دارد / ذره: نماد کوچکی و حقارت / خورش: نماد بزرگی و عظمت / مار: نماد اهریمن و شیطان / پرتویی از جمال سیمرغ: استعاره (جمال سیمرغ به خورشیدی تشبیه شده که پرتو دارد) / تشبیه: مانند کردن «بهشت به ذره» و «سیمرغ به خورشید».
۱۳. الف: (زبان: مجاز از سخن) * * ب: (هفته ای: مجاز از زمان اندک) * * پ: وادی: مجاز از بیابان) ت: (فرسنگ: مجاز از مسافت) (راه: استعاره از عشق سیمرغ: عشق الهی) * * ث: (مرد: مجاز از انسان)... (حیران و تحیر: اشتقاق)
۱۴. مرغان: سالکان راه حق * * سیمرغ: وجود حق تعالی
۱۵. الف) «را» به معنی برای: حرف اضافه (ب) شاه: راه * * راه: راه * * ما: راه * * (پ) راه نیست: کنایه از درست نبودن، طبق رسم و قاعده نبودن.
۱۶. سی مرغ: سیمرغ: جناس همسان / سی مرغ: تکرار / زود: بود: جناس ناهمسان / کل بیت به «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» اشاره دارد: تلمیح
۱۷. شیطان با راهنمایی طاووس در تن مار پنهان شد و وارد بهشت شد و آدم و حواریا و سوسه کرد تا از درخت ممنوعه خوردند و از بهشت رانده شدند.
۱۸. گزینه «پ» / سایر گزینه ها: الف: جناس ناهمسان: صدر و قدر / هر، بر، در * * ب: ایهام: در حقیقت: ۱. حقیقتا (قید) ۲. در مسیر حقیقت و عرفان ت: صدر: مجاز از مرتبه و مقام.

قلمرو فکری

۱۹. (بی ارزش بودن دنیا در نظر عارف و تعلق داشتن روح آدمی به عالم بالا)

پانزدهم سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۲۰. بعد از آن پیش نظرت، معرفت را وادی ای بی پا و سر نشان می دهد. / «ت» جهش ضمیر دارد: نقش آن مضاف الیه نظر: نظرت: قلمرو زبانی)

۲۱. الف: عارف و عاشق باید قوی و شجاع باشد تا بتواند این راه را طی کن؛ زیرا مسیر عشق، طولانی و پر از سختی است. (مفهوم: لزوم شجاعت و شایستگی عارف و سالک راه عشق / سختی راه عشق)

ب: معنی: اگر از این بیابان (توحید) بگذرند همه به وحدت و یگانگی می رسند. (مفهوم: اتحاد و یگانگی ذات مردان حق) پ: چگونه است که سرزمین ما شاه ندارد؟ بیشتر از این بدون شاه، درست نیست. (لزوم داشتن حاکم)

ت: (هر کس بتواند با خورشید (سیمرغ، حق) هم سخن گردد، هرگز دلبسته یک ذره (عشق فانی) نمی شود تا از راه باز بماند. (مفهوم: دعوت به والامنشی و بلندی همّت)

ث: معنی: هیچ کس در جهان از این راه بازنگشته است؛ به همین خاطر کسی از مسافت آن مطلع نیست. (مفهوم: بی بازگشت و بی کرانه بودن راه عشق)

ج: معنی: وقتی به سرزمین طلب وارد شوی، هر لحظه مصائب و سختی های زیادی به تو روی می آورد. (مفهوم: بیان سختی های راه طلب)

چ: معنی: در وادی طلب، باید پادشاهی (مقام و قدرت) را کنار بگذاری و از تمام تعلقات مادی چشم بوشی. (مفهوم: ترک تعلقات مادی و مقام در وادی طلب)

ح: معنی: عاشق واقعی کسی است که مثل آتش، سربه و سوزنده و سرکش باشد. (مفهوم: پرشوری و سوزان بودن عاشق)

خ: بعد از مرحله استغنا، وادی توحید، همان جایگاه یکی شدن با معشوق (خداوند) پیش روی تو آشکار می شود. (مفهوم: رسیدن به یگانگی و خالی شدن قلب سالک از آنچه غیر خداست.)

د: هزاران موجود پایدار و همیشگی را که به حق پیوسته اند، در خورشید وجود خداوند، نیست و نابود شده می بینی. (مفهوم: محو کثرت در وحدت)

ذ: پرندگان وقتی با دقت به خود نگاه کردند، متوجه شدند که سیمرغ واقعی، همان سی مرغ کامل بود.

۲۲. (فناپذیر بودن عشق مادی)

۲۳. بیت «چون نگه کردند آن سیمرغ زود / بی شک این سی مرغ آن سی مرغ بود» را از لحاظ قلمروهای سه گانه بررسی کنید.

الف) قلمرو زبانی: بیت ۲ جمله دارد / چون. زود. بی شک: قید / آن سی مرغ: در هر دو مصرع: نهاد / نگاه مفعول / آن سیمرغ: مسند / بیت شیوه بلاغی دارد / ترکیب اضافی: ندارد / ترکیب وصفی: آن سی مرغ در هر دو مصرع. آن سیمرغ.

ب) قلمرو ادبی: سی مرغ و سیمرغ: جناس همسان (تام) / زود. بود: جناس ناهمسان / سی مرغ: تکرار / تلمیح: اشاره بیت به «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ، فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»

پ: مفهوم بیت فوق: اتحاد سالک با وجود الهی خود یا همان حق.

۲۴. (بیان مقام عرفانی فناء فی الله و وحدت وجود)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌شست - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۲۵. الف: (خورشید:نماد بزرگی (عشق حقیقی)/ ذره: نماد کوچکی و حقارت (عشق مادی)/ کی تواند باز: باز نمی ماند: استفهام انکاری / باز ماندن: کنایه از به هدف نرسیدن / خورشید و ذره: مراعات نظیر / جناس ناهمسان: راز: باز * با: باز)
ب: (خورشید:نماد بزرگی (عشق حقیقی)/ ذره: نماد کوچکی و حقارت (عشق مادی)
۲۶. دریا: حق تعالی * شبنم: هر چه غیر از خدا
۲۷. ۱: طلب ۲: عشق ۳: معرفت ۴: استغنا ۵: توحید ۶: حیرت ۷: فقر و فنا
۲۸. الف: عارف و عاشق نه به بهشت دلبسته است و نه از دوزخ هراسی دارد / (بی تعلقی به بهشت و بی پروایی از دوزخ) * ب: استغنا * پ: (تشبیه هشت جنت به مرده و هفت دوزخ به یخ / مثل مرده ای: کنایه از بی ارزش بودن / هشت و هفت: هم جناس و هم مراعات نظیر / جنت و دوزخ: تضاد / هفت دوزخ همچو یخ، سرد و منجمد: متناقض نما (پارادوکس)
۲۹. توحید
۳۰. توحید (وادی پنجم)
۳۱. تعلقات دنیوی که انسان را از توجه به خدا و تلاش برای رسیدن به او باز می دارند.
۳۲. الف: توحید * * ب: روی در کنند: کنایه از عبور کردن و گذشتن * * سر از یک گریبان بر کنند: کنایه از یکی شدن و اتحاد و وحدت.
- پ: مفهوم بیت: اتحاد و یگانگی ذات مردان حق
۳۳. تحقق بنده است به حق ، به طوری که حق ، عین قوای بنده باشد
۳۴. توحید
۳۵. الف: وادی هفتم: فقر و فنا * * * ب: سایه: استعاره از موجودات که نمود و سایه خورشید حق تعالی هستند. / خورشید: استعاره از وجود حق تعالی /
- پ: خورشید و سایه / صد هزاران و یک * * * ت: مفهوم: فنای وجودهای کثیر در برابر نور واحد و مطلق خداوند / محو کثرت در وحدت.
۳۶. الف: سایه: استعاره از سی مرغ (عارفان راه حق) / خورشید: سیمرغ (حق تعالی) * * * ب: (مفهوم دو بیت فوق: اتحاد عاشق در معشوق

درس شانزدهم: کباب غاز

قلمرو زبانی:

- ۱) ۱. همکارها ۲. امانت، قرضی ۳. ارتقا یافتن، رتبه گرفتن ۴. مشورت و نظرخواهی ۵. دک و پوز، به طنز، ظاهر شخص به ویژه سر و صورت ۶. وجنات: چهره، ظاهر ۷. سُر خوردن، از دست دادن کنترل بر اثر برخورد با مانع ۸. معمول و مرسوم - برتر، ممتاز ۹. به دیدار خویشاوندان رفتن و جویای احوال آنان شدن. ۱۰. آدم قد دراز ۱۱. ظلم و ستم - چوپان ۱۲. ناچاری، درماندگی ۱۳. بیهوده و بی معنی ۱۴. کنایه از فقیر و بی چیز. ۱۵. کج ۱۶. مات و خیره شده به کسی ۱۷. شگون، میمنت و مبارکی ۱۸. شوخی و لطیفه - بزم آرا ۱۹. هیزم ۲۰. طعامی

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه‌دشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

- که در مهمانی و عروسی می دهند. ۲۱. ادعای چیزی داشتن - بهره ور - پیشانی ۲۲. خوردن. ۲۳. تمام سال، زمان دراز. ۲۴. هر چیزی که جزء اصلی نباشد. ۲۵. آشپزخانه ۲۶. خودداری کردن و سرباز زدن از انجام کاری.
۲. صورت صحیح واژه ها: ارحام * آزرگار * انضمام * بذله * تصنعی * محظوظ * بلامعارض / مبهوت. ب: قدغن پ:
- عمارت ت: قاب: (بشقاب بزرگ) ث: مثنی
۳. الف: حواس ب: شب
۴. الف: معهود: عهد بسته شده، وعده داده شد ب: بجوچه: میان و وسط پ: وجنات: ج و جنه / رخساره ها و چهره ها
۵. الف) کل جمله بعد از گفت مفعول است / تخلص * * ب) جمله ها را با توجه به کاربرد «مسند» بررسی کنید. از زواید و از جمله رسوم و عادات (مسند) - متروک (مسند)

قلمرو ادبی و فکری

۱. ۶. وعده بگیر (دعوت کن) - خط بکش (حذف کن) - سماق بمکند (انتظار بیهوده کشیدن).»
۲. چنین پایی می افتد (چنین اتفاق می افتد) و شکم ها را مدت است صابون زده اند (خیلی وقت است که دلشان را خوش کرده اند) که کباب غاز بخورند و ساعت شماری می کنند.
۳. روبه راه شده است (تهیه شده است)
۴. آسمان جل (بی چیز) و بی دست و پا (شلخته) و پخمه (خنگ) و تا بخواهی بدریخت و بدقواره (زشت و بد ترکیب)
۵. ماشاءالله هفت قرآن به میان (از من دور) پسر عمومی خودت است. هر گلی هست به سر خودت بز (کنایه: سود و زیان این کار بر عهده خودت باشد).»
۶. مشغول تماشا و ورائداز این مخلوق کمیاب و شی عجاب (چیز عجیب) بودم که عیالم هراسان وارد شد.
۷. سر به مهر (دست نخورده و کامل)
۸. یک غاز دیگر دست و پا کنیم (تهیه کنیم)
۹. پیدا کردن یک دانه غاز در شهر بزرگی مثال تهران کشف آمریکا و شکستن گردن رستم (کار خیلی مشکل) که نیست.
۱۰. می خواهم امروز نشان دهی که چند مرده حلاجی (چقدر توانایی داری)
۱۱. پشت دست داغ کردن: کنایه از توبه کردن، پشیمان شدن
۱۲. از زیر سنگ هم شده (کنایه از به سختی چیزی را یافتن).
۱۳. میهمانی را پس می خواندید (لغو می کردید)
۱۴. اگر ممکن باشد شیوه ای سوار کرد (روش و ترفندی به کار برد)
۱۵. می گویی ای بابا دستم به دامانتان (از شما کمک می خواهم)
۱۶. یکی از حضار که گباده ی شعر و ادب می کشید (ادعایی در شعر و ادب داشت).
۱۷. در اواخر عمر با بنده مألوف بودند و کاسه و کوزه یکی شده بودیم، (خیلی خودمانی)
۱۸. دامنش از دست برود (اراده و اختیارش را از دست بدهد)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱۹. دیدم توطئه ما دارد می ماسد (طرح و نقشه ما دارد می گیرد)
۲۰. حالا دیگر چانه اش هم گرم شده (کنایه از پرحرفی کردن) و در خوش زبانی و حرفی و شوخی و بذله (مزاح) و لطیفه نوک جمع را چیده (دهان همه را بسته) و متکلم وحده (تنها گوینده) و مجلس آرای بلامعارض (آراینده ی بدون رقیب) شده است.
۲۱. چنان کلکش را کردند (کنایه از نیست و نابود کردن) که گویی هرگز غازی قدم به عالم وجود نهاده بود! (کنایه از وجد نداشتن).
۲۲. از تماشای این منظره ی هولناک آب به دهانم خشک شده. (کنایه از نهایت حیرت و ترس)
۲۳. یارو (مصطفی) حساب کار را کرده (کنایه از آگاه شدن) بدون آنکه سرسوزنی (کنایه از کمترین) خود را از تک و تا (جنب و جوش) بیندازد، دل به دریا زده (کنایه از جرئت کردن) و به دنبال من از اتاق بیرون آمد.
۲۴. در را بستم و صدای کشیده (سیلی) ای آب نکشیده ای (کنایه: صدادار و آبدار) طنین انداز گردید.
۲۵. گفتم: «خانه خراب (بدبخت) تا حلقوم بلعیده بودی (کنایه از بسیار خوردن)، باز تا چشمت به غاز افتاد، دین و ایمانت را باختی (کنایه از اینکه، اختیارت را از دست دادی) و به منی که چون تویی را صندوقچه ی سر خود (همراز خود) قرار داده بودم، خیانت ورزیدی؟ دِ بگِیر که این ناز شستت باشد». (کنایه از پاداش خیلی خوب)
۲۶. داشتم شاخ در می آوردم (به شدت تعجب می کردم)
۲۷. بدون آنکه خم به ابرو بیاورم: (کنایه از ناراحت نشدن)
۲۸. کاه (غذا) از خودمان نیست کاهدان (معهده) که از خودمان است ضرب المثل تمثیل است کنایی: یعنی به فکر سلامتی خود بودن و تعادل در خوردن
۲۹. شستش خبردار شده بود (از موضوع آگاه شد)

درس هفدهم: خنده تو

قلمرو زبانی

۱. بیرون کشیده، بر کشیده
۲. الف: بامدادان: زمان ب: ماهان: شباهت پ: ایرانیان: جمع ت: گیلان: جمع ج: تابان: صفت
- فاعلی ج: صفت فاعلی
۳. الف: عشق: منادا - گلی: متمم (نکته: وقتی واژه «چون» در معنی «مانند» باشد، حرف اضافه محسوب می شود و واژه بعد از آن متمم است.) - ش: مضاف الیه.
- ب: ترکیب وصفی ندارد / ترکیب اضافی: عشق من، انتظارش.
۴. الف: (پایان: هسته * این: وابسته و وابسته از نوع صفت مضاف الیه / دریا: وابسته: مضاف الیه /// بی کران: وابسته و وابسته از نوع صفت مضاف الیه)
- ب: (کشتی: هسته / تندرو: وابسته: صفت پیشین / خیال: وابسته: مضاف الیه / من: وابسته و وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)
- پ: سرحد جهان خلقتش: (سرحد: هسته - جهان: وابسته پسین: مضاف الیه - خلقت: وابسته و وابسته: مضاف الیه مضاف الیه)
- لیه - ش: وابسته و وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانگان کوه شت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۵. غم: معطوف تبسم: تکرار
 ۶. گزینه «پ» مسند در بیت وجود ندارد. سایر گزینه ها: گل: متمم - هرجا: قید - لبخند: مفعول

قلمرو ادبی

۷. نان: نماد روزی و غذا - هوا: نماد آزادی و زندگی - گل سرخ: نماد عشق - خنده: نماد شادمانی ***** ب:
 گل آبی: نماد عشق و وطن / گل سرخ: نماد عشق و وطن.
 ۸. رها شدن خنده: استعاره / پرواز کردن خنده: استعاره / درهای زندگی: اضافه استعاری / در گشودن: کنایه از پذیرفتن و امیدوار / جستن خنده: استعاره (تشخیص)

قلمرو فکری:

۹. مفهوم مشترک هر دو گزینه این است که آنچه به انسان و زندگی او نیرو می بخشد، لبخند و شادی است.
 ۱۰. ترجیح شادی و نشاط کشور بر همه چیز.
 ۱۱. مفهوم مشترک سه گزینه: ترجیح شادمانی بر زندگی است.
 ۱۲. شاد بودن در شرایط سخت / شاد بودن با غم زمانه.
 ۱۳. نکوهش غم، و دعوت به شادی و نشاط.
 ۱۴. لبخند و شادی ارزشمند است و به انسان نیرو و امید می بخشد.

درس هجدهم: عشق جاودانی

قلمرو زبانی

۱. الف: آشکار/ درشت و واضح ب: سالخورده پ: کتاب ت: سرزنش، ملامت، تندی ث: ج
 سبیه: خواها و عادت ها ج: خیال، ذهن - رسم کردن و کشیدن.
 ۲. الف: حذف فعل «مانده است» به قرینه لفظی بعد از نوشتن. ب: حذف فعل «هستم» به قرینه معنوی بعد از: من از آن تو
 (هستم)
 ۳. الف: غلغله ب: عتاب پ: توزیع ت: خدمت گزاری ث: متنبه
 ۴. الف: سالخوردگی / صحیفه ب: مغلوب پ: ندارد ت: غرس ث: ندارد

پانخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزانه کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۵. سجایای ارزشمند تو: (سجایا: هسته / ارزشمند: وابسته: صفت / تو: وابسته: مضاف الیه) * * * * * نخستین احساس عشق: نخستین: وابسته پیشین: صفت شمارشی ترتیبی / احساس: هسته / عشق: وابسته از نوع مضاف الیه * * * * * نام زیبای تو: نام: هسته / زیبا: وابسته: صفت بیانی از نوع فاعلی / تو: وابسته پسین: مضاف الیه

۶. گزینه ۴ ... بررسی افعال: (نکرده باشد: ماضی التزامی - بتواند: مضارع التزامی - مانده است: ماضی نقلی)

۷. الف: همواره: قید / موضوع: مسند * * * * * ب: عشق قدیم: عشق: هسته / قدیم: وابسته پسین از نوع صفت بیانی (مطلق یا ساده) * * * * * موضوع صحیفه شعر خود: موضوع: هسته / صحیفه: وابسته: مضاف الیه / شعر: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه / خود: وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه.

۸. گزینه «ب» - صفحه ضمیرم: (صفحه: هسته / ضمیر: وابسته: مضاف الیه / ضمیر «م» وابسته وابسته از نوع مضاف الیه مضاف الیه)

۹. صحیفه، معانی چون: نامه، کتاب، رساله، سفر، ورق کتاب، روی زمین، کاسه می تواند داشته باشد.

قلمرو ادبی

۱۰. چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است؟ یا چه چیز تازه ای برای نوشتن؟ که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟ چه حرف تازه ای... مانده است؟ / چه چیز تازه ای... مانده است. (استفهام انکاری)

۱۱. الف: قلم: مجاز از صاحب قلم، نویسنده * * * * * ب: عشق: مجاز از عاشق * * * * * پ: درس: مجاز از کلاس درس * * * * * حرف: مجاز از سخن.

۱۲. الف: دست زمان: اضافه استعاری * * * * * ب: خویش: پیش: سجع (نکته قلمرو زبانی: حذف فعل «گرفتم» به قرینه لفظی بعد از پیش)

۱۳. الف: به لطف و نرمی گفتن: حس آمیزی * * * * * ب: ده: مجاز از مردم ده * * * * * پ: خواب دیدن برای کسی: کنایه از نقشه کشیدن و تصمیم گرفتن برای او / سر خویش گرفتن: کنایه از دنبال کار خود رفتن. * * * * * ت: خاطرات تلخ: حس آمیزی / صفحه ضمیر: اضافه تشبیهی.

قلمرو فکری

۱۴. قابل توصیف نبودن عشق و زیبایی معشوق.

۱۵. مفهوم مشترک: نامکرر و نو بودن سخن عشق است.

۱۶. عشق جاودانی دل انسان را با وجود پیری جوان می سازد.

۱۷. الف

پاسخنامه سوال های فارسی (۳): پایه دوازدهم - درس اول تا پایان درس هجدهم - فرزاد مکان کوهپشت - استان لرستان - بهمن ماه ۱۳۹۸ - تیموری

۱۸. عاشق، عشق جاودانه و ازلی خود را موضوع شعر خود قرار می دهد و نخستین احساس عاشقانه خود را جستجو می کند که خود در آنجا متولد شده است. هرچند ممکن است صورت ظاهری آن با گذر زمان تغییر کند و موجب گردد آن مرده به نظر برسد، اما عشق همواره ازلی و جاودانی است. (مفهوم: زوال ناپذیری عشق ازلی)

***** پایان *****

در پناه خداوند بزرگ، موفق باشید. تیموری